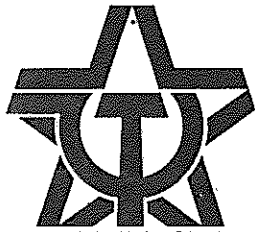




امک

دوره دوم سال هفتم ★ ارگان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★ قیمت: ۸۰ ریال شماره ۳۲ آبان ماه ۱۳۶۵



سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

رفیق عبدالله افسری
سررشتی ما است

رهنمودهای

«مرکز ارتباطات سازمان»

در صفحه ۱۱

برای صلح پایدار؛ برای نان و آزادی؛

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

در صفحه ۵

تلفیق کار مخفی و علنی:

یک اصل اساسی

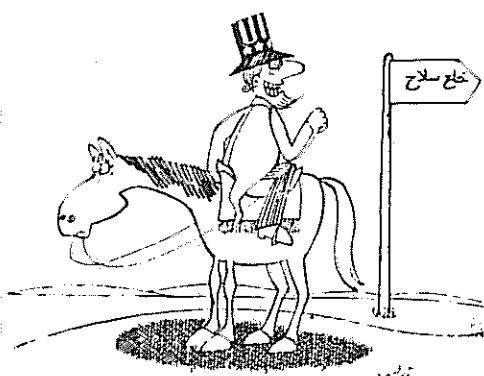
در سازماندهی طبقه کارگر

در صفحه ۱۷

رسوائی مبلبیتار بسم آمریکا

در «ریکیاویک»

در صفحه ۲۴



مذاکرات با آمریکا و دوئل قدرت در جوار بارگاه ولایت فقیه

نهفت های آزادبیش سیاه پاسداران" و رابط
رژیم فقیه با حزب الله لبنان ، بهمراه گروهی
از مرتضین باوی ، از جمله برادرش سید
هادی هاشمی ، داماد رئیس دفتر منتظری بود
اتهام قتل پیش از انقلاب ، قتل آدم ربائی
پس از انقلاب ، همکاری (سید مهدی هاشمی) بسا
ساواک ، نگهداری اسلحه و مواد منفجره ، نگهداری
استاد صحرانده دولتی ، جعل اسناد دولتی ؛
فعالیت مخفی و غیر قانونی ، شایع است که احمد
منتظری (فرزند آیت الله منتظری) و چند تن
از نمایندگان مجلس اسلامی نیز جزویا زدا شد
شدگان بوده اند ، دستگیری افرادی که بهر حال
از نزدیکان منتظری بوده و سرنشان به دفتر وی
بقیه در صفحه ۲



در شماره پیشین راه کارگر ، از تشدید بحران
یاسی ، عمیق تر شدن شکاف در درون حکومت ، قرار
رفتن کشور در آستانه دوره ای سرنوشت ساز سخن
نتیم و ضرورت آمادگی برای رویارویی بسا
فانی را که ، هر آن احتمال برخاستن آن می رود ،
داور شدیم ، حوادث مهم و در نوع خود بسا
بقای که در همین فاصله کوتاه در عرصه سیاسی
بران رخ داده اند ، نه تنها از عمق و ابعاد واقعی
بران وین بست در درون رژیم برده بر میدارند ،
که در عین حال به شدت یاسی هر چه بیشتر و
تاب گیری این بحران منجر خواهند شد ، یکی زاین
ادب ، دستگیری سید مهدی هاشمی ، مسئول " واحد

نگاهی گذرا به صف بندی طبقاتی در روستا و جمع بندی از مبارزات دهقانی در آستانه قیام و پس از آن (۱)

در صفحه ۶

اعدام جنایتکارانه

رهبران حزب کمونیست اندونزی

در صفحه ۸

اخباری از زندانها

در صفحه ۶

سلطنت طلبان و مانورهای تازه

در صفحه ۷

تظاهرات دهها هزار نفری در استادیوم آزادی

در صفحه ۶

نشادت سامورا مانند

در صفحه ۲۶

قطع سوبسید رانندگان تاکسی

در صفحه ۶

مبارزات کارگران و زحمتکشانشان

- کارخانه مزدا • کارخانه
- تولیدی و صنعتی مدار • صنایع
- لکتریکی البرز • کارخانه
- خودروسازان • داروسازی فارما
- داروسازی رازک • دارو -
- سازی بیرا نهورمون • کارخانه
- ترانس پیک • سینا دارو
- ایران بازار • کارخانه
- لیبز • ایران یاسا و ...

در صفحه ۲۳

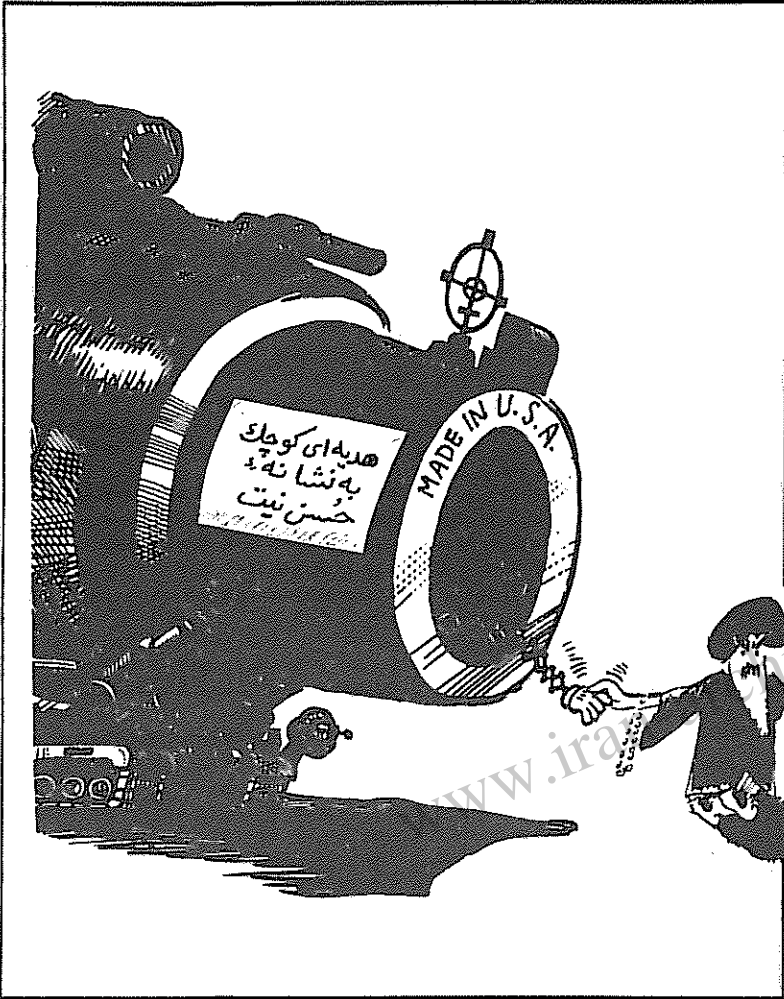
مکام با کارگران و زحمتکشانشان جهان

در صفحه ۲۷

مذاکرات با آمریکا و دوئل قدرت در جوار بارگاه ولایت فقیه

دنباله از صفحه ۱

نیز متصل بوده است - آنها با چنین اتهاماتی - فرصتی طلائی به مخالفین منتظری داد، تا بسه انتقام کودتای مجلس خبرگان در سال گذشته که منتظری را جانشین خمینی اعلام کرد، ضربه‌ای اساسی - برا اعتبار وی وارد کنند. شایعه استعفاى منتظری در رابطه با این دستگیری ها - هر چند فقط شایعه بوده باشد - بقدری زمینه جسدی و گسترده یافت که دفتر منتظری از تکذیب رسمی آن تاگزیر گردید. لطمه‌ای که بر اعتبار و حیثیت "امید امام امت" و "مظهر تدایم ولایت فقیه" وارد آمد، بقدری عظیم بود که سران رژیم برای اعاده و مرمت آن به تکاپوی چشمگیری افتادند. رئیس جمهور، در مقام امامت جمعه، خطبه اصلی خود را بسبب اثبات شرافت منتظری و لیاقت وی برای جانشینی خمینی اختصاص داد. محض رفع هرگونه ابهام نه تنها خوشحالی همگان را از "انتخاب" وی بجای خمینی مورد تاکید قرار داد، بلکه لازم هم دیدند تا آوری کنند که منتظری مورد محبت و توجه بسیار زیاد امام امت است. رفسنجانی نیز که در مخالفت با جانشینی منتظری شهرت دارد، در ملاقات با سفرا و کارداران وزارت خارجه طمینان میدهد که دل حضرت آیت الله العظمی منتظری از امام امت بخاطر این دستگیری‌ها چرکین است، و نه دل ما از آیت الله العظمی منتظری بعنوان استادمان در گذشته، نایب رهبریمان در حال و رهبر آینده‌مان. نه تنها رفسنجانی لازم می بیند مطاع بودن خمینی را برای منتظری یادآور شود، بلکه حتی لازم می شود سخنرانی برای خود منتظری ترتیب دهد که روز سیزدهم آبان، بمناسبت تبعید خمینی سخنرانی کرده، با تجلیل از وی و دعا برای متصل شدن زندگی خمینی به ظهور مهدی موعود، عبودیت خود را نسبت به وی به اثبات برساند. حتی اگر فرض کنیم هیچکس قصد زیر ضرب بردن منتظری را در این حوادث نداشته است، نفس تفلای چشمگیر برای اعاده "حیثیت" وی، از واقعیت زیر سؤال رفتن وی و ابعاد آن حکایت دارد.



حادثه دیگر، دستگیری سید احمد کاشانی، نماینده نظن در مجلس اسلامی (فرزند آیت الله کاشانی) به همراه چند ارتشی و از جمله یک سرهنگ، به اتهام تهیه و توزیع شبنامه‌هایی در نقاط جنگی حساس بود، که از ارتباط با عدم ارتباط آن با حوادث دیگر هنوز اطلاعی در دست نیست، ولی اهمیت حادثه، از مناسبت دستگیرشدگان و موضوع اتهام، بقدر کافی آشکار است.

اما حادثه مهم دیگری که مثل بمب در دنیا صدا کرد و زمین لرزه آن هنوز ادامه دارد، فاش شدن تماسها و مذاکرات پنهانی سران رژیم ایران و آمریکا و ویژه ریگان رئیس جمهور آمریکا بود. خبر ملاقات "رابرت مک فارلین" مشاور رئیس جمهور آمریکا در امور امنیت ملی با رفسنجانی و دیگر سران رژیم در تهران، نخستین بار در نشریه "لبنانی" "الشرع" که مورد حمایت سوریه بوده و در بیروت چاپ می شود به جهان خارج درز کرد، و تازه پس از آن بود که رفسنجانی تاگزیر شد در این باره سخن بگوید. افشای حضور مک فارلین در تهران و مذاکرات رفسنجانی و دیگران با وی چند روزی پیش از دستگیری سید مهدی و سید هادی هاشمی توسط این

مذاکرات سری مقامات ایرانی و آمریکایی - معموله - نظامی تحویل ایران داده است. طبق گزارش لوس آنجلس تایمز، موشکهای زمین به زمین و سائل یذکی فانتوم F4، سیستم های آمریکا، رادار، هواپیمای باری C-130 و دیگر ادوات جنگی تحویل ایران داده شده است. منابع دیگر، تحویل دستگا‌های ایجاد دبا را زیت روی رادیو مخابراتی جنگی F4 و F5 و ادوات جنگی الکترونیک نیز خبر می دهند. گفته میشود که صدور اسلحه به اسیران به دستور آمریکا ولی از میدان اسرائیل، ایالت و فیلیپین صورت گرفته است. اینها گزارشات از سلاحهای تحویلی به ایران توسط آمریکا شرایطی است که ریگان هرگونه کنکاش درمورد این موضوع را ممنوع کرده و تقاضا می کند - بر آنکه آزادی دیگر گروگانهای آمریکایی در لبنان و مذاکرات با ایران به نتیجه برسد، و راز اسخ گفتن در این زمینه معاف سازند.

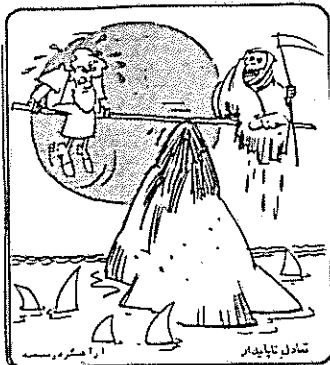
دو نفر و از طریق تهیه و توزیع شبنامه صورت گرفته بود و توسط همین افراد نیز در اختیار "الشرع" قرار داده شده است.

علیرغم حاشای سردمداران جمهوری اسلامی و تلاش ریگان برای مسکوت گذاشتن جزئیات این ملاقات، روشن شد که از حدود یکسال و نیم گذشته که هواپیمای آمریکایی T.W.A توسط جهاد اسلامی رسیده شد، کاخ سفید در تماس مداوم با نمایندگان دولت جمهوری اسلامی ایران بوده است. شخص مک فارلین بیش از یکسال در اروپا و ایران، با مأموران جمهوری اسلامی مشغول مذاکره بوده و طرفین ایرانی برای دریافت وسایل "دفاعی" و اعمال نفوذ آمریکا جهت افزایش بهای نفت در بازارهای جهانی و تثبیت درآمد آن به جان زنی مشغول بوده‌اند. یک منبع خبری ترکیه فاش کرد، هواپیمای DC-8 که در چهاردهم سپتامبر سال گذشته از تبریز بلند شده و در پرواز بمقصد اسپانیا در تل آویوه زمینی نشسته بود، برخلاف تصور، هواپیمای آمریکایی نبوده، بلکه متعلق به اسرائیل بوده و متعاقب

مهمی درحول وحوش منتظری منجرشد، حتی اگر خودمنتظری راه‌هدف قرارن داده باشد، بازسؤال رفتن خواسته یا ناخواسته منتظری دراین ماجرا - تا بحدی که همه برای اعاده حیثیت وی ملزم به موضع گیری شدند- خودنا نگرچیزی جزایسن نیست که تضادهای و درگیری های درونی رژیم بقدری عمیق و دامنه یافته و به جاهای حساس و باریک رسیده است که پژواک آن، مستقیماً بر بارگاه ولایت فقیهه رابه لرزه می اندازد، و این البته طبیعی و قابل فهم است. اختلاف نظرهابر سریند "ج" و "د" نیست، بلکه برسر نحوه برخورد با جنگ است که نه راه پس دارد، نه راه پیش و سرنوشت آن، سرنوشت رژیم اسلامی را رقم می زند. اما کشمکش درزمینه جنگ - که در اظهار نظرهای کاملاً متفا درهبران کشوردراین بباره نظا هر می باید- و بلاتکلیفی شی که درقبال جنگ، حلقوم رژیم را می فشارد، مستقیماً به جنگ قدرت مربوط میشود، زیرا هر طرف تنها از این طریق میتواند نظر خود را به کرسی بنشاند.

نه تنها افشای مذاکره و معامله با آمریکا از سوی نزدیکان منتظری و ضربه متقابل طرف مقابل، نتیجه اوج گیری اختلافات درونی در هسته اصلی رژیم ولایت فقیهه و تبدیل آنها به یک دوئل مرگ و زندگی درجوار بارگاه ولی فقیهه و جانشین وی بوده است، بلکه وقوع این افشاکری و ضد حمله طرف مقابل نیز، خود اسباب و محرک شتاب گیری و شدت یابی بیش از پیش این نبرد قدرت خواهد گردید و باید درانتظار درود دیگری از این زور آزمائی فقها بر روی طناب شعله ور جنگ بود.

در باره نتایج قطعی این حوادث حاد و شتابان، نمی توان به پیشگویی پرداخت، اما در اینکه بحران در درونی ترین هسته رژیم بطور بی سابقه ای اوج گرفته و آستان تحولات عظیمی در اوضاع سیاسی کشور است، جای تردید نیست. در چنین شرایطی که از هر جرقه ممکن است حریق عظیمی برخیزد، وظیفه ماست که برهنگاری خود بمراتب بیفزاییم؛ تبلیغات ضد جنگ و ضد رژیم را شدت و گسترش دهیم، و با تلاشی بمراتب بیش از پیش از مرطیر و اساسی سازماندهی کارگران و زحمتمندان را حول شعارهای انقلابی و در راه انقلاب، به پیش ببریم. آئینده از آن ماست، اما اگر خود را برای استقبال آن آماده کرده باشیم.



غرب است و برای بدست آوردن آنها، در گام اول از شیوه های باج گیری و حربه تروریسم استفاده میکنند تا و لآخر به مؤثرتری رایکار گرفته باشند، و تا نیاؤست "انقلابی" و "سازش نا پذیر" بخسود گرفته و حفظ آبرو کنند، همچنان که در مورد فرانسه دیده شد، هنگامی که این قدم اول پاسخ مثبت خود را دریافت کرد، قدمهای بعدی با ملایمت برداشته میشوند و روابط حسنه و دوستانه جاسی خصومت های اولیه را میگیرد. رژیم ایران همین تلاش را برای عادی سازی روابط با فرانسه و آمریکا



ز ابرات مک فارلین

تقریباً بطور همزمان آغاز کرده است، منتها به دلیل محظوراتی که در تجدید مناسبات با "شیطان بزرگ" در پیشگاه افکار عمومی داشته، و نیگز بخاطر محظورات کاخ سفید در داخل آمریکا، و روند این تلاشهای دو جانبه بسیاری سری تر و کندتر از مورد فرانسه به پیش رفته است. افشای "نا- بهنگام" این تماس ها و معاملات که رسوائی بزرگی را برای سران جمهوری اسلامی و آمریکا به بار آورده است، مانع از پیگیری تماس ها نخواهد شد - تنها ممکن است وقفه ای کوتاه در آن بیفتد یا راههای غیر مستقیم تری برای آن اتخاذ شود. بهر حال محرز است که هر دو طرف نیازمند تداوم تلاشهای خود برای بهبود مناسبات هستند. و البته اهمیت این موضوع برای رژیم متزلزل ایران، حیاتی است.

ابعاد این حادثه، تنها به بحران اقتصادی بسیار حاد و بن بست رژیم در جنگ که او را وادار به تلاش برای مصالحه با آمریکا کرده است محدود نمی شود. آری این حادثه، از بحران اقتصادی و بن بست رژیم در جنگ ناشی میشود، ولی افشای آن توسط مخالفین رفسنجانی که سر نخشان به بخشی از سپاه پاسداران، دفتر منتظری و برخی از نمایندگان مجلس اسلامی میرسد، از جنگ قدرت، از درگیری های بسیار حاد و انفجاری در درونی ترین هسته رژیم ولایت فقیهه پرده برمیدارد. ضد حمله ای که بر روی افشاگران این تماسها صورت گرفت و به دستگیری افراد سرشناس و مهره های

برخلاف حاشاکری رفسنجانی و دیگر دست درکاران این مذاکرات - که نقداً به آزادی تن از گروگانهای آمریکائی در ازای سلاحهای بیکائی منجر شده است - مک فارلین بعنصوان "مه هوا بیما" به تهران ترفته و در هتل زندانی رده، بلکه همانطور که خود مک فارلین اعلام کرد، توان مقام مسئول و عالی رتبه دولت آمریکا و ستاده رئیس جمهور این کشور به تهران سفر و بارهبران طراز اول جمهوری اسلامی - نامت و مذاکره داشته است.

ارتباط این تماس ها و معامله ها با مساله کلاشکار راست، رژیم اسلامی که علیرغم حیفات و وعده های تو خالی مبنی بر فتح قریب - وقوع عراق، از پیش برد جنگی که سرنوشت را بدان بسته است، ناتوان مانده و در بن ت مملکی افتاده است، برای دریافت سلاح مستقیماً نود آمریکا متوسل می گردد، جنگی که گویا با "الله اکبر" به پیش برده میشود، در چنان تا انداز عمیقی افتاده است که برای بیرون رین آن، باید از "شیطان بزرگ" استمداد کرد! بم اسلامی برای بدست آوردن اسلحه، به نفاذ از حربه تروریسم دولتی و گروگان گیری آورده است، حربه ای که در فرانسه نیز بایش شده و نتایج مطلوبی برای رژیم فقها ر آورده است.

این درست است که ریگان در آزاد سازی گانهای آمریکائی از دست چهار داسلامی لبنان، بم اسلامی ایران در معامله اسلحه به ازای شی این گروگانها ذی نفع بوده اند، اما با موضوع، شش ماهه گروگان ها و اسلحه و دهنمی شود. ریگان در سخنرانی خود اعتراف که موضوع فراتر از این است و وی با توجه به عیت ایران، در جهت رفع خصومت های موجود ن دولتین ایران و آمریکا و عادی سازی روابط شور تلاش می کرده است. اگر ریگان بخاطر سبک بن اتهام وارده بر خود از سوی مخالفان در ره و دولت آمریکا مبنی بر معامله غیر مجاز با تروریست پرور ایران بر سر گروگانها - و ظور مهار بحرانی که کاخ سفید را در بر گرفته ت مجبوره این اعتراف شد، سران رژیم می، البته به تلاش خود جهت عادی سازی رابطه آمریکا اعتراف نمی کنند، زیرا این اعتراف در ان اثر معکوس دارد و در حکم نفت پاشیدن بر بحران سیاسی در داخل است. اما حقیقت است که بحران اقتصادی، کاهش بهای نفت، بست جنگ که امکانات تداومش به پایمان ده و ظنا بش به گردن رژیم افتاده است، غیر ل دوام بودن این وضعیت و خطر یک شورش ضد سیاست پردازان رژیم اسلامی را در تقلال ی خروج از این بن بست، به فکر بهبود سبات سیاسی، اقتصادی و نظامی با کشورهای انداخته است، بدیهی است که رژیم اسلامی در این زمینه ها رابه شیوه خود ممتناست با مومی کشور صورت میدهد و یکباره در مقابل زانومی زند، رژیم خواهان امتیازاتی از

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

رفیق عبدالله افسری، سرهشق هاست

رفیق عبدالله افسری، فرزندیک خانواده زحمتکش و تهیدست، به سال ۱۳۲۲ در دهستان ممقان - از توابع تبریز - متولد شد. اوقتی پا به دنیا گذاشت، چهره اش رنگ تیره فقر و محرومیت را از نسل ستمکشان به ارث برده بود، و منگیز استخوانش مستعد آن بود که خون کینه بر ستمگران بسازد، در مدرسه، صمدبهرنگی معلم او شد. آموزش‌های مستقیم صمد، صیقلی بود که بر چهره انقلابی عبدالله خورد و نخستین پرده از حجاب هفت‌لای ریشه‌ستم اجتماعی را از برای برچسبان وی کنار زد. عبدالله جزو محروم‌ترین‌های جامعه بود، اما واکنش همه محرومان در برابر ستم اجتماعی یکسان نیست. کسانی که محرومیت و ستمکشی را قسمت خدای خویش نمی‌پندارند و با آن نمی‌سازند، برد و گروهند؛ گروهی که در راه رفاه و نجات فردی خویش تلاش میکنند، به نوکری بزرگان درمی‌آیند و خود را می‌فروشند تا به نان و نوا برسند؛ و با درشرفان فتمندان تریب‌ترین حالت می‌کشند با "دود چراغ خوردن" و عرق جبین به جایی برسند. اینان راه فرار از محرومیت و ستم را در فرار از محرومین و ستم‌دیدگان می‌جویند. گروه دیگر، چاره محرومیت و ستم را در مبارزه علیه بهره‌کشان و ستمگران می‌جویند. آنان غرق شدگان را به حال خود رها نمی‌کنند تا خویششان را به ساحل برسانند. با آنان می‌مانند، ریشه سیه‌روزی و بی‌باده را به آنان نشان می‌دهند، به هبستگی و مبارزه جمعی علیه بدبختی جمعی تشویقشان می‌کنند و در این راه دشوار و بیخاطر‌هایی هم‌نوعان خود، بسامق‌ها و محرومیت‌های بس بزرگتری تن می‌دهند. اگر گروه اول را عقده محرومیت و رشک برداران بیان به حرکت درمی‌آورد، گروه دوم را آگاهی بر ریشه محرومیت، و کینه بر ستمگران از جا می‌کند. اینان، انقلابیون اند. و عبدالله از این گروه بسود. آموزش‌های صمد در مدرسه و تشویق به مطالعه و وسیع‌تر آنگر آگاهی اولیه را در جان عبدالله برافروخت و به واکنش ناگزیری در برابر محرومیت و ستم، جوهری انقلابی بخشید. اما از کینه بر ستمگران تا شناخت عمقی ریشه‌های ستم و راه خشکاندن آن، فاصله بسیار است. برای طی این فاصله، عبدالله میبایست بازوبه بازوی مردان عمل، از کوره‌های تفکیک بگذرد و سیم و سنگ را از هم جدا کند. وی که در همان سنین نوجوانی، با ما رکسیم، بعنوان راه واقعی‌هایی از استعمار و ستم‌آشنائی کلی

و مقدماتی بدست آورده بود، پس از شهادت صمد بهرنگی، با دوستان وی رفقای فدائی، به روز دهقانی، منافق‌لکی و کاظم سعادت، در مبارزه علیه رژیم استبدادی شاه، همراه شد. نخستین بار در سال ۱۳۴۹، هنگامی که در کلاس دهم هنرستان صنعتی تبریز درس میخواند، توسط ساواک بازداشت گردید و پس از چند ماه که از نخستین تمرین مقاومت، سربلند بیرون آمد، آزاد شد. بلافاصله با عزم و شور و جرات بیشتر دنبال پیکارش را گرفت و بار دیگر در سال ۱۳۵۰ در ارتباط مستقیم با جنبش چریکی مسلحانه دستگیر شد. هیچ شکنجه‌ای نتوانست قفل دندانهای بهم فشرده ز کینه انقلابی او را بر اسرار زمانی و برای اقتانام هم‌زمانش بکشد. و "ممقان" (که هم‌بندان او را چنین می‌نامیدند) از نامداران مقاومت در شکنجه‌گاه‌های آریا مهیی شد. در تمام طول هفت‌ساله که در اسارت بود، تنها یکبار به ملاقات خوانده شد و از اینکه مادر پیرش برای آمدن از روستای دور دست و بیخاطر سفر دیدن او تشنه‌ها را می‌خورد که یک بزی بود فروخته بود، قلبش بشدت بیدرد آمد و تلخی این دیدار شیرین را هرگز فراموش نکرد.

در زندان بود که عبدالله فرصت آشنائی عمیق‌تری با رکسیم را یافت و با درک این حقیقت که "انقلاب کارتوده‌هاست" به انتقال از مشی انقلابیون جدا از مردم پرداخت؛ به‌لنینیسم روی آورد و بدین ترتیب جزو نخستین دسته‌های کمونیست‌هایی شد که پس از انقلاب، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را بنیان نهادند. رفیق عبدالله که جزو آخرین دسته زندانیان سیاسی در جریان انقلاب ۵۷ ز زندان آزاد شد، از مؤسسان سازمان ما بود. وی نه تنها در زادگاه خود، بلکه در هر کجا که بدان قدم می‌گذاشت بخاطر مردم جوشی فطری، سجایای انقلابی و انسانی و تواضع صمیمانه‌اش مورد محبت و اعتماد مردم قرار می‌گرفت و از این رو بعنوان یک راه‌کارگری، سهم بسزائی در گسترش نفوذ و اعتبار سازمان مسادر میان زحمتکشان ایفا کرد. او که پس از آزادی از زندان، با استقبال عظیم توده‌های وارد زادگاهش شده بود، با ایجاد "کتابخانه سرخ"، تهیه و توزیع یک نشریه انقلابی برای دانش‌آموزان و جوانان، و با استفاده از قدرتی که در توضیح بی‌چیده‌ترین مسائل به زبان ساده داشت، به تبلیغ و ترویج

کمونیسم پرداخت، نسل تازه‌ای از انقلابیون در زادگاه خویش تربیت کرد و کار صمد را در سطح عالی‌تر دنبال گرفت.

رفیق عبدالله (با نام مستعار قللی) در ۵۸ مسئولیت سازماندهی تشکیلات آذربایجان بعهده گرفت و به همراه رفیق چنگیز احمدی، ب تلاش و پشتکار فراوان، تشکیلات وسیعی بوجه آورد و هنگامی که این تشکیلات زیر تهاجم گستر توده‌ای‌ها و اکثریتی‌های طرفدار ولایت قفقز قرار گرفت، رفیق عبدالله در نبردی امان بخش سازگارانه، و تمغیه عناصر "راست" و منحش نقش برجسته‌ای ایفا کرد. از او اشل سال ۶۵ مسئول سازمانی رفیق عبدالله به تهران اشتقاق یافت و با توجه به پیوند نزدیکش با زحمتکشان دریکی از روستاهای اطراف تهران سکونت گزید. با آنکه از لحاظ جسمی ضعیف بود، از ایمان ب هدف و راه برحقش نیرومی گرفت و شبانه روزی ابراز زخستگی کار می‌کرد. هنگامی که مریض شد موهای سرش بسرعت ریخت، پزشکی که معاینه کرده بود، سبب بیماری را نرسیدن مواد غذایی لازم به بدن وی تشخیص داد. و این در حالی ب که رفیق عبدالله بخشی از مالیه سازمان را حوزه مسئولیتش در اختیار داشت. رفیق عبدالله همچنانکه از بدو فعالیت خود با پذیرش متواضعانه و مسئولانه هر کار و وظیفه حتی ظاهرا بیش با افتاد نقش بزرگی در بار گرفتن و گسترش سازمان ما ایفا کرده بود بطریق اولی بعنوان یکی از اعضای کمی مرکزی نیز در طرد و تصفیه عناصر راست و ناستو در دفاع از خصوص ایدئولوژیک و رزمندگی سازمان استقرار و استحکام آن در میان کارگزاران و زحمتکشان با رستگینی بدوش کشید. با دستگیری رفیق عبدالله در اردیبهشت ۶۲ توسط آدمکش حکومت اسلامی، برده‌برای نمایش آخرین صحن زندگی و رزم یک کمونیست بزرگ، در کشتارک اوین بالا رفت. یکسال و نیم شکنجه، زبان‌زد عبدالله را با زنگ‌در و جزو صدای شلاق، صدائی بگو نرسید، تا در پانزده سال ۶۳، او را با پای فلج ب از شکنجه، به چوبه اعدام بستند و تیرباران کرد. تنها بدینسان میشد عبدالله را از بیم‌مردن راه‌ها کارگران و زحمتکشان از استعمار و ستم بازداشت راهی که باران سوخته خورده عبدالله می‌بیمای راه شکست‌ناپذیر کمونیسم.

اخباری از زندانیان

• او اشل شهریور ماه ۶۲، نفر از زندانیان سیاسی گوهر دشت را به بهانه صحبت‌های خلاف با خانواده‌ها بیان در هنگام ملاقات و همچنین با استفاده از حواصل از سبب‌گذاری در میدان فردوسی، به سلول‌های انفرادی بردند و سپس در اوایل مهرماه این عده را به بندهای سابق خود بازگرداندند. علاوه بر این، غذای زندانیان سیاسی را به مدت ۲۴ ساعت قطع نمودند.

• در پی دیدار خانواده‌های زندانیان سیاسی با مرتضوی رئیس زندان گوهر دشت و طرح خواسته‌ها، سان، به تعدادی از این خواسته‌ها از جمله رساندن کتاب و لباس به زندانیان رسیدگی شده است. برای تهیه کتاب، از خانواده‌های زندانیان حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ تومان و در مجموع حدود دویست هزار تومان اخذ شده بود. کتابهای تهیه شده بیشتر مان بوده است و از پوشاک فقط کفش‌کفشی تهیه شده و به زندانیان داده شده است.

بقیه در صفحه ۶

علیه اعدام و شکنجه

و برای نجات زندانیان

سیاسی بپا خیزید!

برای صلح پایدار؛ برای نان و آزادی؛ سرنگون باد جمهوری اسلامی!

سنگین تر و نا بودی نسل جوان نخواهد داشت. اما پیروزی بر عراق نیز (حتی اگر ممکن باشد) پایان جنگ را بدنبال نخواهد داشت. رژیمی که امروز در نا مساعده ترین، ضعیف ترین و شکننده ترین موقعیت خود دست از جنگ نمی کشد، وای بروزی که به پیروزی دست یابد! همان نهای که برای آرام کردن مردم غسته از جنگ وعده می دهند که بسا پیروزی بر عراق جنگ نیز تمام خواهد شد، هر روز تکرار می کنند که پس از پیروزی بر عراق، نوبت جنگ با اسرائیل و صدور انقلاب اسلامی در منطقه فرا خواهد رسید و جنگ تا رفع فتنه از عالم ادامه خواهد یافت. خامنه ای حتی قبل از شروع جنگ عراق گفته بود: باید از مرزهای کشور فراتر برویم و گرنه در داخل خفه خواهیم شد. امروز رژیم بیش از هر زمان احساس خفگی در داخل می کنند و بقای خود را در جنگ و گسترش سلطه ولایت فقیه بر دیگر کشورها جستجو می کند. موجودیت این رژیم با جنگ سرشته است. حتی اگر این رژیم در موقعیتی قرار گیرد که تداوم جنگ با عراق را به زیان بقای خود تشخیص دهد و از روی مصلحت جنگ با عراق را پایان دهد، در موقعیت مساعده دیگری جنگ را علیه عراق نیاید یکی دیگر از همسایگان ایران از سر خواهد گرفت. نه صلح مصلحتی رژیم با عراق و نه پیروزی خیالی آن برای این کشور، بمعنی پایان جنگ طلبی رژیم نخواهد بود. صلح پایدار؛ همچنان که نان و آزادی، تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بدست آمدنی است. کارگران، زحمتکشان، مردم ستمدیده ایران! برای دستیابی به صلح پایدار، برای دفاع از حقوق حیات خود، برای داشتن نان، برای کسب آزادی، علیه جنگ بپا خیزید و برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی متحد شوید!



گذشته بیسابقه بوده است. رژیم جنگ افروز ولایت فقیه در حالی اینچنین بیسابقه به محاصره مردم خشمگین و کار بدبه استخوان درآمده است که اختلافات علاج ناپذیر میان خود حاکمان و بحیران در میان بالائی ها نیز بهی سابقه ترین اوج خود در طول تمام سالیان گذشته رسیده است. سنگ روی سنگ رژیم اسلامی بتدنست و با ورود آتش جنگ قدرت به حرم منتظری، یعنی جانشین ولی فقیه، رأس حکومت دار دازهم می شکافد. انزوی بین المللی رژیم اسلامی نیز هرگز بدین گستردگی نبوده و محکومیت جمهوری اسلامی بخاطر پافشاری بر تداوم جنگ و تحریم فروش جنگ افزار به آن، هرگز با عادی بدین وسعت نداشته است. از مجموعه اوضاع وخیم اقتصادی، ابعاد مخالفت داخلی با جنگ و فرار از جبهه ها، و تحریم فروش جنگ افزار می توان دریافت که به لحاظ امکانات جنگی نیز رژیم ولایت فقیه هرگز تا به این درجه درین بست و تنگنا نبوده است. و خامت و وسع اقتصاد، سیاسی و نظامی رژیم بقدری است که سانسور هرگونه اطلاعات و آمار و توسل به تبلیغات توخالی و دروغگوئی رسمی را وسیله سرخ نگهداشتن صورت خود یافته است. رفتن جانشین در مجلس می گوید: "یک زمانی هم خواهد رسید که دیگر ما هر چه داریم بتوانیم بریزیم روی دایره و هر کس هر چه می خواهد بداند، ولی الان موقع این کار نیست." خمینی هم میگوید: "ما هر چه دستمان آمد باید گفت؟ حالا اقتصاد ما اینطور است. مساعده و رشکسته هستیم. خوب ما ورشکسته. جناب عالی که میفرمائید ما ورشکسته شده ایم، این برای اسلام مضر است یا برای دولت مضر است. این برای جمهوری اسلامی مضر است." بن بست جنگ و خامت همسه جانبه اوضاع رژیم بقدری است که برای حفظ شیرازه امور در دست مستبد خود کما می بنام ولی فقیه، راهی جز گسترش اختناق تمام عیار حتی به درون خود حکومتیان و تهدید و بریدن زبان نشان راهی باقی نمانده است.

در چنین عمقی از بن بست و در چنین اوجی از خامت همه جانبه اوضاع، و در چنین وضعیت بیسابقه ای از شکنندگی و ناتوانی است که رژیم اسلامی هر روز در آمله نهای "پیروزی بزرگ" میزند! این تبلیغات توخالی که اغلب با وعده دروغین "پایان جنگ پس از پیروزی بر عراق" توأم می شود، فقط برای فریب مردمی است که جانشان از جنگ به لب رسیده است. رژیم قادر به چنین پیروزی نیست. آن زمان که رژیم از هر جهت نیرومندتر از امروز بود، کاری از پیش نبرد و حمله بزرگ نیز همچون گذشته، نتیجه ای جز تلفات

برخی از سران رژیم وعده می دادند که ملیات کربلا به پیروزی بزرگ و پایان جنگ نهد خواهد شد. رفتن جانشین می گفت: "محرم مال یک محرم تاریخی است و شباهت به سال پیروزی انقلاب دارد." چندین ماه است که م سپری شده، عملیات کربلا ۱ و ۲ با پایان شده و جای خود را به "عملیات فتح" داده است، نه از با صلح "پیروزی" خبری است و نه از پایان جنگ. سران رژیم که مخالفت عمومی با گارتجاعی را می بینند و از وحشت یک شورش ضد گ که ممکن است به قیام علیه رژیم جمهوری اسلامی مبدل شود می لرزند، مدام وعده نهای "پایان جنگ" می دهند تا بلکه جلو نجارشم مردم کار بدبه استخوان رسیده را ببرد. اما علیرغم این وعده ها، رژیم در عمل آن جنگ فرسایشی بی پایان را به پیش میبرد و ملیات شکست خورده و بی نتیجه را با نا مگذاری. بی جدید و شماره گذار ربه ای جدید از سر می گیرد. بی اسلامی در شرایطی از حمله نهای دم می زند. عده پیروزی بزرگ می دهند که از لحاظ اقتصادی، اسی و نظامی، در ضعیف ترین و شکننده ترین میت نسبت به سالهای پیشین قرار دارد. اقتصاد ورکه اساساً وابسته به فروش نفت است. در بجه سیاست جنگی رژیم، به ویرانی کامل و شکستگی کشیده است. دولت اسلامی در پافشاری تداوم جنگ، برای تأمین مخارج آن، کار نجات را دسته دسته تعطیل میکند، کارگران گروه گروه بیکار می سازد و به آخرین لقمه نان دمی که برای دست یافتن به یک جیره بخور میر، شش سال است در مصرف ارزاق ایستاده اند. می اندازد تا بلکه با نان خشک قاپیده شده دهان کارگران، کارمندان و تهیدستان، آتش ک را شعله و رنگ دارد. نه تنها برای گردش چرخ رخ نجات، بلکه برای واردات ارزاق ضروری پولی نیست. مملکت در آستانه قحطی قرار گرفته است. با افزایش سرسام آوری و قفسه متها، بموازات رکود کارخانجات و گسترش لناک جمعیت بیکار، گرسنگی توده ای از راه رسد. خامت موقعیت سیاسی رژیم نیز به همین زن، شدید و بی سابقه است. رژیم اسلامی که عین پافشاری بر تداوم جنگ، با بن بست کانات اقتصادی و نیروی دا و طلب مواجه شده است، بمنظور تأمین مخارج جنگ و نیروی انسانی ارهای اقتصادی و پلیسی خود را بر سر آرمه ما می اهالی کشور گسترده است. همین کار، م و نفرت از جنگ را به عموم اهالی سرایست ده و به درجه ای رسانده است که در تمام سالیان

مرك بر جنگ! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!

تظاهرات دهها هزار نفری در استادیوم آزادی

روز جمعه ۱۸ مهرماه سال جاری بالغ بر ۳۵۰۰۰ نفر از طرفداران بازی دو تیم فوتبال پرسپولیس و ملوان بندرانزلی علیه سیاستهای ورزشی جمهوری اسلامی، فدراسیون ورزش، تربیست بدنی و مربیان تیم ملی فوتبال شعار دادند. بدنبال تقاضای پناهندگی ۴ تن از ورزش برداران تیم ملی و زنه برداری ایران که بمنظور شرکت در بازیهای المپیک آسیائی به سئول پایتخت کره جنوبی عزیمت کرده بودند و پس از بازگشت کاروان ورزشی ایران به تهران، در یک اقدام بیسابقه و یکپارچه ۱۴ تن از سرشناسترین فوتبالیستهای تیم ملی فوتبال ایران از تیم استعفاء داده و با انتشار بیگانه بیانیه مشترک کناره گیری دسته جمعی خود را از شرکت در تیم ملی به فدراسیون ورزش کشور رسماً اعلان نمودند. عواملی که موجبات این حرکت اعتراضی فوتبالیستها را فراهم کرد در حقیقت مجموعه سیاستهای ورزشی رژیم اسلامی بطور عام و مشخصاً اعمال فشارها و تضيیقات روانی مربیان تیم ملی فوتبال در طول بازیهای المپیک و قبل از آن در اردوی تیم قبل از اعزام بوده است. این محدودیتها و خودکامگیهای مربیان تیم فوتبال بعدی بوده اند که حتی به فوتبالیستها اجازه خرید شخصی بجز برای کاروان ورزشی را نداده اند و در تمام طول زمان بازیها، ورزشکاران قادر به خروج از اردوی تیم و حضور در سطح شهر نبوده اند.

همچنین ورزش دوستان بویژه طرفداران فوتبال در اولین فرصت برای تجمع که روز جمعه ۱۸ مهرماه در جریان بازی دو تیم پرتعداد پرسپولیس و ملوان انزلی رخ داد، از بایکوت تیم ملی فوتبال توسط ۱۴ تن از ستارگان فوتبال ایران حمایت کرده و ضمن دادن شعارهایی دایره حرامیت کامل از حرکت فوتبالیستها علیه مربیان تیم ملی فوتبال و مسئولان ورزش و فدراسیون فوتبال کشور که مسبب این اقدام بودند به تظاهرات پرداختند.

پس از خاتمه مسابقه فوتبال به سبب کمبود اتوبوس، جماعتی که محروم از وسایط نقلیه بودند و بالغ بر ده هزار نفر میشدند خشمگینانه و با پای پیاده ضمن دادن شعار علیه شرکت واحد به راهپیمائی پرداختند. جمعیت در طول مسیر راهپیمائی با مشاهده یک اتوبوس شرکت واحد به سمت آن حمله ور شده و کلیه شیشه های آن را خرد کردند. با نزدیک شدن جمعیت به کیسکهای عوارض اتوبان کرج - تهران با شعار: عوارض، عوارض، ما داریم می آئیم، سر داده شده و بارسیدن به محل اخذ عوارض بخشی از تظاهرات کنندگان به کیسکهای اخذ عوارض اتوبان هجوم آورده و شیشه های آن را شکستند. در حوالی میدان آزادی بخش عمده تظاهرات کنندگان متفرق شده و چند صد نفر تا چهار راه پهبی کولاب - راهپیمائی خود ادامه دادند. در جریان راهپیمائی جمعیت حاضر به هیچ اتومبیلی اجازه عبور ندادند و ماشینهایی که در اتوبان حرکت میکردند پشت سر جمعیت و به آهستگی در حرکت بسوده و راه بندان سنگینی را ایجاد کرده بود. ضمناً یک اتومبیل بنز با یک تن سرنشین آن که تلاش میکرد با ماشین به راهپیمایان حمله کند، آماج خشم تظاهرات کنندگان قرار گرفته و اتومبیل مزبور در ظرف چند دقیقه به آهن پاره تبدیل شد. سرانجام در چهار راه پهبی کولاب تیراندازی هوائی پاسداران کمیته و دخالت ما موران انتظامی، تظاهرات کنندگان متفرق شده و راه پیمائی خاتمه یافت.

قطع سوبسید رانندگان تاکسی

اواخر شهریورماه سال جاری سوبسید رانندگان تاکسی رسماً قطع گردید. رانندگان تاکسی به تعاقب افزایش قیمت بنزین در هر لیتتر ۳۰ ریال از چند سال پیش بنزین را با همان قیمت لیتری ۳۰ ریال تحویل می گرفتند و مابه التفاوت با بانک دریافت می نمودند. سهمیه مصرف روزانه تاکسیها ۲۵ لیتر تعیین شده و سوبسید ماهیانه ۱۰۰۰۰ ریال میشد. از اول تابستان بتدریج به برهم خوردن وضعیت بنزین در سطح کشور و آشفتگی در جایگاههای تحویل بنزین رانندگان بجز مراجع به بانک متوجه میشوند که پول مابه التفاوت بنزین شان به بانکها واریز نشده و تصویب می کنند که شاید بسبب بحران ارزی کشور به ما بعد موکول شده است. اما این وضعیت در مرداد ماه و همچنین تا آخر شهریور یعنی اعلام رسمی حذف سوبسید ادامه می یابد. اما اعتراضات و مشاجرات لفظ لشکر/۱۶۰۰۰ نفری رانندگان تاکسی نه تنها تغییری در این تصمیم ایجاد نکرد بلکه آنها موفق به اخذ عقب افتادگی ۳ ماهه مابه التفاوت بنزین خود نشدند. پس از قطع سوبسید بنزین همچنین اعلام میشود که نرخ ورودی تاکسیها از ۱۵ ریال به ۱۵۰ ریال افزایش یافته و رانندگان مل به رعایت نرخ جدید و استفاده از کیلومترشمار میبایند. از سوی دیگر رانندگان برای تأمین هزینه های زندگی خود بناگیزه از افزایش نرخ بنزین شده و در این بین میان آنها و پاره ای از مسافران پیرامون این موضوع مشاجراتی در گرفت. که اغلب رانندگان تاکسی علیه سیاستهای رژیم اسلامی با توضیحات افشاگرانه به توجیه مسافران می پرداختند.

دنباله از صفحه ۴

اخباری از زندانها

تعدادی از خانواده های زندانیان سیاسی به قم نزد منتظری می روند و خواسته های خود را منسی بر آزادی زندانیان و بهبود شرایط زندانها به وی می دهند. تعدادی از خانواده های زندانیان تسوده ای نیز نامه ای جداگانه تهیه کرده و خواسته هایشان را با امضاء خانواده زندانیان سیاسی تسوده ای تنظیم کرده و به نماینده منتظری می دهند. خانواده هایی که از این موضوع اطلاع پیدا کردند، به این عمل آنها برخورد کرده و از آنان می خواهند که دیگر به این اقدامات تفرقه افکنانه دست نزنند.

اواخر شهریورماه حدود ۳۰۰ نفر از زندانیان سیاسی به دادگستری مراجعه کرده و خواست اصلی خود را که آزادی زندانیان بود مطرح می نمایند. در مقابل، فرمایشی به آنها داده شد که شرایط عب و زندانیان در آن قید شده بود. در ضمن به آنها گفته شد که چند نفر را بعنوان نماینده انتخاب کرده تا با مجیدانصاری در مورد خواسته هایشان صحبت کنند. مادران نماینده خود را برای ملاقات با مجیدانصاری روز ۶/۴/۲۹ به نزد وی فرستادند. مادران در این ملاقات علاوه بر خواست قبلی، خواهان ملاقات حضوری با زندانیان نیز شدند. در این جلسه خبرنگاران روزنامه ها نیز شرکت کرده بودند.

زندان گهر دشت:

مسئولین زندان در مقابل تقاضای زندانیان سیاسی مبنی برداریت برخی کتب درسی و علمی موافقت کرده و از خانواده زندانیان می خواهند که پول تهیه این کتابها را بپردازند. اکثر خانواده ها مبالغی بین ۲ تا ۵ هزار تومان پرداخت می نمایند. ۱۸ مرداد، خانواده زندانیان متوجه میشوند که مزدوران رژیم، این پولها را گرفته و قصد دارند کتابخانه ای بسازند. خود ترتیب دهند و حدود ۱۵ هزار تومانی را که از این طریق جمع شده، صرف خرید کتابهای مورد دلخواه خودشان بنمایند، حتی نمائینگی ترتیب بدهند. خانواده زندانیان سیاسی در مقابل این عمل زندانسان رژیم اعتراض کرده و آنها را مجبور به عقب نشینی می نمایند. روز شنبه اول شهریور که خانواده ها برای ملاقات زندانیان می روند، مطلع می گردند که همان کتابهایی را که زندانیان می خواستند، تهیه شده است.

کارگزاران رژیم ولایت فقیه اخیراً ب تاکسی رانان تهران اعلام کرده اند که تنبیه صورتی کوبین بنزین در اختیارشان گذاشته خواهد شد که هر کدام یک ماه و نیم به حبس محکوم خواهند شد. این شرط با اعتراض شدید رانندگان تاکسی روبرو شده است.

اعتراض رانندگان وانت با

بعد از اعلام کوبینی شدن توزیع بنزین قرار شده وانت بارهای بلاک سفید روزانه ۲۰ لیتر یعنی به اندازه اتومبیلهای سواری سوخت دا شود. ولی چون تعداد بسیار زیادی از اینگونه وانت بارها تنها منبع درآمد صاحبان آنها تشکیل میدهد، این نحوه سهمیه بندی باعث عکس العمل شدید رانندگان وانت بار گردید و موج اعتراض شدید و تجمع آنها در میدان آزادی و جل مجلس شورای گردید. روز شنبه ۶۸/۷/۱۲ احتمالاً کنندگان که فقط رانندگان وانت بار نبودند و رهگذری نیز به آنها می پیوست، علیه این سیاست رژیم دسته اعتراض زدند و تا پنج است که شع مرگ به خمینی نیز داده شد. ظهر همان روز اعلام شد که به وانت بارهای بلاک سفید روزانه ۱۰ لیتر داده میشود در جریان این اجتماع و اعتراض تعدادی دستگیر شدند.

سلطنت طلبان و مانورهای تازه

با مصلاح "اندیشمند" سلطنت طلب درباره نفوذ کمونیستها در دستگا‌های رژیم ولایت فقیه به‌هکار باشد.

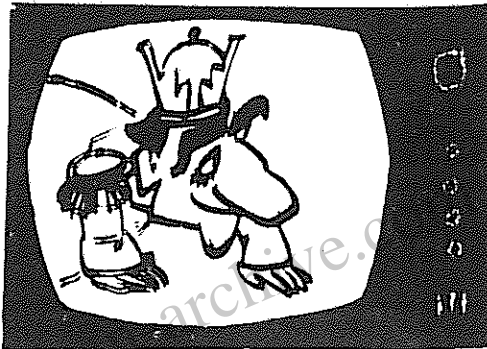
گرامی باد خاطرۀ شهدای سیزده آبان ۵۷

سیزدهم آبانماه سال ۵۷، دانشجویان و دانش‌آموزان انقلابی تهران با مقاومت قهرمانانه خود در دانشگاه تهران، رژیم جنایتکار آریا - شهری را رسوا ساختند و صفحہ پرشکوهی در تاریخ انقلاب مردم ایران گشودند. بدنبال همین - مقاومت قهرمانانه بود که شاه جلادناگزیر شد کابینه با مصلاح آشتی ملی شریف‌آما می جنایتکار را کنار بگذارد و به حکومت نظامی روی آورد. جوانان ما که اکنون تجربه انقلابی بهمین آریا خود دارند، خوب می دانند که مبارزه برای آزادی تنیها با رهنبری طبقه کارگر می توانند به پیروزی قطعی دست یابند، از این رو با الهام از حماسه شکوهمند سیزدهم آبان برگردیم به بررسی افتخار طبقه کارگر ایران برای سرنگونی رژیم جنایتکار ولایت فقیه به بیکار برمی خیزند. خاطرۀ شهدای سیزدهم آبان همیشه الهام بخش جنبش انقلابی جوانان ما خواهد بود.

گفته ای که در اتحاد شوروی اخیر سلطنت طلبان حال بود، دست شستن آنها از با مصلاح "مشروطه دموکراتیک" بود. اینها که مدتها تلاش می کردند خود را طرفدار دموکراسی یا رلمانی و مشروطیت دموکراتیک معرفی کنند و نمونه خوان کارلوس اسپانیا را بعنوان الگوی مطلوبشان در سوق و کرنای تبلیغاتی شان می دیدند، برای حل اختلافاتشان ناگزیر شدند با دیگر قبیلۀ عالم را وارد میدان کنند. رضایلهوی اعلام کرد که در قانون اساسی مشروطیت پادشاه یک مقام اجرائی نیست ولی از آنجا که هنوز قانون اساسی مشروطیت

و حشیگری و قضاوت فقها در اعمال حاکمیت آنها شان، چنان ابعادی یافته است که باندتهای سلطنت نیز خود را رو سفید یافته اند و بفکر سر زدن خیزدن از گوری که انقلاب بزرگ مردم ایران ن مدفونشان ساخته، افتاده اند. خدا نقلاب، ب که گمان می کنند جنایات سلطنت به سلوی بن زودی در کشور ما فراموش می شود، با "کیاب" که بمشامش خورده به تغلا و جست و افتاده و اخیرا به مانورهای پرسرو صدا - یی و تلاشهای ردیلاته ای دست یازیده است. جمله می توان بخش برنامه تلویزیونی - هلیوی پسر در دانه شاه معدوم در ۱۴ شهریور به در بخشی از شهر تهران را نام برد که در آن مت طلبان کوشیدند مردم را به قضاوت بیسن و حال و دست کشیدن از ارزشهای انقلابی تا کنند و برای خود جایایی باز کنند و خود را بن ناجیان مردم از شر رژیم ولایت فقیه جلوه نیم بهلوی در سخنانش از حکومت مشروطه ای آینه قرار است برپا کنند صحبت کرد و وعده به همچون گذشته سعادت همه مردم را فراهم! اعلیحضرت بی تاج و تخت اصلا به سر روی یک نمی آورد که مردم ایران علیه همسان مت مشروطه خاندان جلیل ایشان بود که به به بهمین آریا کردند و بهمین حکومت سیاه و باعی ولایت فقیه نیز چیزی جز تیره استبداد ه و چند ساله سلطنت بهلوی نیست. بعد از این بو تبلیغات پرخرج که با استفاده از پول بت غارت شده مردم ما و با استفاده از امکانات و تبلیغاتی امپریالیستها صورت گرفت، ن با کمک عده ای از خوانین و مزدوران زر خرید - در ۲۵ شهریور ماه گذشته در زاهدان دست عملیات محدودی زدند و با تبلیغات پرسرو صدا - ند که آنرا هر چه بزرگتر جلوه دهند و مردم - بلانند که ولایت شاهی برای رهائی شان از ل ولایت فقیه بمیدان آمده است!

آنچه سلطنت طلبان را به تکاپو واداشته ی جز تشدید انزوی رژیم جمهوری اسلامی در طح ملی و بین المللی و نفرت فزاینده کارگران متکشان کشور ما از این رژیم پلیتودانسانس ت، اینان با شتاب تمام به تقلا افتاده اند که زوجودی کنند و می کوشند برپا کنندگی خود غلبه - و سازمان واحدی از اتحاد همه نیروهای سلطنت - بوجود آورند. امینی و بختیار بعد از دست به بان شدن های مکرر، در این اوا خرابا شرکتست نیم رضایلهوی به توافقهایی رسیده اند. اما تحاد عمل ها و تقلاها نیز مانند تقلاهای سابق با لایزودی درهم خواهد شکست. زیرا سنت حزبیت بان بورژوازی سلطنت طلب ایران پایه ای رد و گذشته از آن، مانورهای رژیم اسلامی، که - ن برای قدرتهای امپریالیستی دلربا شسی - د، با زار ورشکسته سلطنت طلبان راه کسادی ن خواهد کشاند، حال دیگر در غرب کسی را نمی - پیدا کرده که گوش به آیه و قسم نظریه پردازان



طرح از: آهنگر در تبعید

گشایش شعبه جنگ در مدارس

حمت الاسلام رحمانی، مسئول بسیج مستضعفان اعلام کرد که از این پس دانش‌آموزان مدارس راهنمایی، از سال دوم به بالا، درس نظامی فرا خواهند گرفت و نیز با یادداشتن مدارس ستاد های جنگ و بسیج در دبیرستانها تشکیل خواهند شد. تا در کار بسیج دانش‌آموزان سهولتی حاصل گردد. - سو کوئی کسی که دا و طلب جنگ است "حال" آنرا ندارد تا خود را به کمیته محل معرفی کند و حتما باید او را در مدرسه اش دید و ثبت نام کرد. حقیقت اینست است که با آدانه جنگ ارتجاعی و انباشته شدن کوه احساد "دا و طلبان" دیگر نمی توان تنور جنگ را با دا و طلب گرم نگه داشت و رژیم ناچار است برای شکار جوانان جنگ راه میان مدارس برده و به زور تهدید و تطمیع دانش‌آموزان را "دا و طلب" کند. خصوصاً که اگر مثلاً در سال گذشته ۱۰۵۰ هزار دانش‌آموز در حبهها حضور یافتند اما سال لازم است برای عملی شدن "فتح نزدیک" صدها هزار تن آنان به حبهها گسیل شوند، اکنون با یارگان بسیجی نزدیکتر از رادیو، تلویزیون، بسیج محل، انجمن اسلامی و... به دانش‌آموزان خود داشته باشد تا بتواند بطور روزمره نقش شوم جنگ را در گوشه تک - تک آنان بدمد و طعمه‌هایی جدید برای شعله ورنگه - داختن آتش آن بیابا ما این کار عملی نیست. جوانان ما اکنون از جنگ به شدت بیزارند و رژیم دیگر قادر به بسیج آنان نمی باشد و اگر دانش‌آموزان محور می‌شوند در مدارس استفاده از سلاح را با موزید آنرا نه برای کشتار زحمتکشان عراق بلکه برای سرنگونی خود رژیم سیاه اندیش فقیها نکار خواهد بست.

در ایران حاکم نیست وی بعنوان ماحب تاج و تخت ایران مسئولیت‌های اجرائی می بدرد! باین ترتیب قرار شد برای آنکه پادشاه سلطنت کنند و حکومت، فعلا حکومت کند و نه سلطنت! چرا؟ بخاطر آنکه پیروان پادشاه هنوز بلوغ سیاسی پیدا نکرده اند و بدون حکومت بی واسطه او نمی توانند با همدیگر کنار بیایند. بخاطر آنکه پیروان اعلیحضرت از اومی خواهند که فعلا حکومت کنند و نه سلطنت! ایشان که حتی در خارج از ایران نمی توانند با مصلاح خودشان "مشروطیت دموکراتیک" را تحمل کنند، اگر روزی بایشان با بران برسد چکارا خواهند کرد؟! لاندینجا سال دیگر قبله عالم به رفق و فتق امور خواهد برداخت تا مردم ایران بلوغ سیاسی پیدا کنند و آماده پادشاهی دموکراتیک باشند. بیرونها (خاستدان سلطنتی فرانسه در آستانه انقلاب کبیر فرانسه) وقتی بعد از بیست و چند سال تکمک قنون خارجی به فرانسه بازگشتند با سط قلداری خود را درست مانند گذشته چنان بهن کردند که معلوم شد: "نه چیزی با دگر گرفته اند و نه چیزی را فراموش کرده اند". از حق نباید گذشت که سلطنت طلبان ما نیز چیزی از بیرونها کم ندارند. اما خواب سازگشت با بران را بیهوده در سری بروراند. آنها برای همسسه از ایران رانده شده اند و مردمی که برای واژگونی روحانیت سرخیزدتن به بندگی قبله عالم نخواهد سیرد.

اعدام جنایتکارانه رهبران حزب کمونیست اندونزی

رژیم خونخوار و مرتجع ژنرال سوهارتو که از طریق یک کودتای آمریکائی علیه دولت ملی دکتر سوکارو در سال ۱۹۶۵ به قدرت رسیده و با کشتار عام صدها هزار کمونیست و آزادیخواهان اندونزیائی توانسته خود را سرپوشا نگهدارد، اینک برای مرعوب ساختن جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان اندونزی که در حال اوج گیری است، بار دیگر به کشتار رهبران زندانی حزب کمونیست اندونزی روی آورده است.

سال گذشته (در ماههای مه و ژوئیه) رژیم ژنرال سوهارتو ۴ تن از رهبران زندانی حزب کمونیست اندونزی را به جوخه اعدام سپرد. این چهار تن عبارت بودند از رفقا: محمد منیر، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست اندونزی و رئیس "اتحادیه عمومی کارگران اندونزی"، کا تولستاریو، جوانو و نتونگ، روستومو، که از اعضای هیأت رهبری حزب کمونیست بودند و در فاصله ۱۹۶۸ تا ۱۹۶۹ دستگیر گردیده بودند و در سال ۱۹۷۵ بمرگ محکوم شده بودند و بعد از نزدیک به ۱۸ سال اسارت با ردیگر زیر شکنجه های وحشیانه رژیم سرمایه قرار گرفتند و سرانجام اعدام شدند. در ادامه این اعدامها، سه تن دیگر از کمونیستهای زندانی در ۲۶ سپتامبر ۱۹۶۸ به جوخه اعدام سپرده شدند. رفقا، بونو و الویو، هاله، تاریخ دستگیری ۱۹۶۷، سوپونو، ۶۴ ساله، تاریخ دستگیری ۱۹۶۹، سجام که مازووان هاله، این سه تن عضو "دفتر ویژه حزب کمونیست اندونزی" و مسئول ارتباط با ارتش ناسیونالیست سوکارو بودند که در جنگ فداستعماری علیه اشغال هلندیها، همراه سوکارو مبارزه کرده بودند. آنها بعد از ۲ سال اسارت و شکنجه اعدام شدند. و از ۱۳ اکتبر ۱۹۶۸ به بند زهم عسدهای تیرباران شده اند. از آن جمله اندرفقا، روسلان و ییجا یا ساسترا، ۷۰ ساله، عضو دفتر سیاسی و معاون ریاست اتحادیه سندیکا های اندونزی تا ۱۹۶۴، وی در سال ۱۹۶۸ دستگیر و در سال ۱۹۷۴ به مرگ محکوم شده بود و معروفترین زندانی سیاسی اندونزی بود، و بعد از شهادت آدیت رهبری حزب کمونیست اندونزی رابعه ده داشت؛ اسکندر سوپکتی، ۵۰ ساله عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی، تاریخ دستگیری ۱۹۶۸؛ آکوب سورینام ۶۲ ساله، عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته ایالتی جاوا که بعد از کودتای ۱۹۶۵ برای تجدید سازمان حزب در منطقه تلاشهای زیادی کرده بود؛ سوکدانو، ۶۷ ساله، عضو کمیته مرکزی، دبیرکل سازمان جوانان حزب کمونیست؛ عبدالله علی ها می، دبیر منطقه ای حزب کمونیست؛ انور حنفی، دبیر منطقه ای حزب کمونیست و چهار افسر شرقی خواه بنامهای سوپینو، کامیل، تاموری هدایت، سوریا و اردویو. این اقدامات جنایتکارانه واکنشی هستند در مقابل اوج گیری جنبش کارگری اندونزی. رژیم خون آشام سوهارتو اینک با بیداری طبقه کارگر اندونزی روبروست که بدنبال بحران ورکودا اقتصادی که بشدت بر زندگی لایه های تهیدست و زحمتکش جامعه اثر گذاشته، بر درخواسته های بی واسطه خود

افزوده است. با ثین آمدن قیمت نفت موجب اخراجهای وسیع و کاهش شدید دستمزد کارگران گردیده است. در سال ۸۴ - ۸۳، یعنی قبل از کاهش رسم ارزش روپیه اندونزی دستمزد رسمی یک کارگر فقط می توانست حداکثر ۳ درصد ابتدائی ترین نیازهای او را برآورد. از سال ۱۹۸۰ که حرکت های درخواه که هنوز خصلت اساسا اقتصادی دارند، منجمد گرفته اند، رژیم فقط به تشا سرکوب متوسل شده است. وزارت کار که اکنون توسط دریا سالار سودمورثید پیشین KOPLOMPTIO - سازمان امنیت - اداره می شود، فقط ابسز سرکوبی است در خدمت سوهارتو. با این دلیل سودمورثید در سال ۱۹۸۳ در اس و زار قرار گرفت که به حرکت های کارگری که در نتیجه رکودا اقتصادی و کاهش ارزش روپیه افزایش یافته بود، پایان دهد. دریا سالار سودمورثید که میکه وزارت کار منصوب شد، بسیاری از همداستان سابق خود در سازمان امنیت به وزارت کار آورد تا آنرا کاملاً ملایمت ریزه کند؛ همه کارمندان وزارت را بصورت دسته ها و گردانهای نظامی سازمان داد و حتی آنها را مجبور ساخت که با ویغورم بیوشند. سودمورثید وجه پنهان نمی کند که داروسته او همان سازمان امنیتی هستند و مرتب تهدید می کنند که برای پیشبرد مقاصدش ارزش های نظامی استفاده خواهد کرد. معاون سودمورثید شناخته شده ای بنام ژنرال ساوویو بیو است که بخاطر شرکت مستقیم در کشتار رهبران کمون و آزادیخواه در سالهای ۶۶ - ۱۹۶۵ درجا کارتا و جاوه معروفیت دارد. یک از وظایف دریا سالار سودمورثید سندیکا های رسمی می باشد تا بوسیله آن کنترل رژیم را بر طبقه کارگر فشرده تر کرده و تراضی کارگران را مه نماید. همه سندیکا های کارگری باید وابسته به FSBI، تنها قدراسی مجاز که در سال ۱۹۷۳ توسط نظامیان ایجاد شده است باشند. گردانندگان FSBI عناصری بسیار فاسد و فاساد است اما آلت دست سوهارتو هستند. آنها توانستند جلوتظاهرات و اعتراضات کارگری را که از ۱۹۸۰ با این سوخواهان حق تشکیل آزادی برای کارگران، بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدها هستند، بگیرند. تشکیل سندیکا های فقط برای کارگران بخش خصوصی برسمیت شناخته شده و فقط در وابستگی به FSBI. در بخش دولتی حتی سندیکای رسمی نیز مجب نیست و این در حالی است که اکثریت کارگاه های کشورهای زنفت گرفته ت فولادوشیمی و حمل و نقل، بانکها و مؤسسات کشاورزی وابسته به دولت هستند. در بخش کشاورزی میلیونها خانوار کار می کنند که حق تشکیل سندیکا ندارند. یک روزنامه نگار از زبان یک کارگر کشاورزی می نویسد که دهق مزارع استعمارگران از کارگر کشاورزی امروز حال و روز بهتری داشتند. FSBI برای تکمیل وظایف سرکوب خود روابط نزدیکی با مرکز سندیکا ت آمریکا FSBI، یعنی با زوی کارگری سیا، برقرار کرده است - میلیونها دلار از آن کمک مالی گرفته است.

بیست و پنجمین سالگرد بنیانگذاری جبهه ساندنیست را

گرامی میداریم

به بهای مرگ ۳۰ هزار نفر نیکاراگواشی دفع شد تجاوات دانشی امپریالیسم آمریکانیکاراگوا را مجبور ساخته که تیمی از یوده عمومی خود را مورد دفاعی اختصاص دهد و این هر چند با سنگین است بردوش مردم فقیر نیکاراگوا، مادرعیب حال کارگران و زحمتکشان نیکاراگوا را در تمام انقلابشان استوار تر و مضم تر ساخته است. اکت حتی در وسط شهر ماناگوا برای آموزش نظامی و چادرهای برپا شده و کارگران و دهقانان نیکارا خود را برای مقاومت های با زهم بیشتر می کنند. خلقی مسلح در برابر امپریالیسم با ز بیاخته است. زننده با انقلاب نیکاراگوا از جبهه ساندنیست!

جبهه ساندنیست در پیروزی انقلاب

نیکاراگوا نقش تعیین کننده ای داشته است. نیکاراگوا ای انقلابی که بعد از پیروزی انقلاب ۱۹۷۹ فقط یک دوره یکساله آرامش نسبی را بخود دیده، توانسته است مقاومت سرمایه داران بزرگ و طرفداران سازمانها را درهم بشکند، بیکار علییه بیسواد را با قاطعیت انقلابی بیش ببرد، بهداشت و درمان در مقیاس توده ای سازمان دهد، منابع اصلی کشور را ملی کند؛ و انقلاب آرضی را با انجام رساند، انقلاب مردم نیکاراگوا از روی کار آمدن دولت ریگان باشد و تماماً در معرض تجا و امپریالیسم لیس بوده و این تجا و زوات جنایتکارانه تاکنون

روز هشتم نوامبر (۱۷ آبان) ۱۹۶۱ عده ای از مخالفان سازمان جبهه رهائی ملی ساندنیست (F.S.I.N) را بوجود آوردند. کارلوس فونسکا FONSECA و توماس بورخه در پی ریزی جبهه نقش اصلی را داشتند. کارلوس فونسکا (فرمانده کل جبهه) در سال ۱۹۷۶ در همین روز زمین یک درگیری با نیروهای سازمان باخت. بنا بر این بیست و پنجمین سالگرد تاسیس جبهه ساندنیست، دهمین سالمرگ بنیان گذاران نیز هست. توماس بورخه (وزیر کشور فعلی نیکاراگوا) تنها یادگار باز مانده از انقلابیونی است که جبهه ساندنیست را بوجود آوردند.

یافت (۹). از اینرو این جمعیت انبوه روستائی از حداقل معیشت لازم بهره-
 مند نیست و مجبور است، یاب به عنوان کارگر مزدگیر و یا به عنوان سهم-
 نیروی کار خود را به سرمایه داران بفروشد و پس از پایان کشت زمین ناچیز
 خود برای کارروانه شهرها گردد. اکثریت مهاجران فصلی را خانوارهای این
 قشرازد هفتان تشکیل میدهد. این قشرو سبب دهقانان زیر فشار همه جانبه
 سرمایه داران شهری و روستا، ربا خواران و دهقانان مرفه - سرار دارد. از
 دشواریهای عمده دهقانان تغییر به خصوص در تولید غلات در نواحی خشک غیر
 اقتصادی بودن کشت و زرع در قطعات کوچک زمین است.

دهقانان فقیر از نظر خصلت اجتماعی به کارگران مزد و حقوق بگیر
 (پرولتاریای روستا) نزدیک هستند و نباید این گروه را با توده عمومی
 "دهقانان" بطور اعم مخلوط کرد. با این همه این گروه خصایل دهقانی خود
 را نیز تا حدودی محفوظ داشته و گرایش به تملک اراضی مزروعی دارد.

سوم دهقانان خرده پسا یعنی کثرت و رزان خرده مالک، که بواسطه داشتن
 قطعه زمینهای نسبتاً کوچکی که بموجب حق مالکیت یا اجاره ای از آن بهره
 برداری می کنند، نیازمند بیهای خانواده خود و اقتصاد خود را بر طرف می سازند
 و به اجیر کردن نیروی کار غیر متمول نمی شوند. منشاء این دهقانان را باید
 در میان بخشی از دهقانان صاحب نسق پیش از اصلاحات ارضی جستجو کرد که پس
 از اصلاحات، به دهقانان خرده مالک تبدیل شدند. بر طبق یک محاسبه (۱۰)
 ۸۰۰ هزار نفر از کثرت و رزان بعد از اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی و قانون
 فروش موقوفات عام، کثرت و رز خرده مالک به حساب می آیند و از این کثرت و رزان
 مالک هم فقط در حدود صد و چند هزار نفرشان خرده مالک قبل از اصلاحات ارضی
 هستند و توسط زمین بدهکار نیستند، بقیه آنها با پیداغلب خیلی بیشتر از مقدار
 بهره مالکانه سابق، قسط زمین می پرداختند. قسط زمین های موقوفه
 عام و زمین های اربابی سابق هم بسیار سنگین بوده و کثرت و رزان را بعضاً
 تا ۱۵۰۱۲ سال به پرداخت قسط مجبور می کرد.

دهقانان خرده پا که با استفاده از نیروی کار خانوار زندگی خویش
 را تامین می کنند، اغلب اضافه محصولی برای فروش تولید نمی نمایند و یا
 در اکثر موارد با تنزل فاحش سطح مصرف خانوار، محصول را برای فروش به
 بازار عرضه می کنند. تعیین شمار این قشرازد هفتان را بسیار دشوار است، اما
 می توان اکثریت قاطع دهقانان صاحب کمتر از ۵ هکتار زمین را که بالغ
 بر ۵۵ هزار خانوار می باشند جز این دسته منظور کرد. ۱۰/۶٪ کل اراضی توسط
 دهقانان خرده پاکت می شود و میانگین مساحت زمین این بهره بردارها
 ۳/۲ هکتار می باشد که در مساحت زمینهای ملکی به کل در سال ۱۳۵۵، ۹۱/۴٪
 بوده (۱۱) (در سال ۱۹۶۱ نیز نسبت به قوت خود باقی است) (۱۲). ۶۱/۲ درصد
 این بهره بردارها کلیه کارهایش توسط اعضای خانوار انجام میگیرد.
 ارزش محصول در هکتار برای این لایه ۱۴۵۰۰ ریال است که هزینه بالای تولید
 زاد و رواحدهای کوچک نشان میدهد. (۱۳)

دهقانان خرده پا نیز تحت شرایط تسلط مناسبات سرمایه داری
 بمقیاس زیادی تحت ستم قرار دارند و شعاری از آنان نیز (حدوداً ۵ درصد)
 بدلیل عدم توانائی تامین هزینه زندگی خود در روستا مجبور به مهاجرت
 به شهری شوند و یا در معرض سلب مالکیت قهری زمینداران بزرگ و سرمایه-
 داران ارضی قرار می گیرند. آنان نیز، اگرچه به شکل غیر مستقیم، به
 زمینداران بزرگ و سرمایه وابسته اند. زیرا اولاً بخشی از آنان همچنان ملزم به
 پرداخت اجاره بها و یا اقساط زمین ها هستند و مقدار این قسط اغلب بیش از بهره
 مالکانه سابق است، منتها در گذشته بهره را به ارباب می پرداختند و حالا
 به دولت. یعنی تضاد این دهقانان با ارباب به تضاد آنان با دولت تبدیل
 شده است. ثانیاً، آنان نیز کار پرداخت نشده انجام میدهند بدین شکل که
 مجبور به پرداخت بهره و وام های رهن هستند، قیمت های بالابرای اجاره
 ماشین آلات کثرت و رزی می پردازند و از طریق بدهی تسلیم و چاه و تراکتور
 و غیره به بورژوازی وابسته می گردند. سطح زندگی این لایه غالباً از سطح
 زندگی پرولتاریای شهری پایینتر است. فشار ربا خواران، سلف خسران،
 مالیاتها و مالیات افزایش عمومی سطح قیمت ها و کاهش ارزش پول بویژه در
 شرایط جنگ که برای آنان مترادف با تعویض محصول با مثنی کاغذ است
 تمامی این امور سبب می شود که شیوه تولید خانواری را که شیوه ای ماقبل
 سرمایه داری است، تحت بهره کشی سرمایه قرار دهد. ثالثاً آنها در استفاده
 از مراتع و جنگلهای عمومی نیز مستقیم و غیر مستقیم تحت ستم و وابستگی به
 دولت و زمینداران بزرگ و سرمایه داران ارضی قرار دارند. بر اعنایاتی های
 روستائی که آنان نیز بعضاً در آنها شرکت دارند، اساساً زیر نفوذ و در خدمت
 دهقانان مرفه و میانه حال قرار دارد و وسیله ستمگری بر دهقانان خرده پا

از جانب دهقانان مرفه محسوب می شود. خامساً، تولید در اقتصاد خانوار
 و معیشتی این دهقانان خرده پا عموماً با وسایل ابتدائی صورت میگیرد
 اینرو آنان اسبزدائی تهر طبیعت هستند، خشکالی، کم آبی، آفت
 نباتی، درمد بالای مرگ و میر کودکان و غیره، اکثریت آنان را سدام دره
 و رشکسگی، فروش زمین به دهقانان مرفه و زمینداران بزرگ و یا مقرر
 شدن وزیر فشار و وام های رهن رفتن، قرار میدهد. فقدان بیمه محصو-
 کثرت و رزی برای آنان و عدم امکان بازاریابی برای محصولات، روند سل-
 مالکیت از آنان را به خشن ترین و دردناکترین صورت تبدیل کرده است.
 علاوه بر این، در بسیاری از موارد، آنان بدلیل عدم دستیابی به مراجع
 حقوقی و عدم توانائی مالی تعقیب حقوقی دعای خود، زمین خود
 در مقابل توطئه های زمینداران بزرگ و بورژوازی شهر نشین و صاحب نفوذ
 دست میدهند و به کمترین بها مجبور به فروش آن می شوند. علیرغم تمام
 این مرارتها و مصائب، دهقانان خرده پا دقیقاً بدلیل چسبیدن به تکه زه
 کوچک خود و بعنوان فروشنده محصول دارای روحیات محافظه کار و ارتجاع
 هستند. اما در صورت وجود سیاست استوار پرولتری و درهم شکستن قطعه-
 زمینداران بزرگ و دهقانان مرفه توسط پرولتاریای پیرومند، تزلزلات
 مزبور چندان قابل ملاحظه نخواهد بود و نمی توانند این واقعیت را که قش
 نامبرده رو به مرگ است طرفداران انقلاب پرولتری خواهد بود، تغییر دهد.

سه گروه نامبرده اهالی روستائی (پرولتاریای کثرت و رزی، ن
 پرولتاریای دهقانان فقیر و دهقانان خرده پا) اکثریت جمعیت دهقانان
 کشور را تشکیل میدهند و لذا انقلاب پرولتری نه تنها در شهرها، بلکه
 دهات نیز دارای پایه طبقاتی نیرومندی است. اساس سیاست ارضی -
 کمونیستها و بنیاد مثنی ما مبنی بر بسط مبارزه طبقاتی در روستاها و برقر
 دیکتاتوری پرولتاریا بر پایه جلب این سه گروه در دهات قرار دارد. م
 برخلاف انواع اپورتونیستهای بورژوازی فرمیست که تمامی تلاش خود را ب
 سازش تئوریک و عملی با بورژوازی و از آن جمله با دهقانان مرفه و میانه
 حال معطوف داشته اند و به هیچوجه توجیهی به سرنگون ساختن انقلابی دو
 بورژوازی و خود بورژوازی توسط پرولتاریا ندارند، تمامی هم خود
 مصروف روشنگری درباره مبارزه طبقاتی در روستا و جلب حمایت لایه ه
 مذکور از انقلاب پرولتری خواهیم کرد. با این همه باید این حقیقت مهم
 بخاطر داشت که اهالی روستائی هر سه قشرا میرده که "دولت بی نظی
 تفرقه بر می برند و در معرض ظلم و ستم قرار دارند و در کلیه کشورها، حت
 پیشروترین کشورها، به زندگی در شرایط نیمه بربریت محکومند، در حال
 از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در پیروزی سوسیالیزم ذینف
 میباشند، فقط پس از تصرف قدرت سیاسی توسط پرولتاریا، فقط پس
 سرکوب قطعی زمینداران بزرگ و سرمایه داران و فقط پس از آنکه این اف
 زجر کشیده در عمل به بیننده دارای پیشوای متشکل و مدافعی هستند ک

برای کمک و رهبری و برای نشان دادن راه صحیح بحدکائی نیرومند و
 است، میتوانند بطور قطعی از پرولتاریای انقلابی پشتیبانی کنند." (۱۴)
 چهارم، دهقانان میانه حال، مفهومی که از لحاظ اقتصادی باید
 "دهقانان میانه حال" قائل شد، عبارتست از زمینداران کوچک که ایضا ق
 زمینهای کوچکی بموجب حق مالکیت یا اجاره داری در اختیار خود دارند
 ولی با این وجود قطعه زمینهای مزبور را ولاد شرایط سرمایه داری طی
 معمول نه تنها هزینه ناچیز خانواده آنان را تامین میکند، بلکه به آن
 امکان میدهد تا از معیشتی هم بدست آورند که میتواند، لااقل در بهترین
 سالها، به سرمایه بدل شود و ثانیاً امکان میدهد که غالباً (مثلاً زهر آبی
 خانواریکی) به اجیر کردن نیروی کار غیر متمول شوند. بطور کلی میت
 دهقانان صاحب ۵ تا ۱۰ هکتار زمین را جز دهقانان میانه حال محسوب ک
 دهقان میانه حال در مجموع ۱۸ درصد مساحت اراضی را در اختیار دارند.
 میانگین مساحت زمین مورد بهره برداری آنان ۶/۹ هکتار می باشد. ۵۵ دره
 بهره بردارهای دهقانان میانه حال توسط اعضای خانوار انجام میش
 در مساحت زمینهای ملکی آنان به کل زمینهای مورد بهره برداری
 ۳/۳ درصد می باشد. (۱۵) در مجموع شمار آنان بالغ بر ۴۲۰/۰۰۰ خانوار دهقا
 یعنی ۱۷٪ جمعیت روستائی است. منشا دهقانان میانه حال عمدتاً رعیت
 صاحب نسق و خرده مالکان روستائی پیشین می باشد. تولید برای با
 ملاحظاتی تولید کالائی این دهقانان را با سوداگری، و علاقه به احتکار و
 "آزادی" بازرگانی و مالکیت بطور بلاواسطه پیوند می دهد. در میان این لا
 دهقانی، جهان بینی و روحیات مالک منشا نه تفوق دارد. تضاد خصمانه
 دسته از دهقانان میانه حال که کارگر مزدگیر یا سهم سراجیر کرده اند ب

۴- تعداد نامه های نرسیده به مقصد، میان داخل و خارج کشور، درشش ماه گذشته افزایش قابل ملاحظه ای را نشان میدهد.

۵- اطلاعات بدست آمده حاکی از آنست که دشمن گویا می تواند با استفاده از شیوه ها و دستگاه های ویژه پاره ای از نامه های حاوی مواد

پیرامون روابط سازمانی پهن کند. بنا براین چنانچه مکالمات تلفنی دارای پوشش لازم و رمز های کافی مکالماتی نباشند، دستیابی دشمن رابه اطلاعات مشخص و مستقیم تسهیل خواهد نمود. هم چنین دشمن تمرکز خود را بر کنترل نامه های پستی که بین داخل و خارج کشور ارسال

رهنمودهای «مرکز ارتباطات سازمان»

اسیدی (جوهرنا مرئی) را از سایر نامه ها تفکیک نماید.

۹- طبق اطلاعات موجود، نامه های بایست اکسپرس به مقصد خارج کشور در اداره پست شهرستانها و نیز باجه های اداره پست که با تراکم آریا بر جوع و روبرو نیستند، باز شده و مورد کنترل قرار نمیگیرند.

با توجه به تشدید و پیچیده شدن کنترل دشمن بر سیستم ارتباطات و ضرورت تداوم و بقاء ارتباطات و تضمین آن باید هر چه بیشتر امکان دستیابی دشمن رابه روابط و اطلاعات و استمرار سازمانی محدود تر سازمان را از همینرو باید تغییرات لازم را در سیستم ارتباطی خود اعمال نمائیم. این تغییرات از مدت ها پیش انجام شده ولیکن برای استفاده و اشاعه گسترده تر آن آنها را در نشریه سیاسی منعکس می کنیم.

اول - در مورد تلفن: کنترل وسیع تلفن ها توسط دشمن و خطرات ناشی از آن، ضرورت هوشیاری و دقت مطلق را در استفاده از این امکان سریع ارتباطی لازم میگرداند. برای آنکه بتوان هم استفاده از تلفن را سازمان داد و هم امنیت بالایی برای آن تضمین نمودی باید: اولاً مطلقاً تلفن های مستقیم مربوط به نیروهای وابسته به سازمان و یا تلفن هایی که به نحوی از آنجا دارای رد و سرخ مشخصی به ارتباطات سازمانی است بعنوان تلفن های مستمر مورد استفاده قرار نگیرد. بنا بر این فقط از تلفن های غیر مستقیم - سرپل - که صاحب تلفن هیچگونه رد و سرخی بر روی نیروهای تشکیلاتی نداشته باشد، استفاده شود. از طریق این نوع تلفن ها، پیام های مورد نظر بطور غیر مستقیم و متقابل رد و بدل خواهد شد. ثانیاً تمام مکالمات تلفنی دارای پوشش لازم بوده و پیام مورد نظر با استفاده از "رمز مکالماتی" در متن مکالمات گنجانده خواهد شد.

متن مکالمات و پیام مورد نظر باید آنچنان تنظیم شود که سرپل ارتباط تلفنی قادر باشد مجموعه مکالمه و بویژه پیام مورد نظر را بدرستی منتقل سازد. بنا بر این می باید متن مکالمه و پیام از قبیل آماده شده باشد. این کاملاً اشتباه است که بدون آمادگی و تنظیم از پیش مکالمه و پیام، تماس تلفنی برقرار نموده و بخواهیم با تکیه بر حافظه و تلاش برای ساختن پیام در حین مکالمه، تماس تلفنی را برقرار سازیم. از اینرو می باید مکالمه و بویژه پیام را از قبیل و بشکل کتبی تنظیم نمود. آموزش مداوم سرپل های تلفنی، تاکید بر هشیاری و دقت آنها چه برای انتقال مکالمات و پیامها و چه در ارتباطات تغییرات فنی هنگام مکالمه، یک امر ضروری است. منظور از تغییرات فنی عبارت است از تضعیف

میکردد و افزوده و بویژه این کنترل برای دستیابی به نامه های تشکیلاتی که با استفاده از جوهرنا مرئی نگاشته میشوند بطور چشمگیری افزایش یافته و موارد متعددی از ظاهردن برخی خطوط نامه مرئی این نامه ها، باز نویسی مجدد نامه ها بسا جوهرنا مرئی... مشاهده شده است. کنترل نامه های پستی که از خارج برای روابط سازمانی ارسال میگردد علیرغم غیر مستقیم بودن نامه ها و اینکه این آدرسها هیچگونه رد مستقیمی به روابط سازمانی نداشته باشند، باید هدف گرد آوری اطلاعات و یافتن سرخهایی برای تعقیب و مراقبت روابط سازمانی صورت میگیرد.

نمونه های زیر از کنترل و اقدامات دشمن در حوزه ارتباطات میتواند روشنی بیشتری به موضوع مورد بررسی بیفکند:

۱- مواردی پیش آمده است که بدون آنکه شماره تلفن معینی از قبیل و در ارتباط با صاحب تلفن تحت کنترل بوده باشد، در اثر تماس تلفنی از خارج کشور با این شماره تلفن، تلفن مزبور تحت کنترل قرار گرفته و دشمن به استفاده تشکیلاتی از این تلفن واقف گردیده است.

۲- مواردی بوده است که نیم ساعت بعد از تماس از خارج کشور با تلفن معینی در داخل، مزدوران رژیم بهمان شماره تلفن زنگ زده و سئوالاتی را مطرح کرده اند و نیز مواردی بوده که زمانیکه از داخل با تلفن های در خارج کشور تماس گرفته شده است - و در حالیکه این تماس از طریق سرخهای مغایرت نبوده - دشمن بهمان شماره تلفن در خارج کشور زنگ زده و سئوالاتی مبنی بر اینکه "چه کسی از ایران تماس گرفت" عنوان گردیده است.

۳- ارزیابی از برخی ضرباتی که دشمن بر نیروهای سیاسی وارد کرده است حاکی از آنست که منشاء ضربه اساساً مربوط به ارتباطات تلفنی بین داخل و خارج کشور بوده است.

۴- در نامه های اخیر مدت زمان رسیدن نامه ها از خارج به داخل کشور - تهران و شهرستانها - به نحو چشمگیری طولانی شده است.

۵- در مواردی پستی، آدرسهای راکه نامه از خارج کشور به آنها ارسال شده بود، با دقت چک نموده و درباره گیرنده اصلی نامه از صاحب آدرس پرس و جو نموده و یا خواهان دادن نامه بدست گیرنده اصلی شده است. این موضوع در ارتباط با نامه های بوده که سفارشی نبوده و با تمبر معمولی و عادی پست شده بود.

۶- در موارد بسیاری نامه های نامرئی بر اثر کنترل، خطوط نامرئی آن بطور نسبی ظاهر شده و یا حتی مجدداً توسط دشمن باز نویسی نامرئی شده و ارسال گردیده است. این شیوه از کنترل بویژه در نامه های ارسالی از برخی استانهای کشور چشمگیر بوده است.

از آنجا که تحکیم ارتباطات کمیته ها، مدها و نیز گروه های هواداری با "مرکز ارتباطات زمان" یکی از وظایف مهم و اساسی است، لذا نیت ارتباطات می باید همواره و بطور دقیق و دتوجه ویژه قرار گیرد. هم اکنون دشمن با تهاجمات وسیعی رابرای کنترل بر حوزه های

متم ارتباطی انجام داده و از این طریق تلاش کند تا ضربات جدی بر سازمانهای سیاسی وارد دهد. رژیم جنایتکار رفقا، با تشدید کنترل خود بر ارتباطات دودهن را دنبال می کند: دستیابی سرخ از واحدهای سازمان جهت ضربه زدن به آنها و دیگر کند کردن و قطع ارتباطات واحدهای زمان با "مرکز ارتباطات سازمان" دشمن برای دوداختن و کنترل شریانهای مهم ارتباطی تلفن، نامه (برنامه های وسیع و خارج گزافی متحمل شده است. با استفاده از دستگاههای بیوتوری کنترل خود را بر تلفن هایی که از خارج ربه داخل زده میشود، گسترش داده است. این دستگاهها در مراکز اصلی مخبرات نصب شده و به همراه دستگاههای در مرکز تلفن برخی شهرستانها کار داشته شده که قادر است تلفنهای این شهرها را ملامت کنترل نماید. از جمله نصب دستگاه کامپیو- ی در طبقه دوازدهم مرکز مخبرات تهران - آختمان مخبرات در میدان سپه تهران - بدون شناسنامه کانالهای تلفن خارج کشور - خل از این مرکز می گذرد و دستگاه کامپیو- ی آره تلفن گیرنده را در هر نقطه ایران مشخص نماید و هر شماره تلفن داخل که از طرف رژیم لامی مشکوک و تحت کنترل قرار گرفته باشد، محض تماس با شماره مزبور بطور اتوماتیک آره تلفن فوق به یکی از مراکز استراق سمع ل شده و تمامی مکالمات ضبط خواهد شد. همسین بدون استثناء تمامی تماس های تلفنی بین خل با خارج کشور در مرکز مخبراتی طرف است دیک آریا شهر تهران) ضبط میگردد، که دشمن قادر میسازد با ارائه شماره تلفن های مورد لر در خارج کشور به این مرکز، به شماره تلفن - شی که از داخل با این شماره تلفن ها در خارج اس گرفته شده است دست یابد و یا با ارائه آره تلفن مورد نظر داخل کشور به مرکز مخبراتی شت، روشن سازد که با کدام شماره تلفن هادر رج تماس گرفته شده و متن مکالمات را کنترل نماید. لازم به گفتن است که کانالهای تلفن نقابل بین ایران با کشورهای فرانسه و آلمان لورویژه ای تحت کنترل دشمن قرار گرفته است. کنترل تلفن در صورتیکه ضوابط امنیتی ن دقیق مراعات نگردد برای دشمن این امکان فراهم میسازد، تا بتدریج و با جمع آوری اطلاعات ست آمده، به هنگام هر ضربه به نیروهای تشکیلاتی با رفوق العاده ای راجر آنها وارد نماید. دشمن ش میکند تا از طریق کنترل تلفن هایی که مورد استفاده "مرکز ارتباطات سازمان" برای تماس با بروهای تشکیلاتی مورد استفاده قرار میگیرد، نخهایی بدست آورد و با ردیابی این سرخها پس با اتخاذ تکنیک تعقیب و مراقبت گسترده، رپلیسی خود را برای وارد کردن ضربات وسیع در



شدن صدای تلفن کننده در آغاز با بهنگام مکالمه، قطع تلفن در هنگام مکالمه و یا قطع وصل هسای مکرر و سریع با بوق های مقطع و غیره که می توانند نشانه های کنترل تلفن باشند، و نیز دقت نسبت به لحن تلفن کننده و اینکه تن صدای تلفن کننده مربوط به صدای آشناست یا اینکه کسی دیگری صحبت می کند تا از این طریق بتوان از یک سوء وضعیت تلفن کننده آشنا را دریافت و از سوی دیگر احتمال وارد شدن دشمن را بر روی خطوط ارتباط تلفنی باز شناخت. **نکته** ثالثا مضمون پیامها اساسا باید اختصاصی به اطلاع دادن از سلامت روابط تشکیلاتی، مسایل امنیتی مهم و فوری و در برخی موارد مسائل ارتباطی باشد. از اینرو مسائل مربوط به حل و فصل امور فوری تشکیلاتی مانند قرارها، آدرسها و... فقط از طریق نامه های رمزبیزه و با توجه به تمامی رهنمودها و ضوابط امنیتی - ارتباطات تعیین شده رد و بدل گردیده و از تلفن برای انتقال چنین مفاصلی استفاده نخواهد شد. **رایعا** باید با افزایش تعداد تلفن های سرپل، از تمرکز استفاده از یک تلفن اجتناب نمود. این مساله از یکسو تمرکز اطلاعاتی سرپل را کاهش میدهد و از سوی دیگر امکان ما نور را برای سازمان بیشتر فراهم میسازد. خاما مدت زمان مکالمه با تلفن سرپل نباید بیش از چند دقیقه بطول انجامد و مطلقا نباید در یک زمان معین برای تامين محدودیت زمانی تعیین شده، سه تلفن های مکرر - قطع و وصل مجدد - شن داد. بنا بر این در هر نوبت استفاده از تلفن سرپل فقط یکبار تلفن زده خواهد شد. **سادا** از تلفن هایی که مستقیما به روابط سازمانی مربوط میشوند، فقط در موارد فوق العاده و برای اطلاع دادن از موارد امنیتی فوری و مهم استفاده خواهد شد و لاغیر، طبق رهنمودهای قبلی، روابط سازمانی **مطلقا** مجاز به استفاده از مخابرات و یا تلفن هایی که به نحوی از آنها رد و سرخ داشته باشند، برای تماس با تلفن های "مرکز ارتباطات سازمان" نیستند. برای تماس با تلفن های "مرکز ارتباطات سازمان" باید از تلفن اماکن عمومی (ادارات، بیمارستانها، هتلها و رستورانها) استفاده شده و پس از استفاده، این تلفن ها را بعنوان امکان سوخته شده تلقی کرده و هیچگاه مجددا نباید به آن مراجعه صورت گیرد. تماس با تلفن های "مرکز ارتباطات سازمان" فقط برای موارد امنیتی - ارتباطات مهم و فوری که امکان و یا زمان استفاده از تلفن سرپل مقدور نباشد می تواند استفاده قرار گیرد. مدت زمان مکالمه با تلفن های "مرکز ارتباطات سازمان" نیز نباید بیش از چند دقیقه بطول انجامد و نباید در هر نوبت بیش از یکبار تلفن زده شود.

دوم - در مورد مخابرات؛ علیرغم تشدید کنترل دشمن بر پست، بدلیل حجم وسیع از آنجا که سرپل های تلفنی غالباً از استفاده تلفن ها به منظور ارتباط تشکیلاتی مطلع نبوده و آنرا بمناسبت نیازهای شخصی و خانوادگی تماس گیرنده ها تلقی می کنند، میبایست در نحوه آموزش آنها به این نکته توجه لازم را نمود.

ارسال نامه ها و مکاتبات بین داخل با خارج کشور دشمن نا توانی خود را در ایجاد وقفه در سیستم ارتباط پستی نشان داده است. کمیته ها، واحدها و گروه های هواداری وابسته به سازمان نه تنها با ارسال نامه های تشکیلاتی و گزارشات خبری برای "مرکز ارتباطات سازمان" ارتباط برقرار کرده اند، بلکه با افزایش ارسال نامه های تشکیلاتی و گزارشات خبری آنرا گسترش و تحکیم نیز بخشیده اند. رعایت ضوابط امنیتی و فنی در ارسال مکاتبات اماکن دشمن را برای دستیابی به اطلاعات و سرخ برای ضربه زدن به واحدهای سازمان بسیار دشوار ساخته است. مقابله جدی تر با تشدید کنترل دشمن بر سیستم ارتباطات پستی با افزایش ضوابط امنیتی - فنی مکاتبات و اجرای کامل آنها میسر است. از اینرو تا کما کما بر ضوابط و دستورالعمل های زیرالزام است: **اولا** در ارسال نامه های تشکیلاتی و گزارشات خبری، ارگانهای سازمان باید مویبه موتما می رهنمودها و ضوابط امنیتی و فنی تعیین شده را با دقت کامل رعایت کنند. ارسال نامه ها به آدرسهای "مرکز ارتباطات سازمان" در خارج کشور چنانچه با رعایت کامل ضوابط امنیتی - فنی نگاشته و ارسال شود هیچگونه خطری - حتی در صورت کشف آنها توسط دشمن - در بر نخواهد داشت. **ثانیا** تمامی مطالبی که میتواند در دستگیر یا غیر مستقیم از روابط تشکیلاتی بدست دشمن دهد (نظیر آدرس، شماره تلفن و...) و نیز مجموعه مطالب تشکیلاتی - اطلاعاتی که بتواند اطلاعات دشمن را از روابط تشکیلاتی افزایش داده و موجب تمرکز دشمن بر اطلاعات بدست آمده خود بنماید، باید مطلقا و کاملا با استفاده از "رمزبیزه مکاتبات" و **بصورت نامرئی** نگاشته شود. **ثالثا** ارسال بی وقفه نامه های تشکیلاتی و گزارشات خبری توسط کمیته ها، واحدها و گروه های هواداری وابسته به سازمان به شیوه های گوناگون باید برای "مرکز ارتباطات سازمان" بسیار بیشتر از گذشته جاری شود. **رابعا** کلیه اعضاء و هواداران که، بهر دلیل، ارتباط طنان با کمیته ها و واحدهای سازمان قطع میگردد باید منظمآ به ارسال نامه های تشکیلاتی و گزارشات خبری به آدرسهای که از خارج کشور در اختیار دارند، اقدام نمایند. استفاده از پست برای ارسال نامه ها و گزارشات خبری سریعترین و درعین حال مطمئن ترین وسیله ارتباطی است. **خامسا** به آدرسهای علنی سازمان در خارج کشور، مطلقا از داخل کشور هیچگونه نامه ای ارسال نگردد. **سادا** این آدرسها فقط می باید از خارج کشور نامه پست شود. بنا بر این می بایست نامه های خود را ابتدا برای آشنائی در خارج پست نموده و از آشنای خود بخواهید که نامه را به آدرسهای علنی سازمان در خارج مجددا پست نماید.

سوم - در مورد توزیع نشریه؛ واقعیت آنستکه بخاطر حجم بسیار وسیع مکاتبات پستی در بین شهرها و نیز پست شهری - بویژه در شهرهای بزرگ - امکان رژیم فقها برای کنترل پست داخل کشور محدود است. باید از این وسیله مطمئن هر چه وسیعتر برای توزیع نشریهات و اعلامیه های سازمان استفاده کرد. بنا بر این:

اولا توزیع منظم ارگان سیاسی (نشریه راه کار و یا تکثیر و توزیع مقالاتی از آن، با استفاده از سیستم پست داخل کشور، به آدرسهای آشنا غیر آشنا را وسیعاً گسترش دهیم. می باید از سیستم پست داخلی بیشترین استفاده را برای توزیع گسترده بکنیم. **ثانیا** کمیته ها، واحدها و گروه های هواداری وابسته به سازمان می باید امکان توده ای را در رابطه با تکثیر مقالات نشریه اعلامیه ها سازمان دهند. می توان از ماشینها تکثیر ادارات، مدارس، دانشگاهها، بیمارستانها و... به اتکاء ارتباطات توده ای موجود در این اماکن، با رعایت جوانب امنیتی، برای تکثیر استفاده نمود. هم چنین هر واحد سازمانی با ساختن یک دستگاه چاپ دستی (طرز ساختن دست چاپ دستی و نحوه تکثیر آن در نشریه ۲۲ راهکار درج شده است) تکثیر خود را گسترش و بهبود بخشد. **ثالثا** کلیه اعضاء و هواداران سازمان باید آدرس یابی را با توجه به مشخصات کامل آدرس - بویژه آدرس های مربوط به کارگران و زحمتهای - بعنوان یک وظیفه دائمی تلقی نمایند و این آدرسها منظمآ انتشارات خود را پست کنند. در پایان از کلیه اعضاء و هواداران سازمان خواسته می شود که در جهت کسب هرگونه اطلاعات از سیستم کنترل دشمن بر تلفن، پست و سایر امور های ارتباطات و بویژه بر سیستم کنترل دشمن ارتباطات بین داخل و خارج کشور تلاش پیگیرانه را در پیش گیرند. هرگونه اطلاعاتی را در این امر حتی اگر آنرا، اطلاعاتی پیش پا افتاده تلقی کنند، به "مرکز ارتباطات سازمان" گزارش نه رفقا! اکنون که جناحیتکاران فقیه تلاشهای مذبحانه خود برای قطع سیستم ارتباط سازمانهای سیاسی افزوده اند و در مردندند که ارتباطات را به کانون ضربه بر نیروها - کمونیست و انقلابی تبدیل سازند، بکوشیم به هوشیاری، دقت و تحرک و نیز با سازماندهی هر وسیعتر اماکنات ریز و درشتی که از جانب توده میتواند بی دریغ در خدمت سازمانهای انقلاب قرار گیرد، تلاشهای رژیم تبهکار اسلامی را در بشکنیم. رشد و گسترش اماکنات و بالابردن ضربه امنیتی ارتباطات در گروهی بویوند هر چه عمیق گسترده تر با طبقه کارگرو تاسی هم میهنان ما و مترقی است. با تمام قوا برای این پیوند بکوشیم.

رفقا صبور، سهراب

نامه های شما را بهمراه شماره های ۳ و ۲ نشریه "پیوند" که منتشر می کنید دریا فست کرده ایم برای شما نامه و نشریات مورد نیاز را سال گردیده دستتان را بگرمی می فشاریم. مرکز ارتباطات سازمان

اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان

کارخانه ترانس پیک

این کارخانه که تولید کننده لامپ ویرتلویزیون است، از مدت‌ها پیش با کمبود مواد و لوازم یدکی روبرو گردیده و تولید آن به قفل رسیده بود. تا اینکه مدیریت اعلام نمود کارخانه از تاریخ ۶۵/۶/۲۲ به مدت یک هفته لایل می باشد.

کارخانه داروسازی ایران هورمون

بدنیال کمبود مواد اولیه و کاهش تولید، مدیریت ساعت کار را از ۷ صبح تا ۴ دقیقه بعد از ظهر راه صحیح تا بعد از ظهر تغییر داده و ناهار را هم قطع نموده است. کارگران از این اقدام ناراضی اند ولی تاکنون هیچگونه حرکتی در این رابطه از خود نشان نداده اند.

کارخانه داروسازی فارما

در این کارخانه ۲۵ نفر کارگر مرد و زن مشغول کار هستند. قبل از تعطیلات تابستانی در مرداد ماه، مدیریت ۱۰ نفر از کارگران را اخراج نمود و ساله اخراج هنوز در کارخانه مطرح می باشد. به هر بهانه‌ای کارگران را اخراج می نمایند. در ضمن مواد اولیه این کارخانه کاهش یافته است.

رکود تولید و بیکاری کارگران

کارخانه خودروسازان

کارگران این کارخانه پس از گذراندن ایلات تابستانی، هنگامیکه به کارخانه آمدند، بریت اعلام نمود کمپانی می خواهند در مرحله با خریدگی سالی ۲ ماه به همراه ۱۰ هزار تومان زن و بچه و ۶ ماه از آخرین دستمزد جهت حق بیکاری لغت نمایند. می توانستند نام نمایند. نی راهم که به شهرستان جهت کشتا و رزی می-د، مبلغی برای آنها در نظر گرفته شده است. در مرحله دوم سالی یکماه پرداخت می‌کنیم و در مرحله سوم خودمان به دلخواه اخراج می-شیم. این تصمیم مدیریت برای کارگران نوار بود و باعث خشم کارگران گردید.

کارخانه لیلاند موتور

حدود ۱۵ نفر از نندگان سرویس این کارخانه توسط مدیریت بعثت کمبود مواد اولیه اخراج گردیدند. به هر یک از کارگران اخراجی یک دستگاه اتوبوس به قیمت دولتی داده شد. علاوه بر این، مدیریت دولتی از این عده کارگران تبعید گرفت که تا ۵ سال یا بد مشورت سرویس رفت و آمد کارخانه را بعهده بگیرند. در ضمن پول اتوبوسها ما هیانه از آنان کسر می‌گردد. شایع است که مدیریت می خواهد تعداد زیادی از کارگران را اخراج نماید.

لابراتوارهای داروسازی رازی

(فا یزر)

کمبود مواد اولیه گریبانگیر این کارخانه نیز شده است و تولید آن به حداقل رسیده است. بسیاری از قسمت‌ها از تاریخ ۶۵/۶/۱۵ زکافتاده. اندوا ز پرداخت حق افزایش تولید ۶ ماه اول سال ابد اخیری نیست. دادن شیر به کارگران بخش تولید از تاریخ ۶۵/۶/۲۴ قطع گردیده است. دلیل قطع شیر را نداشتن پاکت برای بسته بندی شیر اعلام کردند. کارگران در این رابطه هیچگونه اقدامی نکردند. هم اکنون مدیریت قصد دارد که سرویسهای کارخانه را بعلت بالابودن هزینه آن، بفروش برساند و سرویس را از بیرون تامین نماید. کارگران می گویند که این کارخانه هم بزودی از کارخواهد افتاد. از طرف دیگر در کارخانه شایع است که آنها را نیز قطع خواهد کرد. وساعت کار نیز تغییر خواهد کرد.

کارخانه داروئی و آرایش لقمان

(آی - دی - آی)

در این کارخانه نیز مدیریت بدنیال کمبود مواد اولیه ساعت کار را از ساعت ۷ صبح تا ۴ به بعد از ظهر تغییر داده و ناهار را نیز قطع نموده است. شایع است که مدیریت میخواهد تعدادی از کارگران را اخراج نماید.

کارخانه تولیدی و صنعتی مدار

حقوق مرداد ماه کارگران تا تاریخ ۶۵/۶/۵ هنوز پرداخت نگردیده است. مدیریت دلیل به تعویق افتادن حقوق را عدم حسابرسی مرداد ماه اعلام نمود و مطرح ساخت چون کارخانه در تعطیلات تابستانی بوده، کارمندان مشغول نتوانستند کارشان را انجام دهند. به محض پایان بررسی حسابهای مرداد ماه، حقوق کارگران پرداخت خواهد گردید. در این کارخانه طی ماه گذشته، ۳ تن از کارمندان و یکی از کارگران اخراج گردیدند. هنوز دلیل اخراج گفته نشده است ولی کارگران اعتقاد دارند که مدیریت دنبال بهانه است تا کارگری را اخراج نماید و دلیل آنرا کمبود مواد اولیه می دانند. در ادامه این وضعیت، مدیریت کارخانه بعهده گروه صنعتی آژوا بسته به بانکه‌ها قرار گرفت و پس از تصفیه حساب با کارخانه، مدیریت جدید یکماه است که پاداش ماهیانه کارگران را که حدود ۸۰۰ تومان بوده، به ۵۰۰ تومان تقلیل داده است. کارگران ضمن اینکه از قطع آن بسیار ناراحت می باشند. ولی هنوز هیچگونه عکس العملی از خود نشان نداده اند.

اخراج در کارخانه مزدا

اوایل شهریور مدیریت کارخانه اعلام کرد که ۳۰ درصد از کارگران ما زاد را احتیاج هستند و بایستد اخراج شوند. در پی آن فرمی داده شد که در آن گفته شده بود که هر کارگری تا پانزدهم شهریور خودش را با خرید کند، پنج هزار تومان به او پاداش اضافه بر سال زمان داده خواهد شد. هر کارگری تا روز بیستم خود را با خرید کند، دوهزار تومان به او داده خواهد شد و پس از این تاریخ، پاداشی اضافه تعلق نخواهد گرفت. این ساله خشم کارگران را برانگیخت و اعتراضات پراکنده‌ای را در میان کارگران بوجود آورد.

سایع الکتریکی البرز

از اردیبهشت ۶۵ تاکنون، تولید این کارخانه بدلیل کمبود رزکم شده است. این کارخانه که قبلاً در ۳ شیفت کار می‌کرد، اکنون بصورت شیفت صبح کار می‌کند. قبلاً ۴۲ ساعت در هفته کار وجود داشت ولی در حال حاضر به ساعت کار در هفته تقلیل پیدا کرده است. اضافه بها نیز قطع گردیده است. تمام مواد اولیه کارخانه از خارج و عمدتاً از فرانسه وارد بود و بخشی از محصولات تولید شده نیز به خارج رمی‌گردد. از پنج ماه پیش تاکنون حق اضافه میدکارگران قطع شده است و به همین دلیل باری از کارگران، کارشان را به حدتصاب بق نمی‌رسانند و کم کاری در کارخانه وجود دارد.

کارخانه لاتکس

این کارخانه خصوصی بوده و تولید آن ملی اتومبیل می باشد و تولیدات خود را به کارخانه هائی چون ایران ناسیونال و مزدا می-رشد. حدود ۲ ماه است که بعثت کمبود مواد اولیه کارخانه به طور کامل خوابیده است ولی هیچیک از رگران آن اخراج نشده اند. کارفرما در پایان ماه کلیه حقوق و حتی مزایای کارگران را لغت می نماید.

کارخانه کاشی ایران

سینا دارو

بدنیال کاشی تولید در این کارخانه ،
فرمهای رایج کارگران می دهند که پس از بر
نمودن آن ، مزایای خود را گرفته و از شرکت
بیرون بروند. کارگران از برگردن فرم امتناع
می کنند. شورای کارخانه در این اقدام در کنار
کارگران بوده و از آنها حمایت نمود. اما سیاست
جدید مدیریت ، شورا عقب نشینی ننموده و
کارگران را تشنه گذاشت . سیاست جدید مدیریت
عبارت از این بود که یا با بستن کارگران فرم را
برنما بندویا اینکه همگی به مدت ۳ ماه به جبهه
بروند. کارگران در مقابل سیاست مدیریت همچنان
مقاومت نموده اند .

کارخانه ایران ابزار

طبق تصمیم مدیریت ، قرار بر این شد که
برخی از کارگران را در قسمتهای دیگر تقسیم کنند.
برای مثال کارگران قسمت چوب بری و بیل سازی
را به قسمت ذوب بردند. قسمت ذوب در حال حاضر
دو شیفته کاری کند پس از مدتی قسمت ذوب هم به
همان حال سایر قسمتها دچار شد. کارگران شیفت
شب در مورد وضع شام اعتراض کردند. ابتدا قرار
شده هر یک از کارگران ۲۵ تومان بابت شام داده
شود ولی در نتیجه اعتراض کارگران به این
تصمیم ، گفته شد که این مبلغ نیز داده نخواهد
شد. کارگران همچنین در مورد وضع بدناهار
اعتراضاتی داشته اند. شایع است که ناهار نیز
قطع خواهد شد و ساعت کار نیز تغییر خواهد کرد و از
۷ صبح تا ۱ بعد از ظهر خواهد شد.

جنگ و کارگران

بمباران تبریز و برخورد کارگران با آن

بدنیال بمباران تبریز و چند شهر دیگر ، کارگران قبل از اینکه این خیر ازادی بخش کرده ،
بمباران و تعداد کشته ها را به یکدیگر منتقل می کردند و این موضوع از جمله مسائلی بود که آنان را
به دور یکدیگر جمع می کرد. طبق معمول وقتی که خبر بمباران از رادیو ایران بخش شد و تعداد کشته شده
ها اعلام گردید ، کارگران وقتی به یکدیگر میرسیدند با لبخندی که نشانه این حقیقت بود که سرا
رژیم دروغ می گویند و تعداد واقعی کشته ها را اعلام نمی کنند ، تعداد کشته شدگان را خیلی بیشتر
می دانستند. کارگری می گفت : رژیم توی بدتله ای گیر کرده است و نمی تواند با عراق بجنگد. کارگر
دیگری می گفت : تو چقدر ساده ای ، اگر اینها بخواهند ، میتوانند ولی چون می خواهند جنگ ادا می کنند
کنند ، حمله قطعی نمی کنند. کارگر دیگری می گفت : از خودشان که مایه نمی گذارند ، جان ، مال مرده
بول ، مال مردم ، دیگه چه بهتر از این می خواهند ، مردم هم که اعتراض نمی کنند. کارگر دیگری می گفت : اینها
میدانند که اگر جنگ تمام بشود خودشان هم باید از این مملکت بروند ، بخاطر همین خواهان ادا می کنند.

کارخانه السیرز

کارخانه تیغ تیز

به مناسبت هفته جنگ ، از طرف انجمن
اسلامی به مدت یک ساعت مراسم جشنی برپا شد و
این رابطه انجمن اسلامی بین کارگران سیرز
توزیع نمود. کارگران علی رغم خشم و نفرت خود
نسبت به جنگ ، حالت تدافعی داشتند. آنها
تحمیات خصوصی خود ، مخالفت خود را با جنگ ادا
می کردند ولی بصورت علنی اسکار را انجام نده
دادند. در همین رابطه شعارهای زیادی علیه
جنگ در دستنوشته ها نوشته شد و کارگران بس
خودشان درباره شعارها صحبت می کردند و گاهی
حوشالی خود را از این شعارها پنهان نمی کرد
در همان روز صندوقی برای جنگ به جبهه ها گذا
بودند که اکثر کارگران کمک نکردند .

در این کارخانه از طرف شرکت تعاونی
سهیمه سیکویت ، شکلات و تیغ به کارگران دادند.
ولی با مراجعه هر کارگر به این شرکت تعاونی ، از
وی کمک به جبهه ها را مطالبه نمودند. این سالها
مخالفت کارگران روبرو گردید. اعضای تعاونی
سعی کردند که از طریق تهدید و با دداشتن اسامی
مخالفین ، کارگران را وادار به کمک به جبهه ها
بنمایند. که بازم کارگران تسلیم نشدند. ولی
تعدادی از کارگران نیز از روی ناچاری و برحسی
نیز با خواست خودشان کمک کردند .

کارخانه البرز

از زمانی که بعضی از مزایا از قبیل نیش
کفش و شیر در این کارخانه قطع شده است ، کارگران
چندین مرتبه به شورا مراجعه کرده و تقاضای
برقراری مجدد مزایا را نموده اند. از مهر ماه سهمیه
صابون نیز قطع گردید و قرار شد سهمیه قند نیز نصف
شود. کارگران مرتباً به این تصمیمات مدیریت
اعتراض کرده و حتی کارگران انجمن هم صدایشان
در آمده است. کارگران مرتباً جلو اعضای شورا را
می گیرند و تقاضای برقراری مجدد مزایا را می
نمایند. یکبار که در این رابطه جلوی رئیس
شورا گرفته بودند ، او در جواب گفته بود : " ما
آن در وضعیت جنگی هستیم ، عده ای جان خود را
فدا می کنند ، آنوقت ما به فکر مسائل مادی
هستیم." یکی از کارگران در پاسخ گفته بود :
" چرا بیشتر از همه فشار روی کارگران باید باشد ،
هر وقت ما هر چه خواستیم می گویند جنگ است ،
آخر این جنگ چقدر باید طول بکشد؟" کارگران از
شورای اسلامی تقاضای برگزاری مجمع عمومی
کرده اند ، ولی شورا از زیر آن شانه خالی می کند
و این بخاطر ترس از مواقبت آن است ، ولی در اثر
اصرار کارگران ، شورا قول برگزاری مجمع عمومی
را داده است .

کشته شدن یک کارگر در اثر سوانح کار

کارخانه صنایع ریخته‌گری ایران
(شهر صنعتی ساوه)

این کارخانه که زیر نظر وزارت صنایع و تریخته‌گری بدنه موتور در آینه میل لنگ - مومیل و کامیونهای بنز در دست احداث می باشد - در راست ۲۲ بهمن امسال افتتاح شد. جهت عداوت و راه اندازی دستگاههای این کارخانه بدین شرکت پیمانکاری از جمله یک شرکت آلمانی تعدادی مهندس، تکنسین و کارگر آلمانی در این کارخانه مشغول به کار هستند. یکی از شرکتیهای مانکار رمزبورجهت سود بیشتر، با کمترین کانات ایمنی و حفاظت کارگران در مقابل سوانح و حتی فقدان کمترین وسائل فنی مربوطه با بیشترین بهره کشی از نیروی جسمانی کارگران، اقدام به نصب دستگاههای سنگین در کارخانه نموده است. در تاریخ ۶۵/۶/۱۹ یکی از کارگران این شرکت بعلت فقدان وسائل ایمنی پیش بینی هائی لازم از طرف کارفرما، در اثر سوانح و یک تیر آهن و امثال آن به جمجمه کارگر بوربشدهت مجروح و پس از چند روز در یکی از بیمارستانهای تهران جان سپرد. شرکت فوق الذکر که از طرف فقدان وسائل فنی و ایمنی لازم در ایمنی قعه صدر در دست مقرر می باشد، تاکنون همه ترندها بکار برده و از دادن هرگونه خسارت و حتی هزینه مارستان به خانواده کارگر کشته شده خود - ری نموده است. گفته می شود که کارگر مذکور رای چند فرزند می باشد، ولی همسروی نیز در له موشکی به باختران کشته شده است.

شرکت سها می لابراتوارهای داروئی رازک!

در این کارخانه یکی از خواستهای مهم کارگران در حال حاضر اجرای هرچه سریعتر طرح بندی مشاوری می باشد. کمیته اجرای طرح ام. نموده است که عقب افتادگی طرح از نیمه سال ۴۶ پرداخت خواهد شد. در تاریخ ۶۵/۵/۲۱ ده نفر از کارگران در اعتراض به پرداخت با افتادگی از نیمه دوم سال ۶۴، نزد نماینده مراجع گردند و خواهان پرداخت عقب با دگی همانند کارخانه های دیگر از نیمه دوم ۶۴ گردیدند. نماینده هم قول رسیدگی داد تاکنون هیچ خبری از موضوع نیست و کارگران دنبال قضیه را نگرفتند.

ایران یاسا

این کارخانه دارای قسمتهای مختلفی از جمله تیوب، تایر، مخلوط و غیره میباشد که کارگران آن، در یک فضای آلوده مشغول کار هستند. فضای کار این قسمتها آلوده به مسود شیمیائی است که باعث بیماریهای از قبیل سل، بیماریهای پوستی و تنفسی می گردد. تقسیم شیر در میان کارگران، تنها اقدام مدیریت جهت مقابله با بیماری کارگران ناشی از آلوده بودن هوای می باشد. اما مدیریت در سال ۶۳ اقدام به قطع سهمیه شیر برخی قسمتهای کارخانه که از نظر آلودگی نسبت به قسمتهای تیوب، تایر و مخلوط پائین تر نبودند نمود. اگرچه کارگران ایمنی قسمتهای رها صدای اعتراض خود را به طرق مختلف بیان نمودند، ولی مدیریت به بهانه نبودن شیر، از دادن این خواسته، امتناع ورزید. سر انجام قطع شیر همه قسمتهای کارخانه را در بر گرفت. مدت یکماه است که به هیچیک از قسمتها شیر تعلق نمی گیرد. کارگران برای مقابله با این سیاست ضد کارگری، طوماری تهیه کرده و در تاریخ ۶۵/۷/۷ آن را برای مدیریت و نماینده کارگران ارسال نمودند. متن طومار بدین مضمون می باشد: "ما کارگران در فضای آلوده ای مشغول کار هستیم و این آلودگی هوا باعث بیماریهای مختلفی می گردد. از آنجا شیکه مصرف شیر می تواند جلوی گسترش این بیماری را بگیرد، و مدت یکماه است که به ما شیر تعلق نمی گیرد، خواهشمندیم برای رفع این مشکل، اقدام لازم بعمل آورید." یکی دیگر از خواسته های کارگران، گرفتن حق افزایش تولید ۳ ماهه اول سال میباشد. مدیریت اعلام نموده است که بعلت فقدان افزایش تولید، چنین حقی برای کارگران در سه ماهه اول سال در نظر گرفته نشده است. اما کارگران بر این عقیده اند که نه تنها تولید کاهش پیدا نکرده بود، بلکه افزایش تولید حتی بیش از سال قبل نیز بوده است. ولی از آنجا شیکه دزدی در کارخانه زیاد است و از حق کارگران گرفته و خرج تعمیرات غیر ضروری می نمایند تا بدینوسیله توجیهی برای دزدی خود داشته باشند، می گویند تولید افزایش نداشته است.

کیان تایر

دزدی یکی از اعضای بنفوذانجمن اسلامی بنام جودی، این ساله در کارخانه سروصدای زیاد بدینا نمود و باعث آبروریزی انجمن و شورای اسلامی کارخانه گردید. این فرد (جودی) که تصدداست ابتدا جریان دزدی خود را به گردن نگهبان درب خروجی بیندازد، با طوماری که کارگران در حمایت از نگهبان منبورتیه کردند، این حیل را نیز نقش بر آب گردید. علاوه بر این شخص، قرار است برای فرزندان و نیز یک دزدی دیگر، دستگیر گردیده بود. دادگاهی تشکیل شود و هم اکنون کارگران منتظر تشکیل این دادگاه می باشند.

با توجه به این ساله که اکثر اعضای انجمن اسلامی که هنگام تشکیل آن، کارگران ساده و غیر ماهر بوده اند و هم اکنون پستهای کلیدی کارخانه را در دست دارند، و علاوه بر حقوقهای کلانی که میگیرند، دزدیهای بی حساب نیز در کارخان ساله ای عادی بوده است، و کسی نبوده است که به این دزدیها رسیدگی نماید، مورد چشم و نفرت کارگران کارخانه قرار دارند و معذود ای کارگران نیز که نسبت به آنها توهم داشتند و فریب آنها را خورده بودند، بایش آمدن این ساله، از آنها روی برگردانده اند. همچنین طی انتخابات شورای اسلامی در کارخانه، دست تمامی اعضای سابق آن که همه از حزب اللهی - های دزد و دوا تته بودند از شور و کارگران نمایندگان حقیقی خود را انتخاب کردند.

شرکت سها می لابراتوارهای داروئی رازک

گزارشی از انتخابات کمیته ورزشی
و صندوقهای قرض الحسنه

بدینال اطلاعیه قبلی امورا داری، انتخابات کمیته ورزشی در تاریخ ۶۵/۵/۲۰ در محل رستوران این شرکت برگزار گردید. انتخابات اعضای کمیته ورزشی مصادف بود با انتخابات کمیته صندوق قرض الحسنه که هر دو انتخابات در کمتر از یک ربع ساعت برگزار گردید. تعداد کل آرای کمیته ورزشی ۱۴۵ رای و کمیته قرض الحسنه ۱۵۱ رای بود. لازم به توضیح است که تعداد کل کارگران حدود ۳۰ نفر می باشد. در این انتخابات ۳ نفر برای کمیته ورزشی و ۷ نفر برای کمیته قرض الحسنه انتخاب شدند. در این انتخابات تقریباً حدود نصف کارگران شرکت کرده بودند و حتی تعدادی از کارکنانها از عناصری هستند که همیشه مسود تمسخر کارگران قرار می گرفتند و برای مفسدگی بعضی از کارگران به آنها رای دادند. این موضوع خصوصاً در مورد کمیته صندوق قرض الحسنه مادی بود. دلیل این عدم استقبال و شرکت فعال کارگران در انتخابات بویژه کمیته صندوق قرض الحسنه را می توان عدم کار آئی و فرمالیته بودن هیئت مدیره صندوق دانست، زیرا که در این کارخانه هیئت مدیره صندوق قرض الحسنه فقط و فقط حکم فرمایشی دارد و هیچگونه قدرت اجرایی ندارد. تنها نماینده مدیریت در کمیته صندوق حق و سوادار و این بدان خاطر است که مدیریت حدود ۳ میلیون تومان در صندوق سرمایه دارد و به همین جهت اعمال نظرات زیادی در پرداخت وام به کارگران می نماید. کارگران از این دخالت های بیجای مدیریت در اداره صندوق و پرداخت وام ناراضی اند و چون قدرت مقابله با مدیریت را در خود نمی بینند، دست به مبارزه منفی یعنی عدم شرکت فعال در انتخابات می زنند.

نان، صلح، آزادی، حکومت شورائی!

ایران یاسا ، گزارشی از

ایران تایر : کتک خوردن مدیریت توسط کارگران

مجمع عمومی فوق العاده شرکت تعاونی

هیئت مدیره شرکت تعاونی مصرف کارخانۀ طی اطلاعیه ای از کارگران خواست که در تاریخ ۶۵/۶/۲۶ ساعت ۲ الی ۳ بعد از ظهر، جهت انتخاب هیئت مدیره و بازمان جدید، و همچنین برآوردن ششاد گزارش عملکرد سال ۶۴ شرکت، در مجمع عمومی حضور یابند. در روز موعود، از تعداد کمی از ۱۲۰ نفر کل افراد کارخانه، حدود ۴۰ نفر شرکت کردند. علت عدم شرکت سایرین این بوده است که اولاً کارگران سخنان هیئت مدیره در مجمع عمومی سالانه را تکرار می دانند، ثانیاً اکثر کارگران هیئت مدیره شرکت را قبول ندارند و آنها را زود می دانند و ثالثاً، کارگران معتقدند که انتخابات فرمایشی است و از قبل باند ها درون کارخانه افراد مورد علاقه خود را انتخاب نموده اند. پس از تشکیل جلسه، رئیس شرکت تعاونی که نماینده کارگران نیز می باشد، اعلام نمود که امروز این مجمع عمومی بنام مجمع عمومی فوق العاده جهت تبادل نظر در اضافه نمودن ماده ای در اساسنامه می باشد و انتخابات در روز ۶۵/۷/۲ برگزار خواهد گردید و در همان روز نیز گزارش کار سال ۶۴ نیز ارائه خواهد شد. وی ادامه داد که از طرف وزارت کار اطلاعیه ای رسیده است؛ در آن آمده است که "طی درخواستهای مکرر انجمن اسلامی و شوراهای اسلامی کار کارخانجات، این وزارتخانه، مبنی بر اینکه در تائید صلاحیت کاندیداهای شرکت تعاونی، این ارگانها، نقش داشته باشند، ما لازم دیدیم برای افزودن ماده ای به اساسنامه شرکت تعاونی، این ماده را به رای عمومی کارگران عضو شرکت بگذاریم تا بعد از تصویب به اجراء آید. ماده مزبور چنین است: "کمیته ای متشکل از نفر نماینده مدیریت کارخانه، یک نفر نماینده انجمن اسلامی و یک نفر از طرف شورای اسلامی کار درون کارخانه جهت بررسی صلاحیت کاندیداهای شرکت تعاونی مصرف تشکیل گردد". ولی کارگر جوابی در تائید این ماده فکری ندادند.

وقتی رئیس شرکت تعاونی وضعیت را چنین دید ادامه داد: "فردا این ماده را بروی کاغذ می نویسیم و برای گرفتن امضاء به قسمتها می آوریم و بعد آنرا به وزارت کار ارسال می نمائیم. در ادامه جلسه، یکی از کارگران از رئیس شرکت تعاونی توضیح خواست که چرا سواد ساله شرکت را تقسیم نمی کنید، علاوه بر این کارگران خواهان روشن شدن دزدیهای شرکت و نحوه پرداخت بدهی آن به "امکان" بودند که مدیریت پاسخ به آنها را به جلسه بعدی موکول نمود.

پس از این جلسه، هیئت مدیره در تاریخ ۶۵/۶/۲۹، ماده پیشنهادی وزارت کار را جهت تائید کارگران به قسمتهای مختلف کارخانه آ و کارگران بطور یکپارچه این ماده فکری تحریم کردند. اما علیرغم تحریم گسترده این ماده، هیئت مدیره تعاونی به همراه انجمن اسلامی و مدیریت، آنرا تائید شده از جانب کارگران اعلام کردند و قرائت است که کمیته ای این رابطه تشکیل گردد.

بدنبال اختلافات قبلی مدیرعامل با شورای اسلامی کار، روز شنبه ۶۵/۶/۱۵، در شیفت یک، ساعت ۱۲، کارگران به اتاق مدیرعامل یورش بردند و ضمن کتک مفضلی که به او زدند، وی را از کارخانه بیرون راندند. اختلاف از آنجائی شروع شد که زمستان گذشته، عارف آذر، مدیرعامل، مبلغ زیادی دلار جهت تهیه مواد به معمارباشی می دهد و این شخص نیز با استفاده از موقعیت، از کشور خارج و به فرانسه می رود و دیگر بر نمی گردد. دیگر آنکه این مدیرعامل مبلغ چهار صد هزار تومان به دوسه نفر از طرفیان خود وام داده است. چند روز قبل از این درگیری عده ای از کارگران به شورائی روند و مساله کاهش تولید و ضررهای راکه کارگران در این رابطه متحمل می شوند و همچنین طرح طبقه بندی مشاغل را عنوان می کنند. از آنجائی که شورای مدیریت کشمکش زیادی داشته، از این اعتراض کارگران بهره برداری می نماید و به آنها می گوید که قرارداد طرح طبقه بندی شایسته شده و آماده اجراء است، ولی مدیرعامل هنوز امضاء نکرده و کاهش تولید هم مسئول آن مدیرعامل می باشد، زیرا مواد اولیه را تهیه نمی نماید و پولها را به اطرافیانش میدهد. بدینوسیله کارگران تحریک می شوند تا اینکه روز شنبه ۶۵/۶/۱۵ با همها هنگی شورا دست به یک اعتصاب نیم ساعته می زنند و بدنبال آن به اتاق مدیرعامل می روند. وی را از اتاق بیرون کشیده و پس از کتک زدن او را از درب کارخانه بیرون میاندازند. در این میان کار در کارخانه که از عمل مدیرعامل می باشند، اساساً ۴۵ تن از کارگران را بعنوان عاملین تحریک و شورش نوشته و معرفی می نمایند. بعد از این ماجرا، کارگران به سرکار خود برمی گردند. در ساعت یک و نیم بعد از ظهر، ۵ نفر از کمیته بنیاد، بطور مسلح وارد کارخانه می شوند و دست به بازجویی از کارگران می زنند. هنوز کسی در این رابطه دستگیری یا اخراج نگردیده است و بازجویی تا تاریخ ۶۵/۶/۲۹ همچنان ادامه داشته است.

گزارشی از کارخانه سپینتا :

مبارزه برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل

در تاریخ ۶۵/۶/۱۲، کارگران دست به یک اعتصاب نیم ساعته در جلوه دفتر تراشکاری زدند و خواهان اجرای هرچه سریعتر طرح طبقه بندی مشاغل شدند. کارگران از بنیاد خود خواستند که در این مورد جواب قاطع و روشنی به کارگران بدهد. علاوه بر کارگران قسمت تراشکاری، کارگران تعمیرات و لوله سازی نیز به این اعتصاب پیوستند. یکی از کارگران به نماینده گفت: شما وعده داده بودید که طرح طبقه بندی بعد از عید پیاده شود، ولی الان عمارت عید گذشته ولی خبری از طرح نیست، اگر نمی توانید کاری انجام دهید نمی توانید جلوه مدیریت حرف بزیندا زمانمندی استعفا بدهید تا ما بدانیم با چه کسی طرف هستیم. در اینجا، نماینده طبقه بندی کارمندان و معاون سرپرست قسم تراشکاری از کارگران خواست که به سرکارشان بروند و اگر روز شنبه مدیرعامل کارخانه آمد، از وی می خواهیم که وضع طرح را روشن نماید. روز شنبه مدیرعامل نیامد. روز یکشنبه، نماینده کارگران نزد مدیر کارخانه رفت و از وی خواست که وضع طبقه بندی را روشن نماید. وی اضافه کرد که کارگران خواهان مجمع عمومی هستند. مدیر جواب می گوید که کارگران بگویند هر کس کار دارد بیا بدفتر من، چون وقت ندارم بیا می بینم کارگران صحبت کنیم. نماینده کارگران این مساله را به کارگران اطلاع میدهد. بهمین دلیل کارگران مجدداً در ساعت ۱۱ همدیگر را از موضوع مطلع کردند و جلوه دفتر تراشکاری جمع کردند و تصمیم گرفتند اگر مدیر به آنها جواب ندهد، به دفتری بروند. یکی از سرپرستگان مدیریت به وی اطلاع میدهد که حدود ۶ نفر کارگران تجمع کرده اند. مدیریت به کمک عوامل خود سعی در تفرقه و از بین بردن این تجمع می نماید و تعدادی از کارگران را از خلال گروه شورش می نامد و اضافه می کند که مگرو وضع ملکوت و کارخانه را نمی بینید، یکی از کارگران در پاسخ می گوید: شما که از همه چیز خبر دارید و حرف می زنید، آن موقع مگر کارخانه و مملکت را ندیده بودید، وقتی سال ۶۳ حدود ۲۰۰ هزار تومان به کارشناس طبقه بندی دادید آیا خبر نداشتید، وقتی نیم میلیون تومان برای ساختمان و دفتر کارمندان خرج کردید و صد هزار تومان به شهرداری باج دادید، آن وقت خبر از کارخانه و مملکت نداشتید؟ و حالا وقتی به کارگر رسیدید وضع کارخانه خراب شده؟ تاکی می خواهید از اینکارها بکنید؟ بیایید در مجمع عمومی مسائل را بگوئید. این مسائل هیچ ربطی به ما ندارد. وضع کارخانه خراب است، که خراب است، ما که خراب نکردیم، مآحق خودمان را می خواهیم.

مساله طرح طبقه بندی مشاغل برای مدتی مسکوت می ماند تا اینکه دوست علی، نماینده کارگران، بعلت فشار و اعتراضات کارگران، تصمیم به برگزاری جلسه در بین مدیران کارخانه می نماید. مدیر کارخانه (محرمی) و دو تن از سرپرستان که از عوامل محرمی هستند، با اجرای طرح طبقه بندی مخالف هستند. محرمی پس از ورود به جلسه مزبور، خطاب به نماینده کارگران میگوید که شما به چه حقی در ساعت کار، این مدیران را در اینجا جمع کرده اید؟ آیا میدانید که کارخانه در حقی وضعی قرار دارد و شروع به تهدید می نماید. نماینده کارگران نیز این صحبت ها را به میان جمع می آورد. کارگران می برد. کارگران از وی می خواهند که این مسائل را از طریق بلندگو به اطلاع کلیه کارگران برساند که نماینده نیز می گوید که من با وجود پاسداران در کارخانه نمی توانم چنین کاری بکنم. در حال حاضر مساله طرح طبقه بندی همچنان بعنوان خواسته کارگران مطرح می باشد و سرای اجرای آن به اشکال مختلف با فشاری می کنند و منتظر آمدن مدیرعامل می باشند.

= تلفیق کار مخفی و علنی: یک اصل اساسی در سازماندهی طبقه کارگر

شرکت نموده است، هنوز آماده رعایت کامل پنهانکاری و وارد شدن در یک دستگاه پیچیده که برایش کاملاً بیگانه است و بوی خطر و طوطی از آن بمشام می رسد، نیست. تحمیل چنین دستگاهی بر مبارزه توده‌ای نه تنها به سازمانیابی آن کمکی نمی کند، بلکه حتی موجب پراکندگی توده‌ها نیز می گردد. کسیکه صرفاً برای لقمه نانی بیشتر مبارزه می کند، هنوز آمادگی بمخاطره انداختن زندگی خود را ندارد.

بدین ترتیب عدم آمادگی برای رعایت کامل پنهانکاری یکی از عواملی است که به مبارزه توده‌ای جنبه علنی می بخشد. اما از این گذشته، مبارزه توده‌ای در همه زمینه‌های خودنمایی هم به پنهانکاری ندارد. زیرا مبارزه برای بسیاری از خواسته‌های روزمره توده‌ای می تواند بنحوی علنی صورت بگیرد و بهتر هم هست که بنحوی علنی صورت بگیرد. زیرا بسیاری از این خواسته‌ها در چهارچوب شرایط قانونی موجود نیز می توانند دنبال شوند و بخودی خود در صفت ذاتی با نظام سیاسی موجود نیستند. مبارزه‌ای که میتواند بصورت علنی و نیمه علنی سازمان باید، نادرست و بی فایده است که خود را از امکانات وسیع علنی کاری محروم کند. این مضمون و ماهیت یک مبارزه است که درجه مخفی کاری و شکل ما زمانه را تعیین میکند: "علاوه بر درجه مخفی کاری و شکل ما زمانه، محافل مختلف طبعاً به ماهیت و وظیفه آنها وابسته خواهد بود. در نتیجه سازمانها انواع مختلف خواهد داشت (از محدودترین نوع سازمانها گرفته تا گسترده ترین و پراکنده ترین انواع آن)". (۲) هم چنین توده‌ها به هیچ وجه یکپارچه و هم سطح نیستند. لایه‌های مختلف طبقه کارگر نسبت به یک مسئله واحد و یا در یک شرایط معین واکنش‌های متفاوتی از خود نشان می دهند. این واقعیت در انقلاب بهمین به خوبی خود را نشان داد و در تجربه انقلابات سایر کشورها نیز امری اثبات شده است. همین مسئله خود در نحوه مبارزه توده‌ها و اشکال سازماندهی آن، نقشی تعیین کننده دارد. همواره بحثی از توده کارگران که معمولاً وسیع ترین بخش طبقه کارگر نیز هست از اشکال علنی و قانونی مبارزه آغاز می کنند: "بالاخره پس از قشر متوسط کارگران، توده‌های قراردار در کدقشار پائین تر پرولتاریا را تشکیل میدهند... این کاملاً ممکن است که اولین تلاشها برای بالاسردن آگاهی اقشار پائین کارگران در شکل معالمت آموزشی قانونی صورت بگیرد..." (۳)

حال باید بدین سؤال پاسخ گفت که هرگاه آگاهی طبقاتی کارگران بالا رود، میزان فداکاری و تحریر آنها در امر سازماندهی و مبارزه ارتقاء باید (بمعنا در دقیقتر علنی که در رابطه با مبارزه علنی توده‌ای بشمارم، تغییر کند) مبارزات توده‌ای چه شکلی به خود خواهد گرفت؟ پاسخ اینست که مبارزه توده‌ای کارگران بازم بنحوی علنی انجام خواهد گرفت. اما البته با وسعت و استحکام سازمانی بیشتر، واقعیت اینست که هرگاه آگاهی طبقاتی کارگران بالا برفته و آنها با جسارت و مهارت بیشتری مبارزه رودر روی خود را با دشمن طبقاتی انجام دهند، نه تنها بسیاری از خواسته‌هایی که قبلاً از طرف رژیم سرکوب می شده‌اند (مانند مبارزات اتحادیه‌ای و انتشار نشریاتی که صراحتاً سرنگونی رژیم موجود را تبلیغ نمی کنند) می توانند صورت رسمی و قانونی بخود بگیرند، بلکه طبقه کارگر می تواند با بهره برداری از توازن قوای بدست آمده ناشی از اوج گیری مبارزه طبقاتی، امکان تعرض بیشتری بدست آورد. اشکال علنی سازمان سیاسی غیره را نیز بردشمن تحمیل کند. در آن صورت ما با وضعیتی روبرو خواهیم بود که توده‌ها در حالت تعرض قرار داشته و رژیم تحت فشار حسش توده‌ای عقب نشینی می کند. طبیعتاً در چنین شرایطی تلاش برای سازماندهی مخفی تشکلهای توده‌ای در پاره‌ای سطوح موضوعیت خود را از دست میدهد. بدانش زوایا توفها در روسیه و محار شدن اتحادیه‌ها تحت حکومت تراری، قانونی شدن اتحادیه‌های کارگران سیاه تحت حکومت آرتا بود... همه مؤید این مسئله است. در شرایط گسترش مبارزه توده‌ای، همراه با گسترش امکانات مبارزاتی، اشکال علنی سازماندهی می تواند دوباره بنحوی بیشتری بکار گرفته شود: "و اما مسئله سازماندهی آسکار... با بدفورا تشکلهای مطبعت آمیز این برآمدن سازمانها در دستگا‌های خصوصی راکه پنهانکاری آنها کمتر باشد برای این مقصود همیشه کرد. باید از جمعیت‌های علنی و نیمه علنی استفاده نمود تا بتوان حتی الامکان آنها را به تکیه گاه‌های حزب آشکارا کارگر و سوسیال دمکرات آمیخته روسیه بدل نمود." (۴)

سوسیالیسم محصول اراده سازمان یافته طبقه کارگری است که با روح انقلابی پرورش یافته و توسط تئوری انقلابی رهبری گردد. برای سازماندهی بین اراده‌ای تنها ایده‌های انقلابی کافی نیست، بلکه کار بیگرو و پیردا منه زمانه و آگاهی بخش در مسیر پیچید و خم مبارزه طبقاتی ضروری است. برای زمانه‌ای چنین اراده‌ای حزب انقلابی طبقه کارگر باید با موزده‌ها چگونه توده‌ها درآمیزد، آنها را ارتقاء دهد و از همه توانها و تمامی اشکال ناگون تجمع، تشکل و مبارزه بهره برداری نماید. بدون چنین توانی برای زمانه‌ای توده‌ها، حزب انقلابی، تئوری انقلابی و رهبری انقلابی تمام خای خویش را از دست خواهند داد، و از همین روست که شناخت قانونمندیهای کم بر امر سازماندهی توده‌ای، خود جزئی مهم از مجموعه تئوری مارکسیسم-لنینیسم بحساب می آید. آنچه که تحت عنوان تلفیق کار مخفی و علنی مورد رسی قرار می گیرد در واقع شناخت همین قانونمندی و جمع بندی آنست.

در کشور ما، که جنبش کمونیستی مدت‌های مدید از بیماری بویولیسیم، ارشیسم و فرقه گرایی رنج برده و از سوی دیگر بخشهای وسیعی از آن در جلب اپورتونیسیم و انحلال طلبی مضحل گشته است، تا کید بر این اصل زمانه‌ای مارکسیست-لنینیستی و شناخت آن از اهمیت حیاتی برخوردار است. آثار لنینیسم اراده پیشروان را جایگزین اراده توده‌ها میسازد؛ فرقه-آئی، تئوری انقلابی را در اتاقهای دربسته و محافظت ایدئولوژیک کوچک دانی می کند و امر انتقال آگاهی سوسیالیستی بدرون جنبش کارگری را موانع جدی روبرو می سازد؛ و بالاخره اپورتونیسیم و انحلال طلبی، قانونگرایی لنی کاری را پیشه نموده از یکسوقا در به ارتقاء مبارزه و آگاهی کارگران اسوی وضع موجود نیست و از سوی دیگر طبقه کارگر را از تشکیلات مخفی محروم دهوا و در برابر دشمنها را رودرنده خوخلع سلاح می کند. بدون شناخت قانونمندیهای حاکم بر سازماندهی بوده‌ای، بدون شکست دادن همه جانبه راجوب بومی همه جانبه پیرامون تلفیق کار مخفی و علنی، نه تنها نمی توان سازماندهی مبارزات توده‌ای پرداخت و بدین ترتیب در این دریای فانی راه رهائی راجست، بلکه بالایش جنبش کمونیستی از انحرفات رب فوق الذکر نیز هرگز سرانجام نخواهد یافت.

مبارزه توده‌ای، مبارزه‌ای علنی است

مبارزه طبقاتی چیزی نیست که بتوان آنرا مخفی نمود و بصورت محترم مخفی نمودن آن کاری مهم و عیبناست. چرا که مبارزه طبقاتی قبل هر چیز اعلام جنگ علنی به طرف مقابل این مبارزه است. و طبیعتاً قصد زکارت می نیز به هیچ وجه مخفی نمودن این مبارزه رودر رو نیست، بلکه مراد سازماندهی آن بشیوه مخفی است. یعنی پنهان ساختن سازمان و استخوانندی ن مبارزه تا دشمن نتواند با حمله و درهم شکستن آن، مبارزه طبقاتی متوقف سازد و یا دچار اختلال اساسی نماید.

مبارزه طبقاتی تنها با شرکت توده‌های وسیع معنای یابد. و مساله این است که نه تنها مبارزه بلکه تشکل توده‌های وسیع را نیز نمی توان فی نمود. البته در شرایط سرکوب، توده‌ها تا حدودی می توانند پنهانکاری رعایت نمایند و عملیات نیز می کنند. موارد بسیار زیادی را می توان ال زده نشان از رعایت مخفی کاری توسط توده‌های وسیع دارد. در حال فرنی زود مبارزات جاری توده‌ای در سطح کارخانجات و محلات ما شاهد همین اله هستیم. اتخاذ انواع شیوه‌ها و شگردهای مخفی در مقابله جاسوسان رژیم عضا‌ی انجمنهای اسلامی و بمنظور فلج کردن شاخکهای اطلاعاتی آنها، آبا ایت مخفی کاری از جانب توده‌ها نیست؟ آیا طرح این نکته که "مانعاینده اریم و همه نماینده هستیم" مخفی کردن رهبران از دسترس پلیس سیاسی ست؟ با اینهمه در سطح مبارزه وسیع توده‌ای از مخفی کردن سازمان شکل توده‌ای نمی توان سخن بمان آورد. این سطح از اقدامات یکپارچه، کنش طبیعی و در عین حال ساده کارگران یا زحمتکشانی است که در برابر کوب مستقیم از خود دفاع می کنند. اما اگر قرار با شد پلیس سیاسی با شیوه‌ی پیگیر خود با آنها روبرو گردد به سادگی می تواند همه چیز را کشف کند... صورت کثرت عده افراد سازمان، مراعات پنهانکاری کامل (که آمادگی را تب بیشتر را از آنجه برای شرکت در مبارزه اقتصادی لازم است اجتناب کند) غیر ممکن است. (۱) کارگری که تازه غریزه طبقاتی تیش بیستار شود و بتدریج به آگاهی سیاسی دست می یابد و در چند اعتماد کارگری

خودبایک رژیم سیاسی می جنگد، اما یک سازمان کمونیستی معطوف به بیرون است و با محیط اطراف خود توسط انواع رشته ها و کانالهای ارتباطی پیوند دارد، چراکه از طریق سازماندهی مبارزات توده طبقه کارگر و حزب حرکتگان یک رژیم سیاسی روبرو می‌گردد. یک سازمان آنارشیست تمام نیروی اطراف خویش را از محیط اطراف جدا می سازد و در تیمهای نظامی و بصورت حرفه سازمان میدهد. اما یک سازمان کمونیستی تنها آن بخشی را که برای حرفه ادامه کاری رهبری جنبش ضروری است بصورت حرفه ای و کاملاً مخفی سازمان میدهد. یک سازمان آنارشیست کار عملی را غیر ضروری و تحقیق آمیز تلقی می‌کند و آنرا صرفاً به عنوان فعالیت پوششی و یک سلسله شگردهای زیرکانه به تهیه امکانات و جذب نیرو می‌فهمد. اما سازماندهی مبارزه عملی — کمونیستها اهمیت حیاتی دارد، چراکه توده ها اساساً در اشکال عملی — مبارزه برمی‌خیزند. کمونیستها در عین حال که از طریق شرکت در مبارزات عملی امکانات و نیروهای جدیدتری بدست می‌آورند، اما فعالیت عملی برایشان اساساً در رابطه با ارتقا مبارزه و آگاهی توده ها معنا می‌یابد. این امر برای کمونیستها نه یک شگرد زیرکانه و نه یک پوشش مناسب — فرار از پلیس بلکه مرحله ای ضروری در حیات مبارزاتی توده ها است که باید با شرکت در آن امر سازماندهی انقلاب را امکان پذیر ساخت. یک سازمان آنارشیست محیط‌هایی را برای فعالیت خود انتخاب می‌کند که ملاحظاتی برای عملیات مسلحانه و یا آمادگی برای پیوستن اعضای جدید، در تیر آن‌ها نقش اساسی را دارند. اما یک سازمان کمونیستی در جایی متمرکز می‌گردد که بهترین وسیله تربیت و نندرت سازماندهی کل طبقه کارگر موفق گردد، و بلافاصله سازمان آنارشیست تنها در یک بعد و یک عرصه مبارزاتی فعالیت می‌کند و همین دلیل تنها یک آموزش در درون آن جاری است و تنها یک شخصیت معین را می‌تواند تربیت کند و بکار گیرد. اما یک سازمان کمونیستی باید در تمام عرصه های مبارزه وارد شود و آموزش همه جاشبه و متنوعی به نیروهای خود و از همه استعدادها و همه توانها برای سازماندهی مبارزه بهره برداری کند. چنین تفاوتی حتی در زمینه مسائل فنی و چگونگی ساخت سازمانها و پاسخ به مقوله کلی امنیت نیز تا تیر خود را می‌گذارد. تا بدانجا که اساساً پاسخ متفاوت و دو شکل متفاوت را ایجاد می‌کند. سازمان آنارشیست — حفظ خود، هر چه بیشتر با محیط اطرافش بیگانه می‌گردد و بدین وسیله از انزیم پلیس سیاسی پنهان می‌سازد، و سازمان کمونیستی به عکس هر بیشتر و عمیقتر با محیط پیرامون خود درمی‌آمیزد و از این طریق از چشم پنهان می‌ماند. ولی ریشه های آن چنان ضعیف و شکننده ای دارد که بدین هر قدر کوچک هم که داشته باشد بر آنها سنگینی می‌کند، و دومی دارای بدن چابک است با ریشه های گسترده و عمیق. بدین ترتیب سازمان مخفی کمونیست نوع جدیدی از سازمان مخفی است. یعنی... هسته های وسیعاً دمکراتیک (کمونیست) غیر عملی که بوسیله وسیعترین شبکه ممکن انجمن — کارگری عملی مختلف احاطه شده باشند. (۶) هسته های فشرده، پرتحرک و انعطاف پذیر که خود را با هر شرایط تغییر یارنده ای منطبق می‌سازند، و هر شکل از مبارزه آماده اند.

این ساخت تنها در صورت تلفیق کار عملی و مخفی می‌تواند وجود داشته و تنها با بکارگیری این اسلوب سازماندهی است که می‌توان سازمانی بی عضو تشکیل داد، تشکیلات را پنهان نمود اما اعضای وسیعی را که هم عملی هستند و احتیاجی به پنهان کاری ندارند، سازمان داد: "وجود هسته کوچک بهم پیوسته ای از کارگران کاملاً مطمئن، آزموده و آبدیده که... بطبق تمام قواعد پنهان کاری کامل با سازمان انقلابیون مرتبط باشد، که می‌تواند با استفاده از مساعدت کاملاً وسیع توده بدون داشتن هیچ عضو رسمی، کلیه وظایفی را که بر عهده سازمان حرفه ای است انجام دهد — علاوه آنرا چنانکه مطلوب سوسیال دمکراسی است، انجام دهد." (۷)

روشن است که فعالیت مخفی چه از نظر نیروهای شرکت کننده و چه نظراً مابین فعالیت حیطه مستقل خود را دارد. انقلابیون حرفه ای که هسته اصلی سازمان مخفی را تشکیل میدهند لزوماً در یک محیط معین جای گیرند و در موارد زیادی مستقیماً در جنبش توده ای شرکت نمی‌کنند. بخش عمده ای فعالیت مخفی کاملاً از مبارزات روزمره مستقل بوده و نمی‌تواند در مبارزات عملی توده ها و از طریق آنها منعکس گردد. هم چنین واحدهای پایه حزبی، روشنی با سازمانهای توده ای داشته و مضمون فعالیتشان سازماندهی هویت کمونیستی در تمامیت آن است. بسیاری از فعالیتها حزبی مانند ج — و توزیع نشریات مخفی، تشکیل جلسات حزبی مختلف، فعالیتهای نظام

بنابراین مبارزه توده ای عمدتاً در شکل عملی صورت می‌گیرد. این امر ضروری است که از ماهیت مبارزه توده ای و همین چنین از ویژگیهای آن بیرون می‌خیزد. این مبارزه عملی در بسیاری موارد جنبه قانونی دارد، یعنی در چهارچوب قوانین جاری بوده و طبیعتاً سرکوب آن نیز برای رژیم کارچندان آسانی نیست. زیرا سرکوب بسیاری از این مبارزات، مشروعیت رژیم سیاسی را در نظر مردم از بین می‌برد و این چیزی است که هیچ رژیم سیاسی نمی‌تواند نسبت به آن بی اعتنا بماند. اما در بسیاری موارد نیز این مبارزه عملی در عین حال که "ماهیتاً مجاز" است (یعنی نه تنها به قصد سرکوب رژیم انجام نمی‌گیرد، بلکه از لحاظ مضمون خواستها و اهداف در چهارچوب نظام سیاسی موجود می‌گنجد) از جانب رژیم مورد تعرض و بیگرد قرار می‌گیرد. در چنین حالتی طبیعتاً مبارزه متوقف نخواهد شد؛ شکل عملی مبارزه نیز نمی‌تواند از میان بر خیزد؛ اما سازمان توده ای تا اندازه ای دگرگون می‌گردد، بدون این دگرگونی نمی‌توان "تضاد بین لزوم کثرت عده افراد و پنهان کاری کامل" را حل نمود. راه حل آنست که سازمان توده ای هم موجودیت داشته باشد و هم نداشته باشد یعنی موجودیت آن چنان بازی داشته باشد که پلیس نتواند آنرا زیر چنگال خود فشار دهد. در واقع باید "تشکیلات پنهان بمانند ولی با اندازه ای "آزاد" و کمتر دارای صورت رسمی... باشد که لزوم پنهان کاری برای توده اعضا آن تقریباً بدرجه صفر برسد." (۵) (بعبارت دقیقتر در این حالت سازمان توده ای موجودیت دارد، به کارکرد خود ادامه می‌دهد و حتی دشمن موجودیت آنرا آشکارا درمی‌یابد بدون آنکه هیچ موجودیت رسمی داشته باشد. این سازمانی است بدون عضویت برای این به هیچ کس و جای معین نمی‌توان حمله کرد و ضربه زد.

سازمان مخفی: تلفیق کار عملی و مخفی

اگر قرار است مبارزاتی که "ماهیتاً مجازند" با تشکیلات پنهان سازماندهی گردند، تکلیف مبارزه سیاسی از پیش معلوم است. خصوصاً اگر این مبارزه سیاسی ماهیتاً غیر مجاز باشد، یعنی مبارزه ای باشد که پلیس برای نابودی است و روبرو قرار می‌گیرد. توری پروتکتوریا و سوسیالیسم انجام می‌گیرد، یعنی مبارزه کمونیستی! بنابراین در صورت سازماندهی مخفی و پذیرش کار مخفی شکی وجود ندارد. چنانکه حتی اپورتونیست ترین احزاب و جریانها در کشور ما صراحتاً از عدم ضرورت سازماندهی مخفی سخن نگفته اند، هر چه کار مخفی حقیقتاً انقلابی و کمونیستی انجام ندهد باشد.

مشکل جنبش کمونیستی ایران نیز در حال حاضر عدم پذیرش سازماندهی و کار مخفی نیست، بلکه بیشتر عدم توجه به ضرورت کار عملی مطرح است و سازماندهی مخفی از عدم انطباق با امر سازماندهی توده ای رنج می‌برد. مشکل اینست که ما هنوز در پای پیوپولیس و آنارشیسم رادریک کار مخفی با خود حمل می‌کنیم و این هنر را هنوز به اندازه کافی فراموش کرده ایم که چگونه میتوان تشکیلات را پنهان نگاه داشت و در عین حال توده های وسیع را تحت پوشش این تشکیلات قرار داد. مشکل اینست که امر تلفیق کار عملی و مخفی به روشنی کافی درک نشده است و ما هنوز در برابر این سؤال قرار داریم که چگونه می‌توان از انقلاب سخن گفت و در عین حال از مبارزات روزمره و حتی قانونی دفاع کرد و یا اینکه چگونه می‌توان در مبارزات عملی و قانونی شرکت کرد و آنها را در راستای انقلاب هدایت نمود. مشکل اینست که هنوز کار عملی و مخفی نه به عنوان یک کل بهم پیوسته و با مضمون واحد، اما در اشکال متفاوت، بلکه به عنوان دو جزء بی ارتباط با یکدیگر در نظر گرفته می‌شود و در نتیجه جمع آنها متناقض به نظر می‌آید. امروز مسئله اساسی اینست که ما باید دریابیم که سازمان کمونیستی چگونه است و سبک کار کمونیستی، یعنی همان تلفیق کار مخفی و عملی، چیست؟

در این رابطه مرز بندی با سبک کار پیوپولیسیتی و آنارشیستی در زمینه سازماندهی مخفی از اهمیت اساسی برخوردار است. چرا که سازمانهای مخفی دهه های اخیر اساساً در رابطه با این گرایشها شکل گرفته اند و تداوم سبک کار آنها در سازمانهای موجود کاملاً طبیعی است. این درست است که فنسئون مبارزه با پلیس، امر ارتباطات بین اجزاء مختلف یک سازمان مخفی و هم چنین تدارکات و... وجوه اشتراک معینی را میان سازمانهای سیاسی مخفی ایجاد می‌کند (در همین رابطه باید گفت که یک سازمان مخفی کمونیستی می‌تواند با پیدا کردن تجربه مبارزه مخفی دهه های اخیر استفاده نماید) اما با این وجود یک مرز اساسی سازماندهی مخفی کمونیستی را از دیگر سازمانهای مخفی جدا می‌کند. یک سازمان آنارشیست درون گرا است، چرا که تنها با نیروی

مخفی کاری را رعایت کنند احتیاج دارد، به همان نسبت برای نفوذ در میان توده‌ها به کارهای علنی محتاج است و باید ارزش‌های جنبش کارگاهی را بروشنی درک نماید. کار علنی بمعنای کاری نیست که هر کس با شخصیت مبارزاتی ضعیف، بواسطه تزلزل و عدم قاطعیت بتواند آنرا انجام دهد، بلکه برعکس جنبش کمونیستی همواره بر عضوگیری از کارگزارانی که با جسارت و رزمندگی در رأس مبارزات توده‌ها قرار می‌گیرند، تأکید داشته است. این عرصه خود آزمایی از رزمندگی و در عین حال محیطی برای پرورش تمام خصائل نیک تشکیلاتی، از جمله مخفی کاری است. بر این مسئله خصوصاً در حال حاضر که جنبش کمونیستی از شاخکهای علنی ضعیفی در میان کارگران برخوردار است و رهبران توده‌های زیادی را تحت کنترل و پوشش خود در دنیا ورده است و از سوی دیگر مادریک دوره انقلابی بصرمی بریم که هر آن از جرقه‌ای می‌توانند حریقی بر خیزد، باید دو چندان تأکید کرد.

کار علنی و قانونی باید در راستای انقلاب هدایت گردد

جنبش کمونیستی بدون برجم راه‌نمایش بسوی آینده غیر قابل تصور است. این درست است که برای رهبری توده‌ها باید در مبارزات روزمره شرکت نمود، اما بدون نشان دادن اینکه این مبارزات فی‌نفسه راه‌جانشی نخواهند بود، تنها به اپورتونیزم محض و بی‌چون و چرا سقوط خواهیم کرد. این درست است که بدون نگاه به زمینی که در آن قرار داریم، قدمی نمی‌توان به پیش برداشت، اما این نیز واقعیتی است که بدون توجه به مسیر قله صرفاً بدور خود خواهیم چرخید. بدین ترتیب کمونیست‌ها چه در شکل مخفی مبارزه و چه در شکل علنی آن مضمون واحدی را طرح می‌کنند و در مسیر واحدی کام برمی‌دارند؛ دعوت به شورش علیه نظام برده‌گی سرمایه و شناساندن ضرورت این شورش.

کار علنی و قانونی، باید از موضع کمونیستی صورت گیرد. در واقع باید از کار علنی کمونیستی و نه کار علنی به طور کلی سخن گفت، اما طبیعتاً کار علنی و قانونی محدودیتهای خود را دارد و اگر قرار بود که بتوان تمام مضامین انقلابی و کمونیستی را در آن طرح نمود دیگر تلفیق کار علنی و مخفی ضرورت و کار کرد خود را از دست میداد. همان تفاوتی که بین سازمان‌های توده‌ای و حزبی موجود است، میان کار علنی و مخفی نیز وجود دارد. اما همانطور که می‌توان یک سازمان توده‌ای را به پایگاهی برای حزب تبدیل نمود، کار علنی نیز می‌تواند همسوی با کار مخفی انجام گیرد و آنرا تقویت نماید.

کار علنی به معنای دست‌نشدن از شعارها و اهداف مبارزاتی حزب نیست و هرگز به معنای مخدوش نمودن آنها نیز نمی‌تواند باشد. این درست است که در کار علنی نمی‌توان تمام شعارها و اهداف کمونیستی را با صراحت تمام بیان کرد، اما این کار باید بگونه‌ای صورت گیرد که در ذهنیت توده‌ها تصویری برخلاف شعارها و اهداف حزب ایجاد نشود:

"ممکن است ایراد بگیرند که تعیین شعار جمهوری به عنوان شعار اصلی (حزبی) کل مبارزه انتخاباتی به معنای جلوگیری از امکان اجرای قانونی آن است و این نشان میدهد که اهمیت و ضرورت کار قانونی بطور جدی مورد شناسایی قرار نگرفته است. اما چنین اعتراضی، سفسطه‌گری است و شایسته انحلال طلبان، ما نمی‌توانیم بطور قانونی از شعار جمهوری حمایت کنیم (۴۰۰۰)، اما ما می‌توانیم بطریقی در دفاع از دموکراسی بنویسیم و سخن بگوئیم که بهیچ وجه ایده سازش‌پذیری دموکراسی و استبداد سلطنتی الغاء نگردد." (۹)

شرکت کمونیست‌ها در مبارزات علنی جلوه‌ساز است و عمیقاً آنها به سازماندهی اراده مستقل توده‌هاست. بنابراین هیچ معیار ویژه‌ای برای شرکت در مبارزات و تشکلهای علنی، جز حضور توده‌ها در آنها، مطرح نیست. توده‌ها نه تنها می‌توانند از نقطه نظر خواستها و اهدافی که باید دنبال کنند دچار اشتباه گردند، بلکه هم چنین امکان دارد در اشکال سازماندهی و مبارزه نیز راه خطا در پیش گیرند. اما هیچ کدام از این دلایل نمی‌توانند توجیه‌کننده عدم شرکت کمونیست‌ها در مبارزه توده‌ای باشند. برعکس همراهی و همگامی با توده‌ها و در عین حال عدم سازش با خطاهایشان و تلاش برای توضیح راه صحیح، تنها طریق کسب رهبری مبارزات توده‌ای توسط کمونیست‌هاست.

فعالیت کمونیست‌ها در تشکلهای توده‌ای و علنی تماماً باید با هدف دست‌گرفتن رهبری شکل مزبور و تأمین تبعیت آن از سیاستهای حزب، بقیه در صفحه ۲۱

به هیچ وجه نمی‌تواند جنبه علنی داشته باشد و تماماً از طرف سازمان صورت می‌گیرند.

اما با این همه تلفیق کار علنی و مخفی از آنجانب اهمیت حیاتی دارد. راست که هرگاه متوقف گردد، موجودیت حزب و حیات مبارزاتی آن یان خواهد رفت. تمام ضرورت کار مخفی در این است که بتواند ادامه ی رهبری جنبش توده‌ای را امکان‌پذیر کند. تلفیق کار علنی و مخفی آن آری است که کارکرد واقعی این دستگاه مخفی را (رهبری جنبش) متحقق سازد. اگر حزب پیشا جنگ طبقه کارگراست، اگر حزب جزئی از طبقه کارگر است، که آگاه‌ترین و متشکل‌ترین بخش آنرا در برمی‌گیرد، اگر حزب تنها با تار در در میان طبقه کارگر و با بسیج آن است که می‌تواند آگاهی سوسیا - تی را با جنبش کارگری عجین سازد... باید گفت که بدون تلفیق کنار و علنی هیچ معنایی نمی‌تواند داشته باشد.

کار مخفی و کار علنی کمونیستی بدون یکدیگر هویتی نخواهند داشت. نین سازمان مخفی کمونیستی که وجود آن، در شرایط سرکوب و از جمله در زمان انجام هر مبارزه جدی در شرایط دائمی تغییر یافته ضرورت تی دارد، بدون شرکت در مبارزات علنی نمی‌تواند شکل بگیرد. سازمان تی هرگاه در محیط توده‌ای به فعالیت نپردازد به هیچ وجه نمی‌تواند ک و انعطاف‌پذیری لازم را برای واکنش مناسب در برابر وقایع از خود دهد و در هر تنهایی حادثه و در برابر وقایع غیرمنتظره از هم خواهد بود. یک سازمان مخفی که در مبارزات توده‌ای نقش‌نادر خود را نمیتواند زرومد انقلاب منطبق سازد، در بهترین حالت فرقه ایدئولوژیکی است که زبه امر سازماندهی انقلاب و تسخیر قدرت سیاسی نمی‌اندیشد.

هر شکلی از فعالیت نیروهای خاص خود را می‌طلبند

فرقه‌های ایدئولوژیکی یا سازمان‌های آنازیست تنها قادرند یک مدادویک بعد از مبارزه را در خویش و در نیروهای خود متجلی نمایند. اولی ی مطالعه و روشنفکران بی‌عمل را گردمی‌آورد و پرورش میدهد و دومی مردان ان "اهل عمل" را که از تئوری گریزانند و از "ترس و محافظه‌کاری" ه‌ها بیزارند. اما یک سازمان کمونیستی باید از هر استعدادی بهره‌بردار ی بدو هر کس را در جای خود سازمان دهد. یک سازمان کمونیست فعالیت و رزه همه جانبه‌ای را رهبری می‌کند و نه در یک بعد بلکه در همه ابعاد صه‌های حیات اجتماعی و مبارزه طبقاتی می‌جنگد. طبیعتاً تمام افراد آدمی تواننده یکسان رشد نمایند و هر کدام با ادا منتهای متفاوت، نقاط قوت مفی دارند. اما "جنبه‌های گوناگون کار انقلابی، توانایی‌های گونا - می‌طلبند". سازمان کمونیستی تنها سازمانی است که می‌تواند این آئی‌ها را به خدمت بگیرد و پیش از آن، موجودیتش بمنابه یک سازمان اتی همه‌جانبه و موفقیتش در امر رهبری جنبش انقلابی بسته به همین ناشی است.

"تمام هنر اداره کردن یک سازمان مخفی عبارتست از مورد استفاده ردادن هر چیز ممکن، "محول نمودن کاری بهر کس" در عین حال در دست تن رهبری تمام جنبش، البته نه با داشتن قدرت، بلکه از طریق اختیار و تجربه بیشتر، قابلیت انعطاف بیشتر و استعداد... جنبه‌های آگون کار انقلابی، توانایی‌های گوناگون می‌طلبند بعضی اوقات فردی مثلاً بعنوان یک سازمانگر که ملاحظاتی است، استفاده می‌بشد ممکن است وان یک مبلغ بسیار رزمنده باشد و یا اینکه شخصی که در مسائل امنیتی سب‌نیست مروجی عالی بوده و از این قبیل." (۸)

بدین ترتیب برخلاف انواع گرایشهای سکتاریستی که صرفاً توانایی ی را معیار قرار داده و مابقی را تحقیر می‌کنند سازمان کمونیستی باید مای توانایی‌ها ارزش واقعی خود را قائل شده و برای تربیت کارکنان جانبی با استعدادهای گوناگون تلاش نماید. این امر خصوصاً در حال حاضر که یط سرکوب و دیکتاتوری لحام گسیخته‌ای بر کشور ما حکمفرماست از اهمیت سی برخوردار است. در چنین شرایطی به حق مبارزینی که قادرند با س‌سیاسی رژیم به مبارزه برخیزند و از نظر رعایت پنهانکاری بی‌کسم و ت‌بیا شند، ارزش والا‌ی دارند. بدون آنها سازمان مخفی نمی‌تواند به ت‌خود ادامه دهد. اما این مسئله به هیچ وجه نباید موجب این شود که ناشی که قادرند در مبارزات علنی و در سطح توده‌ای نقش سازمانگر ایفا یند، کم‌اهمیت و بی‌ارزش قلمداد گردند.

یک سازمان کمونیستی همانقدر که به کارهای سازمانگری که بتوانند

کارگزار جبر جنبه مستقیم دارد. دهقانان میانه حال به زمین و ماندن درده تمایل و افری دارند. دهقانان میانه حال تا حدود زیادی تحت نفوذ دهقانان مرفه میباشند و تا حدودی یکی از منابع قدرت آنان در دهات به شمار می آید. بدین معنا که آنان را در اداره امورده یاری میدهند و تا حدی از حمایت آنان بهره مندی شوند. با این همه برخی ویژگیهای جامعه سرمایه داری ما در چارچوب مناسبات بین المللی سرمایه داری سبب میشود که دهقانان میانه حال کشور ما با انویس "جل" مشکلات کشاورزی از طریق اصلاحات ارضی بورژوا دمکراتیک و در واقع ارتقاء خود به مقام بورژوازی روستا، دست به جنبشهای بورژوا - دهقانی تقسیم اراضی از پایین بزنند. اهم این جنبشها عبارتند از: اولاً در سرمایه داری ایران با تکیه اجاره بهای نفتی و ورود سرمایه صنعتی و محصولات خوراکی که موجب تراکم و انباشت سرمایه در بخش کشاورزی شده، امر قطب بندی طبقاتی بورژوازی و پرولتاریا را در روستا کند نموده، و آهنگ تجزیه دهقانان میانه حال به بورژوازی و پرولتاریا را کاهش داده است. در عین حال زمینداران بزرگ سرمایه ربائی و تجاری و دستگاه دولتی هنوز در تماس با بخش قابل توجهی از اضافه محصول دهقانان نقش اساسی ایفا می کنند و این امر به تضاد دهقانان میانه حال با دستگاه متمرکز بورژوازی و کراتیک دولتی، زمینداران بزرگ و بورژوازی تجاری و ربائی حدت می بخشد و موجب جنبش بورژوا دهقانی آنان برای مصداق زمین های بزرگ مالکان و دمکراتیزه کردن ماشین دولتی میشود. ثانیاً فقدان هرگونه آزادیهای دمکراتیک که امکان مشارکت فعالانه لاقابل بخشی از دهقانان میانه حال و احزاب آنان را در اداره امور استانها، روستاها و دهات بدهد.

دهقانان میانه حال حامل همان توهمات "راه سوم" یعنی راه "سرمایه داری ملی"، "مستقل و خودکفا" هستند که زمانی بورژوازی ملی پرچم آن را در دست داشت و اکنون اقتدار خرده بورژوازی میانه حال شهری، در مبارزه برای آزادیهای سیاسی و دمکراسی و مصداق اراضی زمینداران بزرگ، دهقانان میانه حال علیرغم توانات خود در مجموع آماده پشتیبانی از جنبش دمکراتیک و ارضی هستند. اما در مقابل انقلاب پرولتری موضع ایمن لایه مردم، توانائی و متزلزل است و پرولتاریا باید این نیرو را خنثی نماید. سیاست خنثی سازی باید با توجه به فشارهای وارده بر این قشر تحت نظام سرمایه داری، یعنی سلب مالکیت در دناک و قهری، اجاره بها و وام های رهن و دیون و بدهی های آنان به بانکها و موسسات مالی و غیره اعمال شود.

پنجم دهقانان مرفه، که عبارتند از کارفرمایان سرمایه دار در رشت زراعت که طبق معمول اقتصاد خود را بوسیله چند کارگزار اجیر اداره میکنند و آنچه آنها را با "دهقانان" مربوط می سازد فقط عبارتست از سطح فرهنگی نازل آنان، نحوه زندگی و کار جسمانی شخصی در زمینهای خود. در میان قشرهای بورژوازی، که دشمن آشکار و قطعی پرولتاریای انقلابی هستند، این قشر پر عده ترین آنهاست. دهقانان مرفه از سه قشر روستائی برخاسته اند: اول، دهقانانی که پیش از اصلاحات ارضی خرده مالکان روستائی بودند؛ دوم، رعایای سهم بر یا اجاره کاری که به طور نسبی سهم بیشتری از نسق زراعی ده داشتند و در جریان اصلاحات ارضی مالک حق نسق خود شدند؛ و سوم، کسبه و صاحبان سرمایه های کوچک روستائی که در جریان سلف خری، ربا خواری و فروش کالاها ی مورد نیاز روستائیان مالک اراضی مزروعی شدند. این قشر دهقانان که غالباً زمین های ۵ تا کمتر از ۵۰ هکتار را دارا هستند ۴۵/۷ درصد کل اراضی را در اختیار دارند و می تانین مساحت زمین مورد بهره برداری آنان ۱۷/۵ هکتار است. جمعیت آنان بالغ بر ۴۲۰/۰۰۰ خانوار یعنی ۱۷ درصد کل دهقانان است. (۱۶) دهقانان مرفه غالباً مالک بهره برداریهای وسیعی هستند که از کارگران مزد و حقوق بگیر نیز استفاده کرده و سهم قابل ملاحظه ای از محصول خود را به بازار عرضه می کنند. در میان واحدهای کمتر از ۵ هکتار در سال ۱۳۶۱ حدود ۲۰۴۰۰ واحد قسمت عمده کار خود را توسط کارگران مزد و حقوق بگیر انجام می دادند (۱۷) در سال ۵۵/۸۰۵۳ درصد واحدهای ۱۰ تا کمتر از ۵ هکتار، بهره برداریهای بودند که قسمت عمده کار آنها توسط کارگران مزد و حقوق بگیر انجام میشدند. (۱۸) قاعدتاً بخش اعظم این واحدها به دهقانان مرفه تعلق دارد. دهقانان مرفه در جریان اصلاحات ارضی و تحولات بعدی، در غیاب اربابان سابق، در بسیاری از روستاها به تحکیم و تقویت موقعیت اجتماعی خود پرداخته و در راس هرم قدرت سیاسی، منزلت اجتماعی و مواهب مادی روستا قرار گرفتند. دهقانان مرفه، همه نهادها و سازمانهای روستائی مانند انجمن ده، خانه انصاف، شرکت تعاونی، خانه فرهنگ روستائی و حتی شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید را

از طریق عضویت در هیئت مدیره آنها زیر نفوذ مستقیم خود داشته و به بیختری از کمکهای نقدی و جنسی و خدمات دولت رابه خود دستگانشان اختصاص میدادند. کدخدان نیز معمولاً از میان این قشر برگزیده شده و به میانه و اراده آنان منصوب می گردید. زمین وسیعتر منشاء منزلت اجتماعی و قدر سیاسی دهقانان مرفه در روستاست که به نوبه خود، بالاخص پس از اصلاحات ارضی موجب تسلط آنان بر سازمانهای روستائی شد، و نقش دروازه بان روستا را در قبال دولت به آنان محول کرد. بهره گیری این قشر از ابزار نوین کشاورزی به مراتب بیش از گروه های پیشین روستائی است و بدلیل تسلط زمین بیشتر از اعتبارات و امکانات خدماتی بیشتر نیز برخوردارند. اینان از ماشین آلات، و چاههای عمیق و نیمه عمیق استفاده می کنند. بدین ترتیب نظام سنتی بهره برداری از آب و خاک رابه ضرر دهقانان فقیر و خرده پایسم میزنند. فرزندان آنان غالباً در شهرها به تحصیل اشتغال دارند و خودشان نیز تماس نزدیکی با شهر دارند. بخشی از دهقانان مرفه ک زمینهای وسیعتری دارند و اغلب با تراکتور شخم می زنند و در مراحل مختلف از کشت و برداشت زمین اغلب کارگزار اجیر و سهم بر را مورد استعما قرار میدهند. دهقانان مرفه به خاطر موقعیت سیاسی و اجتماعی برتر و نیز امکان بالانسبه مناسب مالی، تا حدودی این امکان را دارند که بازار روستا را زیر کنترل خود در آورده و گذشته از زمینداری به فعالیتهای پردرآمد دیگر مانند اجاره گا و کار و تراکتور، سلف خری، ربا خواری، خرید و فروش دکانداری و حمل و نقل نیز بپردازند و بر مجموع درآمد خود بیفزایند. قشر دیگری که فارغ از زمینداری در همین زمینه ها کار میکنند و پس از اصلاحات ارضی و گشوده شدن روستاها رشد کرده کسبه و صاحبان سرمایه های کوچک روستاها هستند. در سال ۱۳۵۵، بیش از ۱۰ هزار نفر به عنوان عمده فروز خرده فروش و بیله و در روستاها فعالیت داشته اند. (۱۹) این قشرها همواره دهقانان مرفه ای که صاحب سرمایه های کوچک هستند، قسمت قابل ملاحظه از سرمایه روستائی را تحت کنترل داشته و نفوذ خود را بر تمام نظام تولید کوچک کالائی - تجاری گسترده اند. غالباً دهقانان به دکانداران، سلب خران و ربا خواران بدهکار رند و هر نوع حمایتی از پرولتاریای روستا، دهقانان فقیر و دهقانان خرده یا مستلزم تشدید مبارزه با دهقانان مرفه میباشد. معذبا باید توجه نمائیم که نفوذ مقدم دیکتاتوری خشن دولتی بورژوازی و مالکین بزرگ ارضی در روستاها و آهنگ کند انباشت سرمایه کشاورزی از یکسوی و پراگندگی وسیع روستائیان و وضع بسیار بدبیطامولاملاتی از سوی دیگر، روند مبارزه پرولتاریا با دهقانان مرفه را پیچید و کند می نماید، و جنبه دمکراتیک مبارزه برای آزادیهای سیاسی و سلب مالکیت از زمینداران بزرگ را در گام نخست از فوریت بیشتری برخوردار میکند. در این مبارزه دهقانان مرفه خطت بینا بینی داشته و از خود گریز ارتجاعی و تمایلات فدا انقلابی بروزی دهند. اما با برجسته شدن خطت کالگری و زحمتکشی انقلاب خلقی، این لایه جانب بورژوازی را برخواهد گزید و ما باید همواره این نکته را در نظر داشته باشیم که در زمانی که پیروزی پرولتاریا بر مقاومت دهقانان مرفه به حد کمال نرسیده است، توده های پرولتاریای روستا، نیمه پرولتاریا و دهقانان خرده پانمی توانند قدرت دولتی پرولتری را کاملاً استوار بدارند.

پنج قشر مذکور جمعیت دهقانی کشور ما را تشکیل میدهند. اکنون ضروریست نگاهی هر چند گذرا به سرمایه داران ارضی یا بورژوازی بزرگ روستا بیفکنیم که عمدتاً با استحاله بزرگ ملاکین فئودال پیشین به قشر نوین بورژوازی تکوین یافت. سرمایه داران ارضی، بورژوازی بزرگ روستا با این سرمایه صاحب مستقیم دولت و مشارکت سرمایه انحصاری جهانی و با اتکانه روشهای قسرو وسطائی سلب مالکیت از خرده مالکین متراکم گشت، روشهایی که شابهت به "حصار کشی" نبود. سیاستهای ارضی و کشاورزی دولت از او خرید، ۱۳۴۰ بیشتر معطوف به گسترش واحدهای بزرگ سرمایه داری کشاورزی در بخش خصوصی، دولتی، و خصوصی - دولتی بود. در او خرده گذشته این انوس واحدهای بزرگ سرمایه داری در مناطق روستائی ایران فعالیت داشتند (۱) واحدهای بزرگ دولتی و نیمه دولتی شامل واحدهای صنعت بزرگ دولت با ۱۵۵ هزار هکتار زمین و با بودجه سالانه حدود ۱۴ میلیارد ریال (بودجه سال ۵۹) ۲۳ شرکت سهامی زراعی با ۲۱۵ هزار هکتار زمین (که در نتیجه مبارزات دهقانی، اکثریت این شرکتها منحل شده و تنها ۵ شرکت باقی مانده است که مدیریت آنها دولتی و سهام آنها متعلق به دهقانان زمینداری بود که

مسب اندازه زمینی که به شرکت واگذار کرده بودند (ویا به زور مجبوره گذاری شده بودند) از شرکت سهام دریافت می داشتند و شرکت تعاونی نیدیا ۱۰ هزار هکتار زمین که بخش دولتی با دان وام و مشارکت درواحد، نرل تولید و فروش محصولات کشاورزی در دست داشت (۲) حدود ۱۰۰ هزار هکتار اعی شامل کشت و صنعت های خصوصی و واحدهای بزرگ ماشینی جمع های صنعتی گوشت و دامداری های بزرگ با حدود ۱۴۵ هزار هکتار زمین بهره برداری های متوسط و بزرگ (بیش از ۵۰ هکتار) که حدود ۲۶ هزار واحد بوده و بیش از ۲/۶ لیون هکتار از اراضی را در اختیار داشتند. بانک توسعه کشاورزی ایران با تخصیص ارضی دولتی، کمکهای بلاعوض و اعتبارات و وام های کم بهره به واحدهای بزرگ توسط راهی پیدانان یاری فراوان رسانید. مضافاً بانک توسعه کشاورزی به سبب بانک منطقه ای و موسسه سرمایه گذاری کشاورزی و نیز به مشارکت ۴۶ شرکت بزرگ کشاورزی اقدام کرد. کمکهای متعدد دولت در زمینه شینی کردن کشاورزی نیز که سهم عمده آن نصیب واحدهای بزرگ می شد، نوبه خود نقش موثری در رشد و توسعه مناسبات سرمایه داری در کشاورزی شته است. بورژوازی بزرگ به منظور بهره برداری کامل از منابع آب و خاک و مایه گذاری در تولیدات کشاورزی حدود بیست منطقه را مشخص و به عنوان غلبه های کشاورزی نامیده بود. عمده سرمایه گذاری های فوق الذکر در همین بها واقع شده بودند (قطبها با یکدیگر ۷۰۰/۳۴۰/۴ هکتار زمین را شامل می سی (به علاوه راه های ارتباطی که در برگیرنده راه های اصلی است) می گردید، به طور کامل منطبق بر نقشه قطبهای کشاورزی بود. (۲۰) به علاوه، در نتیجه اطلاعات ارضی و سیاستهای کشاورزی دولت از سو واحدهای کوچک غیر اقتصادی افزایش یافت و از سوی دیگر با مداخله شرکت مستقیم دولت، تمرکز ارضی در بهره برداری بزرگ در مقایسه نبل از اصلاحات ارضی افزایش با اهرم بیشتری پیدا نمود.

حال ما با توجه به آمارهای موجود از ۵۰ هکتار به بالا را اجزای پایه داران بزرگ ارضی و بزرگ مالکین قلمداد می کنیم. اینان (که خوانین، اربابها، سالیلات و "سردارها" را نیز شامل می شوند) با جمعیتی بالغ بر ۸۰۰ / ۲۵ سوار، یک درصد کل زمینداران را تشکیل می دهند که ۱/۵ درصد کل اراضی روعی یعنی ۳/۵ میلیون هکتار زمین را صاحب هستند و بخشی از آنها، مالکین نا کمتر از ۱۰۰ هکتار به طور متوسط ۶۶ هکتار زمین را صاحب هستند و بخش دیگر ۱۰۰ هکتار و بیشتر که ۴/۰ درصد زمینداران را تشکیل می دهند، به طور متوسط ۲۵۶ هکتار زمین را مالکند و اقشار مختلف دهقانان را مورد استعمار قرار دهند. (۲۱) اکثریت بورژوازی بزرگ روستایی ریشه در بزرگ مالکان قبل اصلاحات ارضی دارند و از اربابان، سران دولتی، اشراف و خلاصه صاحب نتان شهر نشین تشکیل می شده اند. روسای ایلات و عشایر، صاحبان سرمایه بزرگ بخش خصوصی و لایحه ممتاز که کارمندان ملیت رتبه دولتی استخوانندی رزوازی بزرگ کشاورزی را تشکیل میدادند، بورژوازی بزرگ کشاورزی که بطور یم یا توسط مباشرین خود با استعمار منظم نیروی کار اجیر شده دهقانان

- خرده یا (و اغلب حتی دهقانان میانه حال) در مناطق زیر نفوذ خود متوسل می شوند و هیچگونه شرکتی در کار جسمانی ندارند و اکثر از خاندان اربابان سابق فتودال می باشند، خلعتی به تمامی ضد انقلابی، دارند و پروولتا ریاد را کام نخستین باید آنان را در هم گوید. (ادامه دارد)
- منابع
- (۱) احمد اشرف دهقانان، زمین و انقلاب در مجموعه مسائل ارضی و دهقانی، کتاب آکا، تهران ۱۳۶۱، ص ۲۴.
 - (۲) همانجا، ص ۹.
 - (۳) نتایج آمارگیری کشاورزی روستایی ۱۳۶۱، وزارت برنامه و بودجه مرکز آمار ایران، ص ۶۲ و ۶۵.
 - (۴) احمد اشرف، همان منبع، ص ۱۰.
 - (۵) بابک قهرمان، دیباچه دشت درباره کشاورزی تجاری در ایران، همان مجموعه، ص ۱۴.
 - (۶) احمد اشرف همان منبع، ص ۲۱.
 - (۷) آمارهای روستایی و کشاورزی ایران، همان مجموعه، ص ۱۸۵.
 - (۸) نتایج آمارگیری کشاورزی روستایی ۱۳۶۱، محاسبه ما بر حسب داده های ص ۵۹ همین منبع آماری.
 - (۹) احمد اشرف، همان منبع، ص ۱۴.
 - (۱۰) درباره اطلاعات ارضی و نتایج مستقیم آن، سری تحقیقات روستایی سازمان چریکهای فدایی خلق (۱)، ص ۹۶.
 - (۱۱) آمارهای روستایی و کشاورزی ایران، جدول ۹، همان مجموعه، ص ۱۸۵.
 - (۱۲) نتایج آمارگیری کشاورزی روستایی ۱۳۶۱، با احتساب در صد فقط ملکی به فقط اجاره ای در محاسبه ما، بر پایه داده های ص ۵۹.
 - (۱۳) آمارهای روستایی، همانجا.
 - (۱۴) منتخب آثار لنین، ترجمه فارسی، ص ۷۷۲.
 - (۱۵) آمارهای روستایی، همانجا.
 - (۱۶) همانجا.
 - (۱۷) نتایج آمارگیری کشاورزی روستایی ۱۳۶۱، محاسبه بر پایه داده های ص ۶۴.
 - (۱۸) آمارهای روستایی، همانجا.
 - (۱۹) احمد اشرف، همانجا، ص ۲۰.
 - (۲۰) احمد اشرف، همانجا، ص ۱۷ و ۱۶. نیز سید وحید فلاح ماشینی شدن کشاورزی در ایران، همان مجموعه، ص ۱۰۲ الی ۱۰۵.
 - (۲۱) آمارهای روستایی، همانجا.

ناله از صفحه ۱۹

طبقه کارگر وجود ندارد. وفاداری با اصول انقلابی، عدم چشم پوشی از هدف نهایی و انعطاف در سازماندهی، یعنی تلفیق کمونیستی کارمخفی و علنی تنها راه موفقیت است. پس تلفیق کمونیستی کارمخفی و علنی راهشیا را نه فراگیریم و بلشویک و اریکار بسندیم.

زیر نویسها

- (۱) لنین، چه باید کرد؟ ترجمه فارسی، منتخب آثار.
- (۲) لنین، نامه بیک رفیق...
- (۳) لنین، سیر قهرانی در سوسیال دموکراسی روسیه، جلد ۴ مجموعه آثار، ترجمه انگلیسی.
- (۴) لنین، دوتاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک
- (۵) لنین، چه باید کرد؟ ترجمه فارسی
- (۶) قطعاتنامه و تصمیمات حزب سوسیال دموکرات روسیه - ترجمه فارسی ص ۱۷۹
- (۷) لنین، چه باید کرد؟ ترجمه فارسی
- (۸) لنین، نامه بیک رفیق... (ج ۶، ص ۲۴، ترجمه انگلیسی)
- (۹) لنین، مبارزه انتخاباتی و بلاتفرم انتخاباتی، (ج ۱۷، ص ۲۸۲، ترجمه انگلیسی)

رت کرد. اما این هدف تنها می تواند از طریق فعالیت آکا هگرانسه و زماندهی مبارزات توده ای بدست آید و به هیچ وجه نباید استقلال و ابتکار نه ای و وحدت و یکپارچگی آنها را به مخاطره اندازد. در این رابطه باید بتوجه تمامی روشهای سکتاریستی و فرقه گرایانه که تنها موجب پراکنده ن توده ها و تجدید امنه نفوذ و فعالیت تشکلهای توده ای خواهد شد، هشدار

کمونیستها نمی توانند جز از طریق حضور در مبارزات توده ای، جساراز یق شرکت در فعالیتهای علنی و تلاش بیگرو و مصورانه برای ارتقا آکا هی ازمان پذیرد توده ها، رهبری مبارزات توده های وسیع را بدست گیرند و ین وسیله راهائی ازین دست سرمایه داری را امکان پذیر گردانند. در این یر آنها باید بیاموزند که چگونه سازمان خود را بر بنیاد شرایط و وضعیت ده ها انطباق دهند، آنها باید بیاموزند که چگونه بدون اینکه یک لحظه داف نهائی جنبش را فراموش کنند و با در عمل رها سازند، پرچم آئینده را در ل برافرازند و راه عبور به آئینده را هموار نمایند، آنها باید بیاموزند چگونه با زبان توده ای سخن گویند، ایده های پیچیده را قابل فهم و موس گردانند و در یک کلام چگونه کمونیسم را زبان ملی منطبق و بسو وضعیت خص ترجمه نمایند. هیچ چیز سحرآمیز و ناشناخته ای در این تلاش برای هائی

وقایع و حقایق

«نشه کردن» نمایش تازه‌ای از عدالت اسلامی و قوانین فقهی!

جمهوری اسلامی در میان توفان دست‌وپا میزند و برای نجات خویش احکام ارتجاعی و وحشیانه قضاوت اسلامی را خدمت گرفته است. بعد از کشف "محیر العقول!" "ماشین منگنه سازی"، دستگاهی که بطور اتوماتیک انگشتان دست را جدا می‌کند اینک نوبت منگنه سازی انسانها در ملاعام و احیاء توحش و بربریت قبایل بدوی بعنوان اجرای عدالت اسلامی فرا میرسد!

ری شهری جنایتکار روزی با اطلاعات و سر دسته آدمکشان حرفه‌ای و مزدوران شکنجه گر طی صاحب درسمنان به زمینه سازی این تاکتیک جدید پرداخت و در گفتگو با خبرنگاران در خصوص متهمان انفعلم اظهار داشت: با توجه به نظر "آیت‌الله مشکینی" و "آیت‌الله مانهی" این افراد قبل از این که مجازات خود را بپردازند باید در زندان بمانند و در جرم خود محاکمه شوند. در این باره آقایان آراشودوی افزود: کسانی که دست، پا، گوش، چشم و... در این بسم‌گذاریها از دست داده‌اند، حق دارند از این افراد قصاص کنند و امیدوارم که قوه قضائیه اینکار را انجام دهد. (کیهان ۶۸/۶/۱۸)

اگرچه زیر فشار، افکار عمومی و وحشتناک اعتراضات شده‌ای علیه احکام الهی قرآن، "شورایعالی قضائی" از تأخیر برای "دادگاه انقلاب اسلامی قم" دایر بر منگنه کردن سه متهم بسم‌گذاری امتناع و حکم به اعدام در ملاعام داد. اما این عقب‌نشینی به‌جوجه معنی آن نخواهد بود که رژیم ولایت فقیه منگنه کردن انسانها و اجرای احکام جنایتکارانه و وحشیانه قصاص اسلامی خودداری کند. شاهد مدعی، سنگسار زنان در چندین شهر و قطع اعضای بدن خصوصاً زنان افراد در ملاعام در شهرهای مختلف کشور و زدن و آرزیدن جوانان انقلابی کوردها و صدها جنایت‌خیز و بربر منگنه‌ها دیگر است که هر روز توسط فقه می‌گردد. فقه‌های جنایتکارانه به انواع و اقسام شکنجه‌های جسمی و روانی کینه و مدردن بنام تعزیر و احکام شرع روی آورده‌اند اینک ردیالانه تراز همیشه، منگنه کردن انسانها یعنی بریدن گوش، بینی، دست و پا و آرزیدن چشم و حنجره و قلب را به عنوان قصاص اسلامی و اجرای احکام الهی و فقهی فتوای دهند!

قانون ضد بشری قصاص و اجرای آن علیه مردم زجر دیده و محروم ما، وظایف سنگینی را بر سر دموکریستها و همه آزادیخواهان کشورمان می‌گذارد تا با افشای چهره کربه‌وفوق ارتجاعی رژیم اسلام در مقابل اجرای احکام قصاص (سنگسار، قطع اعضای بدن، شلاق زدن، دار کشیدن) مقاومت کنند و نگذارند که احکام جنایتکارانه به اجرا در آید و در هر منگنه که رژیم و مزدورانش قصد اجرای احکام را دارند از قبل با بیخ‌اطمینان اعلامیه، تراکت و شعار نویسی مردم را به مقابله سازمان یافته و فقه علیه اجرای این قوانین بسیج کنند و با روشنی و قاطعیت جدائی کامل مذهب از دولت را تبلیغ کنند. مردم نشان دهند که قوانین ضد بشری قصاص جزئی از مذهب و جزئی از رسالت فقه‌ها برای مردم ماست و نه با سرنگونی این رژیم و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق می‌توان به رهائی واقعی از شر قوانین مذهب و ضد بشری دست یافت.

جرم «زن» بودن

در صفحه شش کیهان سیزده شهریوردو خبر درج شده است که ضمن افشای ماهیت پلیس و خدانشانی و ذدن فقه، بیانگر این واقعیت است که فشار بیش از اندازه رژیم موجب تمام شدن تحمل مردم و علنی شدن اعتراضاتشان گردیده است. خیر اول نامه مادر است که دخترش را تنها به جرم پوشیدن مانتوی روشن،

قفل درب بسته‌ای!

تمام بشریت مترقی پذیرفته است که ارتکاب جرائم مقدم بر هر چیز دلائل اقتصادی و اجتماعی دارد و در پی رفع تمام ناسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی باید به کشودن مشکلات و مسائل روانی و انگیزه‌های فردی پرداخت اما جمهوری اسلامی می‌خواهد با تهور و توحش عصر بربریت بر تمام دستاوردهای علمی، اجتماعی و اخلاقی بشریت پشت‌بازده قوانین ارتجاعی خویش را بنام احکام شرع جایگزین آنها سازد!

«حدس سرق» برای چه حد از سرق است؟! «

به گزارش خبرنگار حوادث کیهان چهار انگشت دست یک سارق بنام حسن اکبری - دستگاه مخصوص در قلع جنوبی پارک شهر تهران قطع شد. (کیهان ۶۸/۷/۲۲). قطع اندام های معنویان اجرای حد صرف نظر از اینکه صرفاً اقدامی است ارتجاعی و مبارزه‌ای ارتجاعی تریبا معلول در عین حال جنایتی است علیه بشریت که سرق را نه معلول ناسامانیهای جامعه که معلول فطرت میدانند - "حدس سرق در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق است از انتهای آن بطوری که انگشت شست و کف دست او باقی بماند (البته نه برای کار کردن بلکه برای سجده کردن) و در مرتبه دوم قطع پای چپ سارق از پانزدهم برآمدگی است بنحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسجوی باقی بماند (باز هم برای اینکه وضوی وی کامل باشد) و در مرتبه سوم سارق محکوم به حبس ابد میشود و در مرتبه چهارم اگرچه در زندان دزدی کند حدش اعدام است.

تبصره ۱ - سرقتهای متعدده تا هنگامی که حد جاری نشده حکم یکبار سرقته را دارد.
تبصره ۲ - هرگاه انگشتان دست سارق بریده شود پس از اجرای این حد، سرقته دیگری که قبیل از اجرا حد مرتکب شده از او ثابت گردد پای چپش بریده میشود. (ماده ۱۸ اذلیحه قصاص و حدود اسلامی).

در مورد کارگزاران رژیم که مبادرت به اختلاس‌های بسیار کلان می‌کنند و پورنده اختلاس دومیلیارده تومانی و هفتصد و پنجاه میلییون تومانی از آنها رومی گردید حد سرقته جاری نمیشود چون تیشه دهنش را نمی تراشد و فقط رای بر جریمه و استرداد وجوه ما زاد بر سود عادلانه اسلامی! داده میشود. جنایتکارانی که روزانه میلییون ها تومانی از کارگران و تهیدستان شهر و روستا سرقته میکنند از آزادی کامل برخوردارند زیرا اختلاس از بودجه کشوری، دزدی از اموال دولتی، احتکار و گران - فروشی از مصداق با سرقته تلقی نمی شود و مشمول مجازات سرقته و قانون ارتجاعی، حیوانی و قرون وسطائی حدود و قصاص نمی گردد. اما انسان بی پناهی که نمی تواند شغلی پیدا کند و منبسط درآمدی ندارد و با جامعه غرق در فساد و ارباب فباهی کشانیده مجازاتش منگنه شدن اندامها است. در خبرها آمده بود سارقی که در مشهد چهار انگشتش قطع شده بود هنگام سرقته مجدداً هواز بدام افتاد (کیهان ۶۸/۶/۲۹). راستی در جامعه بحران زده ماکه تحت رژیم فقه‌ها صدها هزار نفر بدلائل سیاسی و میلییون ها نفر بعلت تداوم جنگ ارتجاعی برون مرزی و درون مرزی بیکار شده اند و کار برای آدم های سالم وجود ندارد، اختصاصی که یکدستان و بیایکدست و یکپایان منگنه شده و همگان می دانند که آثار شوم اجرای حد سرقته است چه ناشی برای یافتن کار در اردوچه کسی به آنها اطمینان میکند! و در سایه شوم خفاشان حزب الهی چه دری بروی آنان کشاده است - جز صعود از دیوار خانه خالی از سکنه‌ای! و بیاکشودن

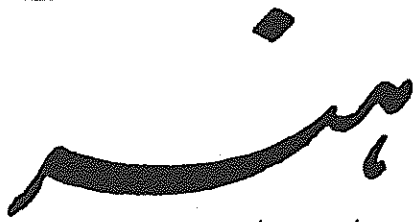
باز داشت کرده و شنیدن این خبر موجب سکنه ا گردیده است. ما موران جنایتکار رژیم هنگه آزاد کردن دختر به او می‌گویند: "لباس بپوشید عیبی ندارد ولی سعی کن رنگ مانتو را تیره انتخاب کنی!"

خبر دوم اخراج مدرسین زن کلاسها آموزشی کتابداری برای کتابداران است که تحت عنوان اسلامی کردن ضوابط برگزاری کلاس صورت گرفته است. خانم استاد که به حق سبب برآشفته است، با بیان طنز آمیزی که تریس کننده چهره و ذدن و خدانشانی رژیم عهد قیامت است می‌گوید: "چرا اقل به فکراین نیفتادید که تشکری مختصر بکنند و آنگاه زن راهم جو شیی عتیقه به کناری بگذارند! ..."

در زکردن این اخبار که هر روز هزار نمونه آن در کشور بلا کشیده ما اتفاق می افتند در روزنامه مزدور رژیم، تجلی گسترش ابع ناراضی عمومی است که از مرزهای سانس گذشته است!

جدائی دین از دولت نخستین اصل دمکراسی است!

مادر



اوراکه بادمیدن لبخنده اش به دشت
صدها هزار سبزه بی باک
سرمی زند خاک
در خاطرات سبز و بهاریتان
آیا بیاد دارید ،

سیمای روشنش را می گویم؟
- آخر کدماشان را می گوئی مادر؟
با این نشانه ها که توداری

- آنجا میان بند -
از این سپیده های بهاری ،

بسیارند!

در چشم هر کدام از آنان ،
لبخند صد ستاره روشن ،
میسوزد!
در این میان ،
سپیده تو مادر!

آخر کدماشان است؟
مادر تبسمی کرد!
خورشید جا ن فروزا میدی
در چشم سرد و غمزده اش ناگاه
روشن شد .

- مادر ترا چه می شود اکنون؟
بر آسمان سبز کدما مین خیال شاد
لبخند می زنی؟

در بی قرار ی سوزانش مادر گفت:
- صدکا روان سپیده و یک شب!
شبهای سرد و تار زمستان از این قرار
با این همه سپیده ، نمی پاید!
لبخند من به چهره فرداست
آنگاه

بر جاده سپید برفی می دیدمش
با اشک شادمانه بر می گشت
تا خانه را گلاب بیاشد .

آذر

برشانه های دشت
برفی ملول و سنگین
ره بسته بود بر نفس خاک .
شب در تمام روزنه ها
جا خوش نموده بود .
در زیر تسمه های سیاه و باد
اما ،

یکباره خطِ سرخِ افق را
تصویر آشنائی

در هم ریخت
هشیار شد زمین با عطری از بهار
که انگار

همچون پرنده ای از دور

با بالهای کوچک و خونین ،
مادر بود .

★ ★ ★

مادر بجستجوی عزیزی
سرگشته چون نسیم
با گامهای کوچک و پیگیری
هر سومی دوید .
آکنده از غرور و صلابت ، اما
از بی قرار ی می سوخت
زیر و با دوباران

هر دم نشان گمشده می پرسید:
- او را ندیده اید عزیزان؟
فرزند روشنم را می گویم .
گفتند: او کجاست؟

- در بند سرد و شوم زمستان
- نامش؟
- نامش سپیده است .
- دارید یک نشانه روشن؟
- یک نشانه روشن؟

آری

از آن سپیده های بهاری
کز هرنگاه شان

رنگ از سیاه چهره شبها پریده است!

رسوائی میلیتاریسم آمریکا در «ریگپاپک»

ملاقات میخائیل گورباچف و رونالد ریگان در ریگیا ویک با بیخت ایسلند، یکبار دیگر اهمیت مبارزه برای صلح و اهداف یکلی متفاد نیروهای سوسیالیسم و ارتجاع امیریا لیستی را نشان داد. این اجلاس که به پیشنهاد اتحاد شوروی برگزار شده هدف تبادل نظریه‌ها و تلاش برای دست‌یابی به چارچوبی که امکان کاهش هرچه بیشتر زادخانه‌های اتمی و جستجوی راه‌هایی برای توقف مسابقه تسلیحاتی را داشت تا شاید در کار مذاکرات چندگانه کنترل مسابقه تسلیحاتی و کاهش سلاح‌های هسته‌ای، که در جلسات متفاد مورد بررسی و مذاکره کارشناسان قرار دارند، پیشرفتی حاصل شود. این مذاکرات خلع سلاح بدلیل مخالفت‌های امیریا لیسم آمریکا عمل در حالت بلا تکلیف وین-بست قرار گرفته اند و تمام پیشنهادات اتحاد شوروی نظیر قطع کلیه آزمایشات هسته‌ای (که خود این کشور بیش از یک سال است بطور داوطلبانه و یکجا نیه خود را ملزم به مراعات آن کرده است) و نیز پیشنهاد حذف تدریجی کلیه سلاح‌های هسته‌ای، هیچکدام پاسخی از طرف مقابل دریافت نکرده اند، گوش میلیتاریسم آمریکا در برابر تمام این پیشنهادات صلح طلبانه در جهت اجتناب از جنگ هسته‌ای ناشناخته باقی مانده است. این ناشناخته‌ها البته ناشی از ذات جنگ طلب امیریا لیسم بطور کلی و منافع ماحیان صنایع تسلیحاتی در این مقطع از وضعیت بحرانی جهان سرمایه، بطور مشخص است. حقیقت اینست که با به دراز کشیدن عمر امیریا لیسم عنصر کنش‌دهی این نظام هرچه بیشتر در افزایش نقش بخش تولید سلاح‌های مرکبار، یعنی تسلیحات اقتصاد دیتا امیریا لیستی خود می‌نمایاند. امری که به قدرت‌گیری بیش از پیش این جناح انجام می‌دهد است. جناح‌های میلیتاریست بورژوازی در بیشتر کشورهای امیریا لیستی نقش مسلطی پیدا کرده اند و با تخصیص بخش هرچه بزرگتری از بودجه عمومی ملی به تسلیحات در حقیقت به نوعی با تقسیم درآمد ملی به نفع ماحیان صنایع تسلیحاتی دست می‌زنند. این در عین حال "پاسخ" امیریا لیسم به بحران اقتصادی موجود نیز هست. این "پاسخ" اما شمشیری دولبه است از یکسویا ایجاد تقاضا دربار تسلیحات (مبارزات افسانه‌ای دولتی) نوعی شبه رونق در این بخش پدید می‌آید که با خود افزایش اشتغال محدودی در این بخش صنعت و خدمات وابسته به آن فراهم می‌آورد و از سوی دیگر ویژگی این محصولات یعنی اینکه نه توسط کارگران و نه سرمایه‌داران مصرف نشده بلکه تنها در یک جنگ به مصرف می‌رسند و نیز بدلیل رشد سریع تکنولوژی در این بخش خیلی سریع کهنه شده و زرده‌ها را می‌شوند، خود را در خدمت شیدای تورم‌زای این بخش نشان می‌دهد. نتیجه اینست که افزایش بودجه تسلیحاتی یعنی افزایش تورم در درجه‌های گردش تولید و کاهش درآمد واقعی توده مردم. یعنی اینکه کارگران و حقوق‌بگیران این کشورها نه تنها با کاهش سهم هزینه‌های عمومی عام (منطقه نظیر آموزش و پرورش و بهداشت عمومی، حمل و نقل ارزان، خانه سازی دولتی ارزان و...) در سهمیه بودجه عمومی روبرو هستند بلکه با هزینه تسلیحات

را نیز با کاهش درآمد واقعی خود بیعت تورم و نیز مالیات مستقیم، می‌پردازند. این زمینه سازی مناسبی برای سیخ این توده‌ها علیه میلیتاریسم فراهم می‌کند که با دیده آن توجه کرد. اما بورژوازی میلیتاریست که با موج بلند رکود اقتصاد سرمایه‌داری روبرو است و در میان بحرانی مزمن، تعمیم یافته و ساختاری دست‌وپا می‌زند، مانند غربی که به هر شاکی چنگ می‌اندازد، چشم به این دروهای موقتی "دوخته" است و گذشته از آن، هراسناک از پیدایش مدهای اجتماعی ادا مبحران، ترجیح می‌دهد که زمین در یک جنگ هسته‌ای نابود شود تا آنکه سوسیالیسم بر او پیروز شود. پیش از پیش به سیاست تقویت تسلیحات، و بویژه سلاح‌های هسته‌ای، روی آورده است. پس از یک موج بلند رونق، که در کنار آن پیروزی و پیشروی بلاوقته نیروهای انقلاب سوسیالیسم نیز صورت گرفت و تحمل سیاست همزیستی مسالمت آمیز با اردوگاه سوسیالیسم (آنچه اصطلاحاً "دندان" یا "تشنج زدانی" نیز خوانده می‌شود) برای نزدیک به یک دهه، بازگشت به سیاست جنگ سرد و تشدید بی‌سابقه مسابقه تسلیحاتی سیاست جناح غالب امیریا لیسم آمریکا را تشکیل می‌دهد. طرح "جنگ ستارگان" ریگان درست در همین راستا معنای واقعی خود را پیدا می‌کند.



NO!

منافعی که از این طرح عاید جناح میلیتاریست امیریا لیسم می‌گردد در مقایسه با، مثلاً، نفع حاصل از مناسبات بازرگانی عادی و رقابت اقتصادی میان کشورهای سوسیالیستی و امیریا لیستی بطور بی‌تناسبی زیاد است. آمار مربوط به این طرح خود بسیار گویا هستند. کل هزینه اجرای "جنگ ستارگان" به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. حدود ۲۶ میلیارد دلار "هزینه تحقیق" در فاصله ۸۵ تا ۸۹ برای این طرح پیش بینی شده است که تنها ۲۰۰ میلیون دلار آن برای شرکت‌های خارجی "در نظر گرفته شده است (امری که

در کنار رنکات دیگر، نشان می‌دهد آمریکا به هیچ وجه قصد ندارد این "غنیتم" را با متحدین اروپا شرم خود تقسیم کند و بر عکس قدسیت و فاصله گرفت از آنها را نیز در دتا سرکردگی بخاطر فتاده خود مجدداً تثبیت کند. تاکنون بیش از ۱۰۰۰ قرارداد جرب و نرم میان وزارت دفاع و شرکت‌های آمریکا امضاء شده که عدد مدکل آنها به ۱۰۰ مشتری دائمی وزارت دفاع آمریکا (بوشینگ، لاکهید، تی-آر، دلبلیو، سیکورسکی، جنرال موتورز و...) تخمین داده شده است. تنها بوشینگ و تی-آر - دلبلیو بیش از یکصد میلیون دلار، در سال ۸۵، "بودجه تحقیق" از خزانه دولت گرفتند. این حقایق بخوبی علل "دلبستگی" ماحیان صنایع تسلیحاتی به این طرح را افشا می‌کند.

از نقطه نظر نظامی این طرح که حفاظت از سلاح‌های هسته‌ای موجود در خاک آمریکا، استقرار سیستمی از سلاح‌های لیزری ضد موشک و ماهواره، را هدف دارد، نه تنها باعث کاهش جنگ تسلیحاتی به فضا می‌شود بلکه از آنجا که سراب کسب برتری قطعی تسلیحاتی بر اتحاد شوروی و توانائی "وارد آوردن ضربه اول" را در افق دید پنتاگون تصویر می‌کند، خطر جنگ هسته‌ای مرکبار را به طور کم نظیری افزایش می‌دهد. تاکنون هراس از نابود شدن متقابل "دراثر" پاسخ اتمی "اردوگاه سوسیالیسم باعث میشد که ژنرال-های پنتاگون دست به ماشه بزنند و حال طرح "ابتکار دفاع استراتژیک" (SDI)، نشان قلمبه سلمیه طرحی که به حق به "جنگ ستارگان" معروف شده است، قرار است سپرده‌ای لازم را فراهم آورد تا به اتکاء آن امکان حمله غافلگیرانه بدون هراس از پاسخ طرف مقابل فراهم شود. این امکان فرضی بازگشت به دوران شانزدهم و نهمی و به زانو در آوردن اردوگاه سوسیالیسم با تهدید به حمله، شدت زنی‌های آمریکا را قتل‌گند می‌دهد. اینکه امکان تئوریک ویا عملی محقق کردن چنین طرحی چقدر وجود دارد و اینکه چه موه

و چگونه اتحاد شوروی پاسخ مناسب را خواهد داد (کاری که این کشور بدمت چهار دهه با موفقیت انجام داده و علت اصلی عدم وقوع جنگ هسته‌ای نیز همین توانائی اتحاد شوروی در حفظ موازنه قوا بوده است) نکاتی نیستند که در اینجا مورد نظر باشند. نکته اصلی توجه به این حقیقت است که اهمیت جنگ ستارگان بیش از هر چیز در اینست که تجلی استراتژی‌ها و ترسین جناح امیریا لیسم آمریکا، یعنی "راست‌نویسن" در مناسبات بین دوا اردوگاه، همین طرح مشخص است. این طرح عملی حلقه اتصالی تمام نظریه پردازان جناح میلیتاریست و هارا امیریا لیسم آمریکا، و به یک نسبت معین، کل امیریا لیسم جهانی بدل شده است. در آستانه ملاقات ریگیا ویک، بمحض آنکه ریگان، زیر فشار افکار عمومی و مقبولیت عمومی طرح‌های ابتکاری اتحاد شوروی، اشاره کرده که حاضر است دربار جنگ ستارگان نیز به مذاکره بپردازد، متحدین خود و در "راست‌نویسن" به پرخاش پرداختند. جک کمب، قهرمان سابق فوتسال آمریکا که وگا تئیدای جانشینی

ریگان در حزب جمهوری خواه سنا توردول (DOLB)، بطور جدی گمانه علیه هر نوع "نرمش در برابر کمونیستها" هندا ردا ده و در باره اینکه گویسا ریگان "تغییر موضع داده و پسا سیفیست" شده است ابراز نگرانی کردند. از جانب دیگر برزیلنکی، مشا و سابق کار توردو باره خطراینگه ریگان "میراث نگران کننده ای در سیاست خارجی" به جای بگذارد و تمام تلاشهای چند سال اخیر در کسب برتری نسبت به شوروی را ناکام بگذارد، داد سخن داده و مهمترین از همه کی سینجر، رویا ه کهنه کارا میریالیسم، طی مقاله ای در نیویوریک، زیر عنوان "خطر در اجلاس سران؟" راجع به "خطر با زکشت به سو تفاهم دتانت و همزیستی مسالمت آمیز"

سویا لیسم با میقتا رند.

در چنین وضعیتی رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی، با ارائه پیشنهادات روشن افکار عمومی جهان را خطاب قرار داد. میخائیل گورباچف ضمن تمهید مهلت خودداری یک جانبه از هرگونه آزمایش هسته ای، برجیدن فوری موشکهای هسته ای میان برد در اروپا، کاهش زرادخانه اتمی هر دو کشور به میزان ۳۰ تا ۵۰ درصد، منع استقرار سلاحهای هسته ای در فضا، محسودود کردن هر نوع کار در مورد سلاحهای فضائی به حوزه صرفا تحقیقاتی بمدت حداقل ۱۵ سال، ادا مسه رعایت قرار دادهای دهه هفتاد (سالست ۲۰) و تقویت مفاد قرار داد مربوط به "سلاحهای ضد موشکی" (A.B.M) امضاء شده در سال ۱۹۷۲ را بر سر

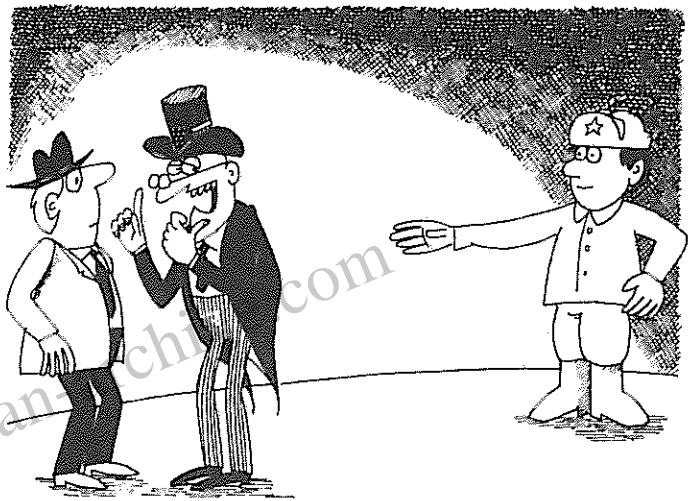
"راست جدید" پشنتا گون میباشدا از ا مضای هرگونه قرار دادی در این زمینه خودداری کرد، نتیجه این سیاست جنگ طلبانه و میلیتاریستی شکست مذاکرات ریگیا ویک بود. اما این تنها ظاهر قضیه است. این ملاقات نشان داد که چگونه طرح جنگ ستارگان به اصلی ترین مانع پیشرفت مذاکرات خلع سلاح هسته ای تبدیل شده است. اصرار اتحاد شوروی در برخورد همه جانبه به این مذاکرات و لزوم گنجاندن جنگ ستارگان در دستور کار آنها و عدم امضای قرار دادهای جداگانه در موردی که نسبت به جنگ ستارگان بکلی فرعی هستند نشان از هشیا ری حزب کمونیست اتحاد شوروی در خصوص جایگاه این طرح میلیتاریستی در نقشه های امپریالیستی دارد. بدین ترتیب رهبری شوروی موفق شد تا در برابر بردیدگان همه ماهیت جنگ افروزی فوق ارتجاعی نقشه های "راست جدید" آمریکا را افشا کند و در عین حال این واقعیت را که سویا لیسم برای پیشرفت احتیاجی به جنگ اتمی و تشدید سابقه تسلیحاتی ندارد، به عیان نشان دهد. تدبیر شوروی باعث شد که میلیتاریسم آمریکا در موضع دفاعی قرار بگیرد. انتقادات شدید برخی از نمایندگان دمکرات کنگره آمریکا (نظیر سنا تورسام ساروا دوارد کندی) و نیز ابراز نگرانی کشورهای مختلف غربی از شایع این خط مشی سرخستانه "راست جدید" شاد این مدعا ست.

اهمیت این موفقیت وقتی روشن میشود که به یاد بیاوریم تنها راه مقابله با این سیاست میلیتاریستی، ضمن آماده شدن و داشتن پاسخ لازم بلحاظ نظامی، بسیج افکار عمومی جهان، تقویت جنبشهای صلح طلب و ضد جنگ هسته ای، برای تحمیل عقب نشینی به این شاعرش بورژوازی امپریالیستی است. بسیج طبقه کارگر و حقوق بگیران کشورهای متروپسل برای مقابله با این گرایش فوق ارتجاعی امپریالیسم اهمیت حیاتی دارد و بدین لحاظ اجلاس ریگیا ویک امکانات فوق العاده مهمی در اختیار طرفداران صلح قرار میدهد. کمونیستها سرسرجهان، ضمن حمایت از پیشنهادات اردوگاه سویا لیسم، باید بر مبنای این پیشنهادات، که در مقطع ملاقات فوق وضوح و صراحت ویژه ای نیز یافته اند، با تمام نیروهای صلح طلب و ضد جنگ هسته ای دست به اتحاد عمل بزنند تا امپریالیسم جنگ افروزر را به عقب نشینی وادارند.

جنگ هسته ای نه! صلح و انقلاب آری!

کارگران معادن ثابت میکنند که در مقابل جنبش توده ای کارگران و زحمتکشان حتی "دمکرات ترین" جناح بورژوازی این کشورها نیز در وحدت بسا ژنرالهای مزدور واری گرفتن از ابزار اصلی ادامه حیات نظم امپریالیستی در این کشورها یعنی ارتش تردید نمی کند. راه دمکراسی در این جوامع از روی لاشه بورژوازی می گذرد و تنها دمکراسی بیرونی فادراس نا آزادی بی بند و شرط سنا و عقاید را به توده های مردم اعطا کند و جامعه را به پیش براند.

حدود ۱/۵ میلیون نفر (یعنی دستبندانه شرکت کنندگان انتخابات اخیر این کشور) در این همه برسی شرکت کردند و ۹۸ درصد شرکت کنندگان رأی به الفای بدهی خارجی دادند. اما "دولت مردمسی و دمکرات" متحد آمریکا گوشش به این حرفها بدهکار نیست و نمی تواند هم باشد. تمام اقتدار بورژوازی این کشور را قدره هرگونه عنصر انقلابی هستند و نمی تواند محملی برای دمکراسی و ترقی باشند. بنابراین طبقه کارگر است که میتواند دمکراسی در این جامعه را برقرار کند. وقایع اخیر و بکارگیری ارتش فاشیستی برای سرکوب راهبیمانی اعتراضی



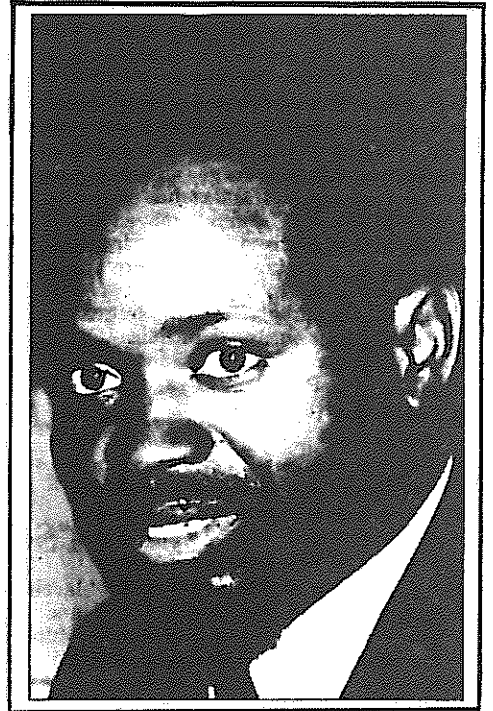
دستش را به طرف ما دراز کرده - این یک تهدید جدی است

دارد و شرایط موجود و وجود ریگان "محبوب مردم" در ریاست جمهوری را "ایده آل ترین فرصت بدست آمده" در دهه اخیر از برای کرده و ضمن بر شماری نکات موردا اهمیت برای منافع آمریکا دادن هر نوع امتیازی در مورد جنگ ستارگان را مردود و مهلک تلقی کرد. این تعرض همه جانبه نمایندگان میلیتاریسم، و آنهم در شب قبیل از ملاقات ریگیا ویکه نشان میدهد که آنان تا چه حد به تشدید جنگ سرد و مبارزه تسلیحاتی، یعنی سوان طبقه اصلی سیاست خویش در مناسبات با اردوگاه

بته بولیوی

ت. کارگران برای نجات اقتصاد، نه گرسنگی دهی بلکه الفای بدهی خارجی بعنوان اولین م بازسازی اقتصاد در پیش نهاد می کنند. آنها حلال نیروهای انتظامی و بکارگیری بودجه لیم سرکوب برای آبادی را مطرح می کنند. این است توده مردم است: در یک اقدام ابتکاری مرکز کارگری بولیوی، "بر قدرت ترین فدراسیون اسری این کشور، یک "فرماندوم توده ای" برای لایم نظردر مورد الفای بدهی خارجی سرگزار کرد.

شهادت سامورا ماشل



سامورا ماشل

ما ه بیش سامورا ماشل رئیس جمهور موزامبیک و یکی از برجسته ترین رهبران "جبهه فره لیمو" د یک سانحه هوایی مشکوک به شهادت رسید، او که در سال ۱۹۳۳ در یک منطقه روستائی بدنیآ آمده بودا همان کودکی نسبت به مسائل اجتماعی و تفاهت های آشکار طبقاتی حساس بود، در دوران تحصیل به سلسله درگیری و اعتراض مداوم به مدیریت بهاء و لقب "شورشی" زاده ده بودند، ماشل به همراه "ادوار دوما ندلب" در شکل دادن به جبهه فره لیمو شرکت و در سال ۱۹۶۳ با طلبانه به "دارالسلام"، که در آن موقع مرکز تجمب انقلابیون بود، رفت و بلافاصله به اجزای فرستاده شد تا تحت تعلیمات نظامی قرار بگیرد، او در مسبوذ اولین هسته ۲۵۰ نفره ارتش رهائی بخش فره لیمو، در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۴ مبارزه مسلحانه علیه استعمار پرتغال را آغاز کرد، استعداد فراوان و قابلیت های متنوع سامورا ماشل باعث ترقی سریع او در مفسوف جنبش مقاومت گردیدند، او در دومین کنگره فره لیمو به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد، سامورا ماشل به همراه "مارسلینودوس سانتوس" رهبری جناح رادیکال جبهه را به عهده داشتند، در مه ۱۹۶۹ او به رهبری دوس سانتوس به معاونت جبهه انتخاب شدند، کنگره سوم در فوریه ۱۹۷۷ با هدایت بلامنازع جنس... مارکسیست جبهه بود، این همه به لطف تلاش های ثباته روزی کادرهای کمونیست جبهه به رهبری سامورا ماشل ممکن شد، ماشل، به تصدیق همه فعالین آن دوره با زماندهی با قابلیت وسیع برپا کرد، او د همه جا حضور داشت تا به قول خودش "درجه حرارت محیط را با حرارت سنج توده ها" تعیین کند، پس از پیروز انقلاب و اخراج استعمارگران پرتغالی جبهه فره لیمو، به رهبری سامورا ماشل و بارانش با استوار کام در راه ساختمان سوسیالیسم در موزامبیک نهاد، علی رغم مشکلات فراوان، کارشکنی های اقتصادی و تهاوزات نظامی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و نیز فعالیت گروه ضد انقلابی به اصطلاح "مقاومت ملی موزامبیک" (R.N.M) که توسط رژیم پرتوریا ساخته، پرداخته و تغذیه میشود، امر ساختن سوسیالیسم همچنان ادامه دارد، طبقه کارگر موزامبیک مدتها رهبر جدید از صفوف خود بیرون خواهند تا کار سامورا ماشل را ادامه دهند، ۱۱ سال مقاومت انقلابی و ۱۱ سال انقلاب پیروز مندکار رگسزار و زحمتکشان موزامبیک را بحد کافی آبدیده کرده است تا فایده ای از این دست را جبران کنند، سامورا ماشل و سایر شهدای انقلاب موزامبیک در آرمان ساختمان سوسیالیسم به زندگی جاودانه ای ادامه میدهند، یادشان گرامی باد.

بقیه فلسطین از صفحه ۲۷

دیگر کرده اند، آنها با ترکیب اشکال قانونی (نظیر انتخابات شوراهای مدارس و دانشگاهها) مبارزه با اشکال غیر قانونی، مسالمت آمیز و مسلحانه، نفس تازه ای در جنبش مقاومت در مناطق اشغالی دمیده اند و نفوذ سازمان یافته سازمانهای انقلابی جنبش مقاومت فلسطین را بطور بی سابقه ای گسترش بخشیده اند، دشمن صهیونیستی با آگاهی به این دگرگونی مذبحخانه می کوشد تا این روند نویسن انقلابی را متوقف سازد اما ماهی و قفص جنبش اعترافی در مناطق اشغالی ثابت می کند که ایسن تلاش ضد انقلابی با شکست روبرو شده است، جنبش انقلابی فلسطین با بازنگری به سیاستهای خود و با تطبیق تاکتیکهای خود با شرایط جدید مصف آراشی قوا در منطقه مصمم تر از هر زمان دیگر به پیش می رود و این پیش روی، در این شرایط بحرانی که بویزه در خیانت هردم آنکارتر جناح راست نهضت متجلی شده است، قبل از هر جای دیگر خود را در تعمیق و گسترش سازماندهی مبارزه انقلابی در مناطق اشغالی نشان میدهد.

بقیه آفریقای جنوبی از صفحه ۲۷

به حرکت در آمده است، طبقه کارگر آفریقای جنوبی، پس از هفت دهه تلاش جنگی نابرابر انقلابیون کمونیست به درجه بالائی ارتقا یافته است، طبقاتی سازماندهی توده ای دست یافته است، این درجه از شکل و آگاهی در کنار وجود رهبری زنده و با تجربه ای چون "کنگره ملی آفریقا" آینده درخشانی برای آفریقای جنوبی را نوید میدهد، پایه های رژیم آپارتاید این اهرم اصلی سلطه

امپریالیسم در این منطقه از جهان به لرزه در آمده است، چرا که طبقه کارگر رهبری جنبش ضد آپارتاید را بدست گرفته و با استواری تمام به پیش می رود، اعصاب اخیر مبرتا فید دیگری برای این حقیقت انکارناپذیر است، بدنیال سقوط نژاد پرستی در موزامبیک، آنگولا، زیمبابوه و آغاز ساختمان سوسیالیسم در این کشورها، نوبت به دز اصلی آپارتاید و امپریالیسم در این منطقه از جهان رسیده است تا با یک انقلاب توده ای فرو بریزد.



آفریقای جنوبی

مرگ بر امپریالیسم جهانی

به سرکردگی امپریالیسم امریکا

همگام با کارگران و زحمتکشان جهان

فلسطین

ماه گذشته بحران در کابینه اختلافی یو.ا.س. تمام خودنمایی کرد. درگیری میان دفاع، انریله، که گذشته "درخشانی" را در وزارت دفاع مارکوس و نیز فرماندار نظامی بحران حکومت نظامی پشت سردار دیویک "مهاهدروز" به تمام معنی است که در آخرین لحظات جنش بوده ای "پیوسته" است، و خانم آکینو تازه ای یافت، انریله که عملاً سخنگوی ارتش، از آن مارکوس و بزرگ مالکان و سرمایه داران، دولت آکینو را متهم به "نرمش" در برابر نیستها کرد، و اکتش آکینو عقب نشینی و "تهدید" نیستها بود، او به "ارتش نوین خلق" اخطار کرد وقت می گذرد و بزودی دولت ناگزیر خواهد شد "به یک جراحی بزند؛ جنگ" اما گویا او در واژن تاریخ معاصر فلسطین درس نگرفته اند، ارتش چریکی "هزار نفره با میلیونها سپاه" فسادار در میان توده ها رانمی توان با عمل حی قیچی کرد، انریله خود را هدخوبی است، خوبی میدانده چگونه ۱۲ سال حکومت نظامی گیبی رحمانه ضد چریکی نه تنها جنش توده ای توقف نکرد بلکه شاهد گسترش و قدرت گیری ووم جنش انقلابی جب بود، اما این تهدیدات نوره ای نمایندگان سیاسی بورژوازی فلسطین

بیش از هر چیز قصد منحرف کردن افکار عمومی و بویزه طبقه کارگر و دهقانان فلسطین را دارا درجرا که ادامه و تعمیق بحران اقتصادی - اجتماعی در این کشور، ناتوانی دولت بورژوازی و سه بست رسیدن نظام سرمایه داری در فلسطین را در انظار توده ها آشکار میکند. دولتی که حتی ناتوان از اجرای یک اطلاعات ارضی رقیق و سیم بسد است، اما زحمتکشان فلسطین برای مدت طولانی منتظر دولت آکینو و وعده وعیدهای آن نخواهند آمد: ماه پیش دهها هزار تن از دهقانان (به گزارش پلیس "بیش از ۴ هزار نفر") فلسطین در مانیل دست به تظاهرات با شکوهی زدند که در آن خواستار اصلاحات ارضی فوری و رادیکال را مطرح کردند. این بزرگترین تظاهرات توده ای پس از روی کار آمدن آکینو در سپهر گذشته است، این تظاهرات دهقانی در کنار رشدت سیاسی و گسترش جنش اجتماعی کارگران فلسطین نشان میدهد که جنش توده ای از نفس نافتاده و غیرمقدور رسدن حجاج سوینی از بورژوازی که ظاهر "مردمی و رادیکال" بخود گرفته است، جنش مستقل توده ای با خواسته های مشخصی رند میکند، و خود به خود انقلابی جنب و خشیاری تا کنونی آن اطمینان بخش آنسده ای روشن برای این جنبش مستقل توده ای است، انقلاب ساکامبائی را ما ما اکنون در فلسطین به پیش میرود.

کوبیدن نهادهای سرکوب بورژوازی "بریا" میشوند جز این نیست. در شرایط بحران سرمایه داری این نوع دول نمی توانند در دو صندلی بنشینند، یا بایده خواهسته های بحق توده های کارگر و زحمتکش جواب داد و یا مجدداً به قهر و سرکوب روی آورد. دولت بولیوی نیز نه تنها از این قاعده مستثنی نبوده است، بلکه با وقاحت کم نظیری به کارگران بولیوی اعلان جنگ داده و با شکنجه گران دیروز عقده مودت بسته است. فراخواندن ارتش برای متوقف کردن بیاده روی معدنچیان گرسنه، دستگیری ۲۶ تن از آنان، حمله به رهبران اتحادیه ها و برقراری حکومت نظامی شماره ایمن اتحاد قشار گوناگون بورژوازی در برابر جنش اعتصابی کارگران است. "جرم" این معدنچیان چه بود؟ اینکه آنها به برنامی دولت برای بستن معادن اعتراض داشتند، برنامی که هم اکنون منجر به بیکاری دائمی ۸ هزار تن از آنان شده و حال ثبوت به ۱۰ هزار تن دیگر رسیده است و در مجموع "می باید" ۲۴ هزار تن از معدنچیان بسسه بیکاری و گرسنگی تن بدهند تا برنامی "رباضت اقتصادی" پیش برود. آنهم در کشوری که طبق آمار رسمی، بودجه ارتش و نیروهای انتظامی نصف بودجه کل کشور را به خود اختصاص میدهد (با زهم طبق آمار رسمی دولتی) حقوق یک استوار ارتش برابر یک معلم است، اینست میراث سرمایه داری وابسته در بولیوی: محرومیت توده ای، وورسکتگی اقتصادی و قریبه شدن نهادهای سرکوب.

در چنین شرایطی طبقه کارگر ساکت نمانده بقیه در صفحه ۲۵

آفریقای جنوبی

چهارشنبه ۹ بهرمه ۱۳۶۵ (اول اکتبر ۱۹۸۶) روزی فراموش نشدنی در تاریخ جنش کارگری آفریقای سیاه باقی خواهد ماند. در این روز بیش از سیصد هزار کارگر معدن بدعوت اتحادیه ملی کارگران معادن (N.U.M.) بر قدرت تریبون اتحادیه کارگری عضو درا سیون کارگران آفریقای جنوبی (کواتو)، در اعتراض به فاجعه کشته شدن ۱۷۷ معدنچی در انفجار معدن طلای "کین راس" دست به اعتصاب زدند. اعتصابی که تبدیل به جلسه محاکمه رژیم پرتوریا و افشاکاری ارتباط برده و ارا به کار در معادن نژادپرستان شد. به قول یکی از مسئولین اتحادیه، این اعتصاب بزرگترین اعتصاب یکپارچه ای با این تعداد از اعتصابیون سرکار رسده بود. کارگران با کردهای در معادن منقلب به یادگشتگان خود سکوت کردند و با منتهای کمره کرده نسبت به نژادپرستان اعتراض کردند. این اعتصاب با کوه که چند ماه پس از تعرض پلیس با نسبت و دستگیری بخش بزرگی از رهبری و فعالین سدیگای مختلف می گذرد تا سه بر فردی است ارایکه اتحادیه های کارگری بواسه اسد براب پلیس را شرم کرده و با رماندهی جدید خود راه بیس برسد. برای مقامات رژیم پرتوریا که مکرر می کردند جنس اعتصابی را برای مسدودت میدی واداریه کوب و خودی کرده اند اعتصاب سان "رعد در آسمان سی اس" بود. آنها همسوز بدرسی درک کرده اند که عول ارجواب سدارنده و بقیه در صفحه ۲۶

ولپوی

اعلام حکومت نظامی، پس از راه پیمائی نچیان به طرف پایتخت، در بولیوی نشان از نگیری تضاف کارگران و دولت این کشور دارد. سال گذشته نیز بیش از ۱۵۰ اعتصاب سراسری دولت مت نظامی برقرار کرده و در پناه "قوانین لاری" به دستگیری و تبعید گسترده رهبران جنش بولیوی دست زده بود. پس از این اعتصاب سخ خشن دولت، کسبه خرد، سپس دهقانان (در مثل تیر) دست به اعتراض و تظاهرات زدند و کارگران معادن بمیدان آمدند. طیف گسترده نات واقشا ر معترض نشان از سراسری بسودن و قیق بی سابقه بحران اقتصادی دارد. ایمن بخ کل استعمار شونده گان به دولت "دمکراتی" تکه از یک طرف تن به خواهسته های سازمان بریالیستی "صندوق بین المللی پول" (IMF) و برنامی "رباضت اقتصادی" و حمله به سطح گی توده مردم را در پیش گرفته و از طرف دیگر تا اتحادیه سوی دیکتا تور باقی بولیوی "ژنرال نزر" دراز کرده است و با حزب بورژوازی بزرگ اتحادیه است. دولتی که خود را "سمبلس لراسی" میدانند در برابر خواهسته های بحق توده ن کارگر و زحمتکش به ارتش و دیکتا تورهای سه پوش روی آورده است. عقدا تحد رسمی بین پ حاکم "سوسیال دمکرات" و حزب ژنرال یا نزر وورسکتگی این "دمکراتهای" جیون ویزدل است کابینه خود را با رشوه دادن به ژنرالها برپا نه اند. سر نوشت این نوع دمکراسی که بدون نوردبه نهادهای دیکتاتوری و بدون در هم

ВЕЛИКИЙ
ОКТАБРЬ



十月大革命

THE GREAT OCTOBER REVOLUTION

اکتبر، راه سرخ رهایی

هفتم نوامبر سال ۱۹۱۷ میلادی از پیروزی انقلاب بکبیراکتبر می گذرد؛ انقلابی که میلاددنیای نو بود؛ دنیای نو، نوآوری، طبقه کارگر، در تمام روزها و لحظات ۹۰ سال گذشته، بورژوازی جهانی، نیروی خود را برای مقابله با اکتبر و برای شکستن راه اکتبر بکار بسته است؛ اما با این همه اینک سراسر سیاره ما، برای صدها میلیون انسان که برای رهایی از جنگالامیریا لیم و بهره کشی می جنگد اکتبر ستاره راهنماست. راهی را که پرولتاریای قهرمان اتحاد شوروی زیر رهبری حزب لنین در اکتبر ۱۹۱۷ کشوردا اینک پرولتاریای سراسر جهان تنها راه رهایی می شناسد. زنده باد راه اکتبر، راه سرخ رهایی کارگران و زحمتکشان!

کشتار ایندرفاقش جنایتی که هرگز فراموش نمی شود

۱۳ آبان ۵۹، با سداران رژیم ولایت فقیه یکی از فراموش نشدنی ترین صحنه های جنایات خود را در کردستان آفریدند؛ آنها تمام ساکنان بی دفاع روستای کرد نشین ایندرفاقش را بنحوی فجیعی قتل عام کردند. کشتار ایندرفاقش نه اولین جنایت رژیم ولایت فقیه بود و نه آخرین آن، اما یکی از صحنه های است که کینه انقلابی خلق کرد را علیه رژیم جنایتکار اسلامی دا شما مشتعل نگه میدارد. قتل عام هایی که در ایندرفاقش، در قارنا و دردها روستا و شهر کردستان در هفت سال گذشته بدست پاسداران رژیم اسلامی صورت گرفته، چه ره واقعی "اسلام فقهی" را در کردستان بخوبی نشان داده است. کارگران و دهقانان کردستان خوب می دانند که جمهوری اسلامی با مردم بی دفاع چه می کند، از این روست که مقاومت قهرمانانه خلق کرد اکنون بیش از هفت سال همچنان ادامه دارد. باید ابروی روز با دایمن مقاومت!

با نشریه

کتاب

مکاتبه کنید!

با کمک های مالی خود

سازمان را در امر مبارزه

انقلابی یاری رسانید

کمک های مالی و بهای نشریات را به حساب زیر واریز کرده و رسید بانکی آن را به آدرس نشریه در فرانسه ارسال کنید.

CREDIT LYONNAIS
MERCURE 808
CPT.43956ⁿ HASSAN
PARIS - FRANCE

آدرس در خارج از کشور

فرانسه

ALIZADI, BP195
75564 PARIS-Cedex12
France

آلمان

Postfach 650226
1 BERLIN 65
w. Germany

تذکرده رمورد ارسال نامه ها
به نشریه از داخل ایران

نامه های که از داخل ایران مستقیماً به آدرس های علنی "راه کارگر" در خارج از کشور ارسال شوند، توسط پست رژیم ضبط می گردند. برای تماس با راه کارگر، نامه ها و گزارشات خود را به آدرس دوست یا آشنائی در خارج از کشور پست کنید و از او بخواهید آنها را به یکی از آدرسهای نشریه در خارج از کشور پست کند.